

«به نام او که زیباست و زیبایی را دوست دارد»

زنگ مهر

(کتابی کاربردی برای معلمان، دانش آموزان، والدین)

حمید علامه

انتشارات آدینه فریمان

۱۳۹۴

آدرس: فریمان - شهر قلندر آباد - خیابان امام رضا ۱۳ - لاله ۵ - پلاک ۱

پست الکترونیکی: adineh.friman.pub@gmail.com

تلفن تماس: ۰۹۱۵۶۱۱۱۸۶۸

نام کتاب: زنگ مهر

مؤلف: حمید علامه

ناشر: انتشارات آدینه فریمان

طراح جلد و صفحه آرا: خاطره آرمین

ویراستار: فاطمه سلمی

قطع: رقعی / شمارگان: ۱۳۹۴/۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۹۵۱۰۳-۶

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

جهت ارتباط با نویسنده ی کتاب با شماره تلفن: ۰۹۱۵۳۱۲۲۰۵۶ تماس حاصل فرمایید .

تقدیم به معلمان علم و اخلاق

آنانکه می‌دانند رنج می‌برند
و
آنانکه نمی‌دانند رنج می‌دهند.

اصلاح میان مردم از نماز و روزه دایم افضل است.

پیامبر اکرم (ص)

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
	فصل اول / مهارت شروع
۱۱	 پیشنهادهایی برای شیوه ی شروع کلاس درس
۱۹	 انتظارات شما دانش آموزان از معلم فارسی
	فصل دوم / روش های تدریس پیشنهادی
۲۹	 شعرهای آغاز هر درس
۳۱	 نایغه و آینده ساز گرامی
۳۴	 حروف الفبا
۳۵	 سخت افزار و نرم افزار
۳۶	 تجسم فضایی و تدریس
۴۰	 دقیقاً همون چیزی را تصور کنید که معلم می گوید
	فصل سوم / روش های یادگیری و تأثیر گذاری
۴۷	 ۲۰ نکته برای ۲۰ شدن
۵۱	 فقط ۱۰ چیز در زندگی تحت کنترل شماست
۵۴	 چند قانون برای موفق شدن در کار و زندگی
۵۵	 نکته ی مهم در رسیدن به خواسته های معقول
۵۶	 قانون سوال کردن
۵۸	 عنوان پژوهش
۶۰	 شیوه اجرا
۶۷	 راهبردهایی کوتاه درباره ی درس املا
۶۹	 راهبردهایی کوتاه درباره ی درس انشاء
	فصل چهارم / زندگی ۷۰ ساله
۷۷	 چگونه زندگی ۷۰ ساله ی خودمان را بنویسیم؟
۷۷	 دانش آموزان عزیز سلام
۸۱	 عبارت هایی برای
۸۲	 فهرست مشاغل در حوزه های مختلف
۹۸	 داستان « چه کسی زندگی مرا عوض می کند؟ »
	فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان
۱۰۳	 الف : کتاب همه
۱۰۴	 فوایدی که اجرا این شیوه در پی خواهد داشت
۱۱۰	 مجله رشد معلم
۱۱۳	 تحلیل
۱۲۰	 اسم ۳۲ حرف الفبای فارسی

فصل ششم / بیان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

چند خاطره از سال ها تدریس.....	۱۳۷
عنوان خاطره :هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود.....	۱۳۹
عنوان خاطره :«جان و مال خود را به خدا بسپارید و بس».....	۱۴۰
عنوان خاطره :فروتنی را از شهید مطهری آموختم.....	۱۴۴
خاطره ی شاگرد اول کلاس که از درس فارسی تجدید شد.....	۱۴۷
دارویی برای درمان تمام دردها.....	۱۵۱
مراسم گل گردون.....	۱۵۲
پند نامه.....	۱۵۳
چگونه معلم نمونه کشوری شدم.....	۱۵۶
آغاز برگ زندگی و چرا.....	۱۶۲

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

مطالبی برگزیده از دیگر معلمان.....	۱۶۹
۱۰ نکته برای مدیریت کلاس درس.....	۱۷۰
از تشویق استفاده کنید.....	۱۷۵
چرا اولین جلسه درس این همه اهمیت دارد ؟.....	۱۸۰
چگونه طرح بنویسیم.....	۱۸۳
نوشتن طرح درس.....	۱۸۶
رمزهای زندگی «ویژه ی دانش آموزان».....	۱۸۷
زندگی همه اش درس است.....	۱۸۸
تغسیرات طبیعی دوران بلوغ.....	۱۹۲
مسئولیت پذیر کردن نوجوانان.....	۱۹۶
تشویق و تنبیه.....	۱۹۹
چه کارهایی نباید کرد ؟.....	۲۰۱
۹ کلید برای پدر و مادران خوب.....	۲۰۳
ارایه تکلیف.....	۲۱۰
ارزشیابی پایانی.....	۲۱۱
کنترل فعالیت گروه ها و دانش آموزان.....	۲۱۱
معرفی مختصر حمید علامه.....	۲۱۱
چکیده پایان نامه کارشناس ارشد نویسنده.....	۲۱۳
منابع و مواخذ.....	۲۱۵

مقدمه

خداوند متعال را شاکر و سپاس گزاریم که توفیق پیدا و پنهانش رفیق را همان شد تا بتوانیم در لباس معلّمی به جامعه ی اسلامی و انسانی صادقانه و خالصانه خدمت کنیم.

« نویسنده ی این سطور بر این باور است: «عشق است که می ماند »

وقتی کاری را با عشق و علاقه انجام دهیم ماندگار می شود. به ویژه شغل معلّمی و معلّم فارسی بودن. « معلّم فارسی باید همان معلّم زندگی باشد » معلّمی که آینده ساز و هدایتگر است و دانش آموزان را با اصول یکتا پرستی ، اعتقادی ، اخلاقی و اجتماعی آشنا می کند . بر این اساس و با عنایت به لطف بیکران خداوند ؛ برخی از فعالیت هایی که موجب می شود تا دانش آموز در قالب آن ها مهارت های زندگی را بیاموزد، در این کتاب بیان شده است. امید است برای همکاران و دبیران عزیز مفید واقع شود و مورد استفاده ی همه قرار گیرد: در همین جا از شما خواننده ی تیز بین و فهمیم خواهشمندیم با ارایه ی نظر ، پیشنهاد ، انتقاد و ... ما را برای ارایه ی کارهای قوی تر و ارزشمندتری یاری فرمایید .

ما در این کتاب کوشیده ایم تا آن چه را که در طول سال ها آموخته ایم به لطف خداوند به رشته ی تحریر در آوریم ، چاپ کنیم و برای پیشرفت به

جامعه ی اسلامی و انسانی تقدیم نماییم .

جا دارد در اینجا از همه ی کسانی که ما را در تهیه و تدوین این کتاب یاری فرموده اند .صمیمانه تشکر نماییم و تشکر ی ویژه داشته باشیم از مدیریت محترم آموزش و پرورش فریمان که با حمایت های خود موجبات چاپ و توزیع این کتاب را فراهم نمودند.

با سپاس و احترام

حمید علامه

فصل اول

مهارت شروع

مهارت های پیشنهادی برای شروع کلاس

فصل یک / مهارت های شروع

پیشنهادهایی برای شیوه ی شروع کلاس درس:

الف: صلوات و پس از آن

پس از ورود به کلاس ؛ ذکر صلوات فضای کلاس را روحانی می کند و عطرِ آن مشام جان را می نوازد ، سپس یک یا دو بیت شعر که در آن یاد خدای متعال است، توسط دانش آموزان خوانده می شود و این شعر هر ماه عوض می شود. یکی از شعر هایی که بعد از صلوات می خوانند این بیت است:

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

نروم جز به همان ره که توام راه نمایی..

ب: تلاوت قرآن

پس از خواندن شعر و نشستن، به ترتیب دفتر نمره، هر جلسه یک نفر چند آیه از قرآن را تلاوت می کند. چرا که معتقدیم قرآن «معجزه» می کند و آرامشی که بر کلاس حاکم می شود بیانگر این حقیقت است و همه چیز برای یاد دادن و یادگرفتن آماده می شود .

پ: وضو

در ابتدای سال تحصیلی از همه ی دانش آموزان خواسته ام که در سر همه ی کلاس ها به ویژه کلاس ادبیات «با وضو» باشند به این دلیل که: «یادگیری

فصل یک / مهارت های شروع

نوعی عبادت است.» همان گونه که ما هنگام نماز خواندن وضو می گیریم، هنگام یادگیری هم خوب است با وضو باشیم به ویژه این که «معلّمی شغل انبیاست.»

از سوی دیگر خداوند انسان را از آب + خاک = گل آفریده است و ما با وضو گرفتن به خاک وجودمان آب می پاشیم و گل می سازیم و با این کار انعطاف پذیری ما بالاتر می رود و سطح یاددهی و یادگیری مان به شدّت افزایش می یابد و این خود در رسیدن به کمال نهایی مؤثر است.

اکثر دانش آموزانم در کلاس های من با وضو هستند. و این یک توفیق الهی است. (خودم سعی می کنم که همیشه با وضو باشم و اکنون هم که این مطالب را می نویسم، چون می دانم این کار من نوعی خدمت به خلق خدا و عبادت است، با وضو هستم.) شما هم اگر دوست داشتید ادامه ی این مطالب را با وضو بخوانید.

ت: آیه الكرسي

با توجه به این که برای «آیه الكرسي» خواص و فواید بسیاری را نقل کرده اند، اینجانب یک ارفاق کلی برای همه ی دانش آموزانم در هر سال تحصیلی قرار داده ام و گفته ام که هر کس آیه الكرسي را حفظ کند، در هر نوبت یک یا دو نمره به طور مستقیم به نمره ی مستمرش اضافه می کنم و حفظ آن هم دلخواه است. و اگر معلّم بتواند به هر دانش آموز یک برگه ی پرس شده ی آیه الكرسي و چهار قُل که قیمت آن حدود ۱۰۰ تومان است

فصل یک / مهارت های شروع

بدهد؛ یک حرکت مثبت و تاثیرگذاری را شروع کرده و کار خیر و ماندگاری را پایه گذاری می کند. بدون شک منافع معنوی و مادی چنین حرکتی به خود ما باز می گردد و این یعنی...

در کتابی خواندم که عالمی می گوید: هر که علم می خواهد بر پنج چیز مواظبت می کند :

۱- پرهیزکاری در آشکارا و پنهان

۲- خواندن آیه الکرسی

۳- همیشه با وضو بودن

۴- نماز شب حتی اگر دو رکعت باشد

۵- غذا خوردن به منظور نیرو گرفتن نه شکم پر کردن

امام صادق (ع) فرمودند: «سفر را با دادن صدقه و یا با خواندن آیه الکرسی آغاز کنید. کسی که در سفر هر شب آیه الکرسی را بخواند هم خودش در سلامت باشد و هم چیزهایی که همراه اوست.»^۱

یادم هست سال گذشته نوبت اول دانش آموز زرنگی در سال دوم دبیرستان نمونه دولتی حضرت قائم (عج) فریمان (گرجستانی قدیم)، که همه ی نمراتش را بیست شده بود ، نمره ی مستمر درس ادبیات فارسی اش را ۱۹/۷۵ گرفته

۱- آثار و برکات آیه الکرسی / نوشته ی آقای جابر رضوانی

فصل یک / مهارت های شروع

بود و چون آیه الکرسی را حفظ نکرده بود، ۰/۲۵ دیگر به وی ارفاق نکردم که ولی اش را به مدرسه آورد و بعد از توضیح و دلایل من؛ هم پدر و هم پسر، هر دو آن را حفظ کردند و امسال هم که پرسیدم حفظ بودند.

ج: جلسه ی اول و مقرراتِ کلاس (آشنایی با روش تدریس معلّم

در جلسه ی معارفه)

اولین جلسه ای که در آغاز هر سال تحصیلی وارد کلاس می شویم ؛ سعی کنیم که با لباس مناسب و برخورد خوب و تأثیرگذار کار را شروع کنیم . به طورمثال وقتی که برای بار اول وارد کلاسی می شویم؛ در همان بدو ورود برخی از جایشان به طور کامل بلند می شوند و می ایستند و برخی از دانش آموزان هم یا بلند نمی شوند یا حداقل تکانی می خورند. در این لحظه از همه ی دانش آموزان می خواهیم که بلند شده و راست بایستند و تا موقعی که معلّم نگفته در جای خود ننشینند. حدود ۲ دقیقه درحالی که سکوت حکم فرما می شود معلّم به دو نکته و قانون مهم برای اجرا در طول سال تحصیلی اشاره می کند: نکته ی ۱- وقتی که معلّم در کلاس هست کسی حق ندارد حرف یا سخن بی مورد که منجر به اخلال در نظم کلاس شود ، بیان کند. نکته ی ۲- اگر کسی حرفی یا سوالی دارد ؛ اجازه بگیرد و سپس سخن یا سؤال خود را مطرح کند و این گونه نباشد که فقط دستش را بالا و حرفی بزند.

بعد از بیان این دو نکته ، از دانش آموزان می خواهیم که سر جای خود منظم

فصل یک / مهارت های شروع

و مرتب بنشینند. سپس عرض سلام و ادب و معرفی خود و شیوه ی تدریس و اخلاق توضیح داده شود.

به طور مثال ، من در همان جلسه ی اول بعد از بیان آن دو نکته ی بالا خودم را این گونه معرفی می کنم که:

من حمید علامه ؛ معلّم فارسی هستم. ۲۲ سال سابقه ی تدریس دارم. مدرک تحصیلی ام فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی است. چندین سال معلّم نمونه ی مدرسه و شهرستان بودم اما به لطف خداوند در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به عنوان معلّم نمونه ی کشور انتخاب شدم. در بیش از ۱۴ همایش و کنفرانس ، سخنرانی و ارایه ی مقاله داشته ام و بیش از ۲۰ مقاله ی چاپ شده در مجلات و روزنامه های رسمی کشور دارم. و یک اختراع ثبت شده دارم که لازم به توضیح نیست.

بعد از معرفی خودم کارها و روش هایی که قرار است در طول سال تحصیلی با هم داشته باشیم را بر روی تابلو یا پرده ی نمایش می نویسم و از دانش آموزان می خواهم که این قوانین و یادآوری ها را در پایان دفترشان یا دفترچه ی یادداشت خود ثبت نمایند تا بعداً مسأله ای پیش نیاید.

از جمله مسایلی که روی تابلو می نویسم به شرح زیر است:

۱- همواره در کلاس های درس با وضو باشید به ویژه در کلاس فارسی چون

فصل یک / مهارت های شروع

آدمی از : آب+خاک=گل آفریده شده است.

۲- حفظ آیه الكرسي ۲ نمره غیر از ۲۰ نمره مستمر (برای هر نوبت جداگانه
پرسیده می شود).

۳- آغاز هر جلسه با تلاوت قرآن به ترتیب دفتر نمره

۴- نوشتن تکالیف به صورت دقیق در دفتر = + (با هر مثبت یک نمره به جمع
کل نمره های سرکلاسی افزوده می شود. در صورت ننوشتن تکلیف نمره ی
منفی نمی گذاریم. اگر نوشتند مثبت می گیرند).

۵- حضور به موقع در کلاس به همراه نظم و انضباط.

۶- یادگیری کامل حروف الفبای فارسی

۷- انجام طرح یادداشت همراه کتاب

۸- دفتر و کتاب جلد داشته باشد. (دفتر ۴۰ برگ)

۹- احترام به پدر ، مادر ؛ معلمان و خودتان

۱۰- هر ماه یک امتحان کتبی گرفته می شود ولی هر جلسه درس گذشته
پرسیده می شود.

۱۱- نمره ی ۲۰ دعوت از ولی دانش آموز یا اطلاع به وی (اگر دانش آموزی

فصل یک / مهارت های شروع

در نمره های مستمر که در پایان هر ماه گرفته می شود نمره ۲۰ بگیرد
تماس تلفنی با ولی دانش آموز گرفته می شود و به آن ها تبریک گفته می شود
که چنین فرزند باهوش و درس خوانی دارند.)



۱۲- شرکت در نماز جماعت مدرسه هر ماه یک مثبت.(خودم نهایت تلاشم را
می کنم که در نماز جماعت مدرسه شرکت کنم و از هر کلاس دو نفر را به صورت
مخفیانه انتخاب می کنم تا اسامی کسانی که از کلاسشان در نماز جماعت شرکت
کرده اند بنویسند و بعد از مقایسه و تطبیق نمره اضافه می شود.)

۱۳- درس هر روز را همان روز بخوانید و همیشه یک درس از معلم جلوتر باشید.

شعر مربع: (هم می توان عمودی خواند و هم افقی)

از چهره ی افروخته گل را مشکن

افروخته رخ مرو تودیگر به چمن

گل را تو دیگر مکن خجل ای مه من

مشکن به چمن ای مه من قد سمن

شعر عکس: (هم می توان از ابتدا خواند و هم از انتها) :

شو همره بلبل بلب هر مهوش شکر بترزوی وزارت بر کش

امید آشنایان شادی ما

فصل یک / مهارت های شروع

(چ) قرار داد بین معلم فارسی و دانش آموز گرامی آقای..... کلاس.....

من (معلم فارسی) در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ چه انتظاراتی از شما دارم ؟

۱- انتظار دارم با من، خود و دیگر شاگردان با ادب و احترام رفتار کنید .

۲- انتظار دارم هر وقت که از شما بخواهم نهایت توجه را به گفته هایم نشان دهید . این کار به یادگیری شما کمک می کند . (وقتی معلم در کلاس است باید ساکت باشید و به سخنان معلم گوش دهید.)

۳- انتظار دارم با خودتان صادق باشید و هر گاه که اشتباه کردید آن را بپذیرید این کار بخشی از فرآیند یادگیری است) .

۴- انتظار دارم تکالیفتان را سر موعد تحویل دهید . (این امر به من کمک می کند تا بتوانم به شما کمک کنم) .

۵- انتظار دارم که همیشه حداکثر تلاشتان را بکنید . خیلی مهم است که بتوانید در پایان سال تحصیلی با غرور به عملکرد خود در سالی که گذشت نگاه کنید.

۶- انتظار دارم قبل از این که سخن بگویید، دستتان را بالا ببرید و اگر معلم اجازه داد سخن بگویید یا سؤالی پرسید.

۷- انتظار دارم که در صورت عدم رعایت موارد بالا ، عواقب زیر را بپذیرید :

فصل یک / مهارت های شروع

— به طور خصوصی با شما صحبت خواهیم کرد .

— اگر ادامه دهید ، به عنوان تنبیه شما را از کلاس اخراج خواهیم کرد .

— با مدیر مدرسه صحبت خواهیم کرد .

— با پدر و مادرتان تماس خواهیم گرفت .

با توجه به این که فرآیند یاددهی - یادگیری امری مشترک است و لذا شما هم حق دارید چیزهایی از معلم فارسی انتظار داشته باشید : انتظارات
انتظارات شما دانش آموزان از معلم فارسی:

۱- می توانید انتظار داشته باشید که با شما مودبانه رفتار کنم و حتی وقتی شما را شدیداً مواخذه می کنم احترامتان را نگه دارم .

۲- می توانید انتظار داشته باشید که من همه ی تلاشم را برای کمک به پیشرفتتان یا حل مشکلاتتان به کار بندم .

۳- می توانید انتظار داشته باشید که تکالیف و کارهای شما را منظم بررسی کنم و نظرات سازنده ای در مورد آنها به شما انتقال دهم .

۴- می توانید انتظار داشته باشید که هر گاه اشتباهی از من سرزد، از شما عذر خواهی کنم .

فصل یک / مهارت های شروع

۵- می توانید انتظار داشته باشید که با شما در صورت بروز رفتار خطا و خلاف ادب ، با رعایت عدالت و انصاف برخورد کنم.

۶- می توانید انتظار داشته باشید که سالروز تولدتان را به شما تبریک بگویم و در شادی ها شما شریک باشم.

۷- می توانید انتظار داشته باشید که اگر بیمار شدید یا سانحه ای برایتان پیش آمد و در منزل یا بیمارستان بستری شدید، من جویای احوالات شما باشم و حتی المقدور به عیادت شما بیایم. با احترام

امضای دانش آموز

امضای معلم

شماره تلفن معلم فارسی

همراه قرارداد فوق شیوه ی تدریس نیز به دانش آموزان اطلاع رسانی می گردد که به شرح زیر می باشد.

به نام یکتای بی همتا

ح) آشنایی با برخی از روش های تدریس معلّم فارسی:

۱- سعی می کنم همواره با وضو باشم، پیشنهاد می کنم شما هم اگر دوست داشتید همیشه در کلاس های درس با وضو باشید به ویژه در کلاس فارسی

فصل یک / مهارت های شروع

چون درس خواندن و کار کردن برای رضای خداوند، نوعی عبادت است.
(آب+خاک=گل)



۲- حفظ کردن آیه الكرسي ۲ نمره دارد و در صورت حفظ، دو نمره به مستمر نوبت اول و دو نمره به مستمر نوبت دوم افزوده می شود. (۲بار در سال پرسیده می شود).

۳- هر جلسه ی درس را با تلاوت قرآن آغاز می کنیم و به ترتیب دفتر نمره، هر جلسه یک یا دو نفر از دانش آموزان، قرآن می خوانند. (اگر آیه الكرسي را از حفظ و درست بخوانید بسیار بهتر است).

۴- اگر تکالیف نوشتنی را به صورت دقیق و کامل در دفتر بنویسید، معلّم برای شما یک مثبت (+) یک نمره ای می گذارد. (حداکثر ۵نمره)

۵- حضور به موقع شما دانش آموز باهوش در کلاس و داشتنِ نظم و انضباط برای معلّم فارسی بسیار ارزشمند است.

۶- حروف الفبای فارسی (اسم، صدا و شکل) را به طور دقیق و کامل یاد بگیرید. چون در آزمون های مستمر، به شکل های مختلف پرسیده می شود.
(مثلاً حرف هفدهم الفبا چیست؟)

۷- طرح «یادداشت همراه کتاب» را برای تمام کتاب هایتان انجام دهید و به روز باشید.

فصل یک / مهارت های شروع

۸- دفتر و کتابتان جلد داشته باشد. (دفتر ۴۰ برگ برای هر کتاب فارسی)

۹- از این که می خواهید همواره به خودتان، به پدر ، مادر ، معلّمان و دوستانتان احترام بگذارید، پیشاپیش از شما سپاس گزاریم!!!!

۱۰- هر ماه یک امتحان کتبی گرفته می شود.(یا هر ۴ درس یا پایان هر فصل) ولی هر جلسه درس گذشته پرسیده می شود.

۱۱- پیشنهاد می کنیم که درس هر روز را همان روز بخوانید و همیشه یک درس از معلم جلوتر باشید .

۱۲- در صورت حفظ حداقل ۲۰ سوره از قرآن، یک نمره ی ۲۰ به عنوان نمره ی مستمر برای شما در نوبت اول یا نوبت دوم درج خواهد شد و به پاس تلاش هایتان، مبلغ بیست هزار تومان به شما اهدا می گردد.(در صورت حفظ ترجمه ی فارسی آن سوره ها ،مبلغ بیست هزار تومان دیگر نیز تقدیم می گردد.)و با حفظ تمام سوره های قرآن با معنی: ۲۲۸ هزار تومان اهدا می گردد.

۱۳- در صورت حفظ ترجمه ی کامل نماز، یک مثبت دو نمره ای برای شما گذاشته خواهد شد و با نهایت احترام مبلغ هفت هزار تومان اهدا می گردد.

۱۴- نوشتن زندگی ۷۰ ساله ی خودتان؛ یک کار عملی محسوب می شود و ۲۰ نمره ی مستمر نوبت دوم، به نوشتن این امر اختصاص دارد.

فصل یک / مهارت های شروع

۱۵- هرگونه پیشنهاد، انتقاد یا نظری درباره ی روش تدریس، رفتار و گفتار معلّم فارسی دارید، در برگه ای نوشته و به معلّم فارسی بدهید. بسیار استقبال می کنیم و خوشحال می شویم. با آرزوی معنویت، سلامت و ثروت.

خ) متن نامه ی دعوت از ولی دانش آموزانی که در امتحانات داخلی نمره ی ۲۰ می گیرند:

ان ربك هو الخلاق العليم «سوره ی حجر آیه ی ۶۸»

تاریخ:

چشمانت آسمانی است (صاف) نه ابرآلود، دلت غنچه ای است در (شگفتن) نه درتنگه، قلبت دریایی است در (عمق) نه درکف، تو فراتر از آنی که با طبیعت در ترازوی مقایسه درآیی، تو آغازی، شروع یک خط، ادامه ی یک راه، ادامه یک خط تا بی نهایت، تو همانی که دیگر مسافران پشت سرت هستند در این مقطع حسّاس، از رهنمون بزرگان بی بهره نباش، چون عقاب باش در تیز پروازی و تیزیابی، سرو باش اما با ثمر و سایه گستر فراتر از میز مدرسه و دانشگاه بنشین. تو خلیفه خدایی....

...و می دانی که انسان بهترین آفریده ی خداست. دارای تفکر و گرایش بالندگی و نوآوری که در نهاد خود می باشد و چه ستودنی است این خود باوری در خدا باوری .

فصل یک / مهارت های شروع

ولی محترم دانش آموز

سلام علیکم

با کمال احترام ؛ با توجه به این که فرزند با هوش ، با ادب و با استعداد شما ، آخرین سال تحصیلی را در مقطع متوسطه می گذراند و حجم مطالب درسی ایشان نیز رو به افزایش است؛ ایشان در امتحان درس..... که از کتاب به عمل آمده است؛ نمره ی..... را گرفته است. لذا این موفقیت ارزشمند را به شما و نامبرده تبریک گفته و مطمئن هستیم که با دعای شما و تلاش های روزافزونس می تواند درجات و کمال انسانی و اخلاقی را طی کند. ولی محترم از این که به فکر آینده ی فرزندتان نیز هستید؛ نهایت تشکر و سپاس را داریم.

باتشکر - حمیدعلامه - معلم فارسی

متن نامه ی دعوت از ولی دانش آموزانی که در امتحانات داخلی نمره ی کمتر از ۱۶ می گیرند:

دعوت از ولی

به نام او که هر چه داریم از اوست

تاریخ:

فصل یک / مهارت های شروع

ولی محترم دانش آموز

سلام علیکم

با کمال احترام ؛ با توجه به این که فرزند با هوش ، با ادب و با استعداد شما ، آخرین سال تحصیلی را در مقطع متوسطه (کسب مدرک دیپلم) می گذراند و حجم مطالب درسی ایشان نیز رو به افزایش است؛ ایشان در امتحان درس که از درس کتاب به عمل آمده است؛ نمره یرا گرفته است.لذا خواهشمند است جهت تبادل نظر با اینجانب و بررسی علل این افت ؛ در روز شنبه یا یکشنبه از ساعت ۱۰ و نیم تا ۱۱ به دبیرستان شهید بهشتی فریمان ؛ مراجعه فرمایید. قبلاً از شما ولی محترم که به فکر آینده ی فرزندتان هستید؛ نهایت تشکر و سپاس را داریم.

باتشکر - حمیدعلامه - معلم فارسی

« دانش آموز عزیز جناب آقای.....»

سلام

با نهایت احترام پیشاپیش ولادت مولی متقیان را به شما تبریک می گوئیم. من با دنیایی از «عشق» شما را می بخشم و صمیمانه دوستان دارم. اما از شما خواهش می کنم که من را نبخشید، چرا که فایده ای برای

فصل یک / مهارت های شروع

شما نداشتیم و نتوانستیم شما را آن طور که باید و شاید بسازم... امیدوارم در هر جا که هستی، خوب، خوش؛ سلامت و سرافراز باشی. در ضمن از این که به پدر و مادرت احترام می گذاری، خوشحالم.

با آرزوی موفقیت و سربلندی

امضا: حمید علامه - دبیر ادبیات فارسی»

د. حمید

فرم جمع آوری بانک اطلاعاتی دانش آموزان به تفکیک دانش آموز و کلاس:

فصل دوم

روش های تدریس پیشنهادی

شعرهای آغاز هر درس

بعد از ورود به کلاس و ارزشیابی تشخیصی و ورودی و توضیح درس جدید، قبل از آن که درس از روی کتاب توسط دانش آموزان خوانده شود، یک یا دو بیت شعر، ضرب المثل یا عبارت با مناسبت یا بی مناسبت روی تابلوی کلاس می نویسم و آن ها این شعر یا عبارت ها را در صفحه ی آغازین همان درس یادداشت می کنند و اگر خواستند حفظ می کنند. (۸۰ درصد دانش آموزان این شعرها را حفظ می کنند.) برای تشویق دانش آموزان به حفظ این شعرها و عبارت ها ؛ در آزمون های مستمری که برگزار می شود؛ ۰/۲۵ یا ۰/۵ نمره ارفاقی گذاشته می شود و نمره ی آن آزمون از ۲۰/۲۵ محاسبه می شود.

چند نمونه از این شعرها و عبارت هایی که در آغاز هر درس گفته ایم، چنین است:

«اگر گویی که بتوانم، قدم درنه که بتوانی

اگر گویی که نتوانم، برو بنشین که نتوانی.»

«ای نسخه ی اسرار الهی که تویی

و ای آئینه ی جمال شاهی که تویی»

«بیرون ز تو نیست ، هر چه در عالم هست

از خود بطلب هر آن چه خواهی که تویی»^۱

بزرگ بیندیش تا بزرگ زندگی کنی.

هر روز فقط ۵ دقیقه آن چیزی را که می خواهید داشته باشید، تصوّر کنید.

تاریخ تولد



با لطف خداوند در آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۰ یک فرم حاوی مشخصات فردی دانش آموزان آماده کردیم که در آن اطلاعاتی همچون تاریخ تولد؛ شغل آینده و دلایل انتخاب آن شغل ؛ تلفن ثابت ، همراه و ... پرسیده و تنظیم شد.

سپس روز تولد دانش آموزان را براساس ماه تولدشان جدا نمودیم و در روز تولدشان علاوه بر تبریک به صورت تلفنی یا حضوری ،(در صورت امکان نیز) یک هدیه ی بسیار ناقابل هم تقدیم کردیم. با این حرکت دانش آموزانی که شاید هیچ کس تولدشان را به آن ها تبریک نگفته باشد، خوشحال می شوند و می دانند هر چند کیکی و شمع می ندارند اما هستند کسانی که به یادشان بوده اند. (برخورد متفاوت دانش آموزان از این طرح و تأثیر مثبت اجرای آن بدون شک تا سال های سال به یاد فرد باقی خواهد ماند و وقتی

۱- شاعر: بابا افضل کاشانی

فصل دوم / روش های تدریس پیشنهادی

که شمع های روی کیک تولدش را خاموش می کند؛ می داند که هر شمع نماینده ی یک سال است که از عمرشان گذشت و خاموش شد و دیگر بر نمی گردد. پس چه بهتر کاری کنیم که به کار آید و یادمان باشد که از لحظه لحظه ی عمر نهایت استفاده را ببریم.) سال های بعد نیز این طرح را اجرا کردیم و بانک اطلاعاتی دانش آموزان را فراهم آوردیم.

متنی را که در صفحه ی آغازین کتاب هایی که به برخی از دانش آموزان

می نویسم به شرح زیر است:

به نام خدایی که آسمان و زمین و آن چه در آن است، او را تسبیح می کنند!!

نابغه و آینده ساز گرامی ،

خدای متعال را سپاس گزاریم که توفیقش را رفیق راهمان ساخت تا در سالروز تولد یکی از بندگان نیکش؛ به وی یادآور شویم که هنوز هم خدا و اطرافیانتان شما را دوست داشته و دارند و به بهانه ی تبریک ؛ زاد روزتان را به عنوان مبدأ تغییر و تحوّل مثبت و اثر گذار ثبت کنیم.

بر این اساس برآن شدیم تا با اهدای این کتاب؛ به بزرگ اندیشی که می خواهد با افکار و اندیشه های خردمندانه اش و با مطالعه و عمل به دستورات قرآن ، فصلی نوین از زندگی خود را با تحوّل مثبت و ماندگار رقم بزند ؛ چراغی فرا روی او بیفروزیم.

فصل دوم / روش های تدریس پیشهادی

پیشاپیش این موفقیت ها را به شما که بنده ی نیک خدا هستید ،
تبریک عرض می کنیم و از خداوند متعال برایتان صحت و سلامت همراه با
معنویت ؛ سعادت و عشق الهی را خواهانیم.
با احترام
معلم فارسی - حمید علامه

بسم الله الرحمن الرحيم

بانک اطلاعات شغلی دانش آموزان سال تحصیلی ۹۳-۹۴			بانک اطلاعات شغلی دانش آموزان سال تحصیلی ۹۴-۹۳		
نام:	نام پدر:	نام مدرسه:	نام:	نام پدر:	نام مدرسه:
تاریخ تولد:	روز:	ماه:	تاریخ تولد:	روز:	ماه:
شغل پدر:	شغل مادر:		شغل پدر:	شغل مادر:	
آیا در منزل به اینترنت دسترسی دارید؟ (بلی / خیر)			آیا در منزل به اینترنت دسترسی دارید؟ (بلی / خیر)		
شماره تلفن همراه خودتان (در صورت دار بودن):			شماره تلفن همراه خودتان (در صورت دار بودن):		
شماره تلفن همراه ولی:			شماره تلفن همراه ولی:		
شماره تلفن منزل:			شماره تلفن منزل:		
آدرس:			آدرس:		
شما تصمیم دارید که در آینده چه شغلی داشته باشید؟ چرا؟ (۳ دلیل بیاورید):			شما تصمیم دارید که در آینده چه شغلی داشته باشید؟ چرا؟ (۳ دلیل بیاورید):		
عنوان شغلی:			عنوان شغلی:		
۱-	۲-	۳-	۱-	۲-	۳-

فصل دوم / روش های تدریس پیشنهادی

فرم بانک اطلاعات شفلی دانش آموزان سال تحصیلی ۹۴-۹۳ کلاس: نام مدرسه: رشته:

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	تاریخ تولد (روز، ماه، سال)	محل تولد	شغل پدر	شغل مادر	اینترنت		تلفن همراه دانش آموز	همراه ولی	تلفن منزل	آدرس	شغل	چرا؟
							پ	خ						
۱			/ /											
۲			/ /											
۳			/ /											
۴			/ /											
۵			/ /											
۶			/ /											
۷			/ /											
۸			/ /											
۹			/ /											
۱۰			/ /											
۱۱			/ /											
۱۲			/ /											
۱۳			/ /											
۱۴			/ /											
۱۵			/ /											

فصل دوم / روش های تدریس پیشمادی

ز- فرم اطلاعات دانش آموزان برای هر ماه

۹۴

مشخصات دانش آموزان سال ۹۴-۹۵ دبیرستان بارنگ مشکی و هنرستان بارنگ آبی ماه تولد:

نام و نام خانوادگی	نام پدر	تاریخ تولد	کلاس	شغل آینده	تلفن ثابت	تلفن همراه
۱		/ /				
۲		/ /				
۳		/ /				
۴		/ /				
۵		/ /				

م

حروف الفبا

تأکیدی که اینجانب بر یادگیری و حفظ کامل حروف الفبای

فارسی دردوره ی دبیرستان دارم، گمان می کنم که کمتر همکار دیگری

داشته باشد. در اولین جلسه ی سال تحصیلی اسم، صدا و شکل حروف الفبای

فارسی را برای دانش آموزان توضیح می دهم و همان جلسه ی اول چندین

بار تکرار می کنند تا یاد بگیرند. در جلسه های بعد به روش های مختلف می

فصل دوم / روش های تدریس پیشنهادی

پرسم. مثلاً نام حرف بیست و چهارم حروف الفبا چیست؟ ۰,۲۵ یا ۶۴
شکل حروف الفبای فارسی را از اول تا آخر به ترتیب بنویسید.

راستی آیا شما ۳۲ حرف الفبای فارسی را از اول تا آخر به
ترتیب می دانید؟ اگر نمی دانید ؛ مقصر کیست؟ یا کوتاهی از کدام معلم
شما بوده است؟

سخت افزار و نرم افزار

به لطف خداوند چند سالی است که هنگام تدریس از نرم افزارها و
سخت افزارهای موجود برای تدریس و ارائه ی مطلب استفاده می کنیم و
این امر در یادگیری و انتقال سریع تر مطالب بسیار موثر است.

و با توجه به پیشرفت های روز افروزن در این عصر اطلاعات و
ارتباطات ؛ با این ابزار ها خیلی بهتر و راحت تر می توان مهارت های زندگی
و مطالب درسی را به دانش آموزان آموخت. (حرکت به سمت هوشمند سازی
مدارس!؟)

به طور مثال نرم افزار « گنجینه یاد» در این زمینه بسیار خوب و
قابل توجه است و برای بسیاری از درس های دوره ی راهنمایی و متوسطه
طراحی شده است. پس از نصب نرم افزار ، بخشی برای نصب در تلفن همراه

فصل دوم / روش های تدریس پیشمادی

قرار داده شده است که روی گوشی های تلفن همراه نصب شده و در آن خلاصه ی دروس ؛ نکات مهم هر درس ؛ قرآن ، نهج البلاغه ، دیوان حافظ و... نیز وجود دارد. و قابل استفاده در گوشی ها و رایانه های همراه می باشد.

تجسم فضایی و تدریس

با استفاده از این روش می توان بسیاری از مطالب و مهارت های زندگی را در مدت زمان کوتاهی به حافظه ی بلند مدت دانش آموزان منتقل کرد. این شیوه بارها آزموده شده و مورد تأیید کارشناسان فن و دانش آموزان قرار گرفته است...

شرایط:

این شیوه ی تدریس بیشتر برای درس هایی کاربرد دارد که توصیفی توضیحی و داستانی هستند و برای تمام درس ها و پایه ها نمی توان از این شیوه استفاده کرد. انتخاب درس به ذوق و سلیقه ی معلّمان عزیز بستگی دارد. این شیوه، قالب و چارچوبی برای انتقال مفاهیم گسترده در مدت زمان کوتاه اما با ماندگاری طولانی است.

در این روش دانش آموزان چشم های خود را می بندند و در ذهن خود تصویری را مُجَسِّم می کنند که معلّم به آن اشاره می کند .

فصل دوم / روش های تدریس پیشنهادی

این تصاویر برای مدت زمان بسیار طولانی در ذهن ایشان باقی می ماند و خیلی دیر فراموش می شود .

نحوه ی اجرا:

اجرای تدریس از با استفاده از تجسم فضایی چنین است :

هنگام ورود معلّم به کلاس ، دانش آموزان به احترام معلّم به پا خاسته و همه با هم یک بیت شعر زیبا که یاد خدا در آن است می خوانند.
مثلاً:

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

نروم جز به همان ره که توام راه نمایی .

پس از این که دانش آموزان این بیت شعر را خواندند ، معلّم از دانش آموزان می پرسد که: «حال شما چطور است؟» همه ی آن ها هم زمان با هم و در حالی که دو دست خود را به یک دیگر می دهند و محکم می گیرند ، می گویند: «عالیه!!!!» دلیل این کار هم این است که آدمی به هر چه که فکر کند به همان می رسد، چه مثبت باشد و چه منفی . حال وقتی که ما می گوییم حالمان «عالی» است ، با این کار به ماورا و کاینات و از همه مهم تر به سلول هایی که قرار است از این لحظه به بعد در بدن ما تولید شوند

فصل دوم / روش های تدریس پیشنهادی

؛ دستور می دهیم که: از این لحظه به بعد حال ما عالی باشد و بدون شک همین طور هم خواهد شد . (با این پرسش و پاسخ ، شادابی و نشاط در جسم و روح دانش آموزان موج می زند .)

پس از آن با واژه ی «بفرمایید» دانش آموزان در جای خود می نشینند و معلّم سخن خود را با «بسم الله الرحمن الرحيم ، لا حول ولا قوة الا بالله ...» آغاز می کند .

معلّم وسایل کمک آموزشی مورد نیاز را به کلاس می آورد .

برخی از وسایل کمک آموزشی مورد نیاز عبارتند از :

۱- دستگاه پخش صدا (برای پخش موسیقی یا صدا مرتبط با موضوع

درس در صورت لزوم)

۲- رایانه برای نشان دادن تصویر خاص یا فیلم های مرتبط با موضوع

قبل از استفاده از این شیوه ی تدریس.

با پرسیدن سؤالات درس مورد نظر ، ارزشیابی ورودی انجام

می شود و پس از یک توضیح کلی (آماده سازی) و مختصری درباره ی درس

جدید و روش تدریس «تجسم فضایی» برای دانش آموزان بیان می شود .

فصل دوم / روش های تدریس پیشنهادی

برای اجرای این روش ، مراحل زیر می بایست به ترتیب و به دقت انجام شود:

۱- دانش آموزان در جایشان راحت بنشینند و کف هر دو پایشان روی زمین باشد.(سکوت را به طور کامل رعایت کنند و هیچ گونه حرف و سخنی را مطرح نکنند.)

۲- راحت به پشتی صندلی تکیه کنند و ناحیه ی پشت ، راست و صاف باشد و کف هر دو دست روی زانوها باشد.

۳- دانش آموزان از یک دیگر فاصله داشته باشند تا خواسته یا ناخواسته مزاحم تمرکز دوستشان نشوند.

۴- از آن ها می خواهیم که ۳ نفس عمیق و آهسته بکشند.

۵- شیوه ی درست تنفس عمیق و آهسته را به آن ها آموزش می دهیم به این صورت که:

ابتدا شش ها و ریه ها را پر از هوا کنند و از همه مهم تر این که؛ آهسته هوا را از دهان خارج کنند.

* (تنفس سریع و تند ، اثر کمی در ایجاد تمرکز دارد).

۶- بنابر این یک بار دیگر از دانش آموزان می خواهیم که ۳ نفس

عمیق و آهسته بکشند و خیلی آرام هوا را از دهان خود خارج نمایند.

۷- (هدف از تنفس ها ؛ ایجاد تمرکز حواس و دقت برای گوش کردن به سخنان معلم است.)

۸- به دانش آموزان یاد آور می شویم که هیچ چیز واقعی وجود ندارد و همه چیز بر اساس تصوّر و تخیل می باشد و آن ها چیزی را تصوّر کنند که معلم می گوید ، نه هر چه را که دلشان می خواهد.

**** دقیقاً همان چیزی را تصوّر کنند که معلم می گوید. ****

*) (در صورتی که دانش آموز چیزی جز گفته های معلم را تصوّر کند ؛ احتمال دارد که برای مدّتی دچار سردرد مختصر شود. پس بهتر است که برای تجربه و این که احساس خوبی داشته باشند ، گفته های معلم را تصوّر کنند و در صورت داشتن سردرد، می توانند با نوشیدن یک لیوان آب ، به حال عادی خود برگردند.)

۹- در این لحظه از دانش آموزان می خواهیم که یک بار دیگر هم ، نفس عمیق و آهسته بکشند و چشم هایشان را ببندند (چشم ها می بایست در تمام مدّت استفاده از این روش بسته باشد) و احساس کنند که در یک باغ سرسبز ؛ با گل های زیبا، درختان بلند و پر میوه هستند. باغی که کف آن چمن زار است و گل های بسیار زیبا و رنگارنگی در آن دیده می شود و جوی آب روانی هم از میان آن جاری است و...

فصل دوم / روش های تدریس پیشنهادی

۱۰- دانش آموز همان طور که راحت روی صندلی خود نشسته و چشمانش بسته است؛ تصوّر و احساس کند که تنهاست و از زیبایی های باغ لذّت می برد؛ سپس شروع به حرکت کرده و به سمت گوشه ی باغ می رود. در گوشه ی باغ ، یک درب چوبی است که دانش آموز در اندیشه ی خود درب را باز می کند و درمقابل وی ؛ یک راهروی سرپوشیده با ۱۰ پله به سمت بالا قرار دارد . با شمارش معلّم، دانش آموز شروع به وارد شدن و بالا رفتن از پله ها می کند.

۱۱- شما اکنون روی پله ی اول هستید، حالا روی پله ی دوم پله ی سوم ؛ (- هرپله ای که بالا تر می روید؛ تمرکز حواس شما بیشتر می شود و شما فقط و فقط صدای مرا می شنوید).

پله ی چهارم؛ پله ی پنجم...!!! (- شما فقط صدای مرا می شنوید)

پله ی ششم، پله ی هفتم؛... - شما کاملاً راحت؛ با تمرکز حواس عالی هستید و فقط صدای مرا می شنوید...

پله ی هشتم ؛ پله ی نهم ، پله ی دهم.

حال جلوی چشمان شما یک درب سفید رنگ فلزی قرار دارد. آن درب را باز می کنید و وارد یک کلاس درس می شوید که آن کلاس ، رنگ آمیزی بسیار زیبایی دارد و دیوارهای آن به رنگ مورد علاقه ی شما است. در وسط کلاس ؛ یک صندلی شیک و راحت برای نشستن شما گذاشته اند و یک معلّم

خصوصی که در مقابل شما قرار گرفته و می خواهد برای شما تدریس کند.

۱۲- اکنون معلّم شروع به تدریس می کند و می گوید:

(- من با ضمیرِ ناخودآگاهِ شما گفتگو می کنم و آن چه را که اکنون می شنوید برای همیشه در حافظه ی بلند مدت شما ثبت و ضبط می گردد و برای همیشه به یادتان می ماند...

درس امروز ما راجع به..... است .) در این قسمت معلّم موضوع درسی خود را برای دانش آموزان بیان و توصیف می کند و آن ها نیز با تمام حواس با چشم های بسته به سخنان معلّم گوش می کنند و آن چه را که می شنوند؛ تصوّر و تجسّم می کنند.

پس از پایانِ آن اطلاعاتی که قرار است به ذهن دانش آموز منتقل شود ؛ یک بار دیگر معلّم یادآور می شود که این سخنان و گفته های او در حافظه ی بلندمدت دانش آموز ، جای می گیرد و هر موقع که لازم باشد به یاد می آورند.

۱۳- سپس، معلّم از دانش آموز می خواهد که در همان اندیشه و تخیلی که فرو رفته ، از روی صندلی شیک ، بلند شود ، از درب کلاس بیرون بیاید. وارد راه پله ها شود و با شمارش معلّم از پله ها پایین بیاید. (از همان راهی که رفته بودند، بر می گردند.)

۱۴- پله ی دهم... پله ی نهم... پله ی هشتم...

فصل دوم / روش های تدریس پیشنهادی

پله هفتم.... (- هر چه که پایین تر می آید تمرکز حواس شما کمتر می شود و صداهاى اطراف را هم می شنوید)

پله ی ششم!! پنجم!! چهارم!! سوم!! دوم و اول.

حالا جلوی درب چوبی هستید.

وارد همان باغ اولی می شوید. گشتی در باغ بزنید و

و حالا جلوی درب قهوه ای رنگ چوبی قرار گرفته اید. آن درب را باز می کنید و احساس می کنید که در کلاس خودتان هستید.

۱۵- حالا از دانش آموزان می خواهیم که چشمان خود را آهسته باز کنند و یک نفس عمیق بکشند و از یک سفر رویایی لذت بخش، همراه با ارزشیابی تکوینی سخن بگویند.

در صورت لزوم درس مورد نظر ، توسط معلم و دانش آموزان از روی کتاب خوانده می شود و بعد از آن ارزشیابی پایانی درباره ی درس امروز به عمل می آید و تکلیف و تمرین برای جلسه آینده مشخص می شود و دانش آموزان تکالیف جلسه ی آینده ی خود را در برگه ای که در ابتدای کتاب خود چسبانده اند (طرح یادداشت همراه کتاب) می نویسند .

ضمناً، معلم می تواند در کنار آن درب سفید رنگ فلزی ، دو درب دیگر در ذهن دانش آموزان تصویر کند که هر یک از این درب ها به فضاهای

فصل دوم / روش های تدریس پیشمادی

مذهبی یا طبیعی، علمی و ... منتقل نماید، تا دانش آموز بتواند از این فضا و موفقیت ها لذت های بیشتری ببرند .

کلاس درس با خواندن یک بیت شعر و کف زدن دانش آموزان به پایان می رسد .

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار
همکاران ارجمند! منتظر رهنمود های و راهنمایی های ارزنده ی
شما در این زمینه هستیم.



فصل سوم

روش های یادگیری و تأثیر گذاری

۲۰ نکته برای بیست شدن

خوب است اوایل سال تحصیلی ؛ روش های مطالعه و یادگیری را به دانش آموزان یادآور شویم تا بتوانند زودتر و سریع تر موفق شوند. به طور مثال برگه ای به آن ها بدهیم که در آن مطالب زیر باشد:

چگونه درس بخوانیم و مطالعه کنیم؟

۲۰ نکته برای بیست شدن

۱- همیشه تکالیف خود را در یک دفترچه ی مخصوص یادداشت کنید یا طرح یادداشت همراه کتاب را اجرا نمایید .

۲- محیط آرام را انتخاب کنید و همیشه در یک مکان ثابت مطالعه کنید . و محیط از نظر نور و گرما مناسب باشد.

۳- زمان و مکان و مدّت مطالعه در طول روز مشخص باشد . و مدّت زمانی را که برای مطالعه یک کتاب صرف می کنید ، با مداد در بالای صفحه بنویسید.

۴- از خم شدن روی کتاب و دفتر خود داری کنید.

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

۵ - مطالعه و مرور را قبل از امتحان انجام دهید نه شب امتحان .

۶- مطالعه ی مداوم باعث خستگی می شود پس اندکی هم استراحت

لازم است.

۷- درس هر روز را همان روز بخوانید و تکالیف و تمرین های آن را

همان روز بنویسید و جواب دهید .(رمز اصلی موفقیت در درس و مدرسه)

۸- رمز شاگرد اول شدن: علاوه بر انجام نکته ی بالا ، باید که همیشه

یک درس از معلّم جلوتر باشید .

۹- زیر مطالب مهم ، هنگام مطالعه خط بکشید یا علامت پرانتز

بگذارید و یا مطالب مهم را در برگه یا دفتری یادداشت نمایید.

۱۰- در طول امتحانات به اندازه ی کافی استراحت کنید .غذای

مناسب بخورید و از بیدار خوابی بپرهیزید .

۱۱- در هر درسی آن چه را که خود، خوب یاد گرفته اید به دیگران

یاد بدهید تا هم پی به اشکال های خود ببرید و هم آن مطلب را خوب یاد

بگیرید و فراموش نکنید که پرسیدن عیب نیست ، ندانستن عیب است .

۱۲- ورقه های امتحانی خود را دور نریزید و شب های امتحان

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

آن ها را مرور کرده و اشتباه های خود را اصلاح نمایید و خوب یاد بگیرید.

۱۳ - توجه به محتوای کتاب و مطالب دفتر و نوشته های جنبی ،

در آمادگی برای امتحان مؤثر است.

۱۴ - در جلسه ی امتحان ، پس از دریافت برگه ، ابتدا نگاهی کلی

به همه ی سؤال ها نمایید و بعد شروع به پاسخ دادن کنید و از همه مهم تر این که اول سؤال هایی را پاسخ دهید ، که جواب آن ها را می دانید و راحت تر است .

۱۵- اعتماد به نفس و آرامش نقش مهمی در موفقیت دارد .

۱۶- اگر بخواهید بهترین مطالب را از کتاب به دست بیاورید ، لازم

است یک ربع ساعت را در خواندن و سه ربع ساعت را در درک کردن و سه ربع دیگر ساعت را به فکر کردن در اطراف آن چه خوانده شده است ، صرف کنید .

۱۷- قبل از مطالعه وضو بگیرید ، نیت کنید که می خواهید درس

فارسی یا عربی یا هر درس دیگر بخوانید و درس را با نام و یاد خدا شروع کنید .

۱۸- برای یادگیری فرمول ها و نکات مهم می توانید از روش ((نبین

و از بر کن)) استفاده کنید. به این صورت که ابتدا آن فرمول یا نکته ی مهم یا عبارتی را که می خواهید از بر کنید . در برگه ای نوشته به مدت یک تا دو

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

دقیقه به آن خوب نگاه کنید . سپس چشم های خود را بسته و با دست های خالی (بدون خود کار و مداد) چهار مرتبه از آن روی هوا بنویسید . با این روش ، همه ی مطالب به طور مستقیم وارد حافظه ی بلند مدت شما شده و خیلی دیر فراموش می کنید . (در روز های بعد اگر آن مطالب به یاد شما آمد آن ها را همان طور که گفته شد ، تمرین و تکرار کنید تا برای همیشه ثبت شود و هرگز فراموش نکنید.)

۱۹- برنامه ی درسی شبکه ی آموزشی تلویزیون را پیدا و بررسی کنید و ببینید که درس های مورد نظر شما را در چه روزها و ساعت هایی پخش می کند . آن را خوب نگاه کنید. بدون شک مفید فایده واقع خواهد شد . (کلاس خصوصی رایگان) . و یا فهرست برنامه ها ی شبکه ی آموزش را ، در شبکه ی پیام نما ، بیابید.

۲۰- آخرین و مهمترین نکته در یادگیری علم و دانش این که : خدا را هرگز فراموش نکنید و هر کاری را که می خواهید آغاز کنید با نام و یاد خدا باشد و خداوند شما را در ادامه راه یادگیری بهتر یاری می کند . خدای را نیز شکر و سپاسگزار باشید چرا که : شکر نعمت ، نعمت افزون کند.

روش «نبین و از بر کن»

از این شیوه می توان برای حفظ کردن فرمول ها، نکات مهم کوتاه و

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

کلمه هایی که از ارزش املائی و معنایی بالایی برخوردارند، استفاده کرد. شیوه ی اجرای روش «نبین و از بر کن» به شرح زیر است :

در این شیوه باید ابتدا آن کلمه ی مهم یا فرمول یا نکته ی مهم را که می خواهیم از حفظ کنیم . در برگه ای نوشته به مدت یک تا دو دقیقه به آن خوب نگاه می کنیم . سپس چشم های خود را بسته و با دست های خالی (بدون خود کار و مداد) چهار مرتبه از آن روی هوا می نویسیم . با این روش ، همه ی مطالب به طور مستقیم وارد حافظه ی بلند مدت ما شده و خیلی دیر فراموش می کنیم . (در روز های بعد ناخواسته آن مطالب به یاد مان می آید ؛ فقط کافی است که آن را در ذهنمان تأیید کنیم تا وارد حافظه ی بلند مدت شود و هرگز فراموش نکنیم .)

فقط ۱۰ چیز در زندگی تحت کنترل شما است !

جنبه های معدودی از زندگی واقعا تحت کنترل ما هستند و بد نیست بدانیم که آن ها کدام قسمت از زندگی ما را شامل می شوند . اگر این موضوع را ندانید ، اغلب اوقات دیگران را به خاطر شکست های خودتان سرزنش می کنید . تلاش کنید و کنترل بخش های زیادی از زندگی خود را به دست بگیرید . اکنون آماده باشید تا ۱۰ مورد قابل کنترل در زندگی خود را بیاموزید :

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

۱- کردار شما: اعمال شما تنها متعلق به خودتان است . خودتان

تصمیم می گیرید کاری را انجام دهید یا نه . بنابراین نسبت به نتایج اعمال خود مسئول هستید.

۲- گفتار شما : کلماتی که می گوئید یا می نویسید ، آگاهانه توسط

خود شما انتخاب می شود . همانند اعمال شما ، سخنان شما نیز در زندگی خودتان و کسانی که با آنها در ارتباط هستید ، تأثیر دارند

۳- افکار شما : بعضی از افکاری که در ناخودآگاه شما وجود دارند ،

واقعاً تحت کنترل و اراده شما نیستند . اما آن چه که واقعاً به آن فکر می کنید ، اعتقادات و آرمان های شما ، مفاهیمی هستند که خودتان پذیرفته اید و باور دارید .

۴- شغل شما : راحت است بگوئیم : « به دلیل نداشتن مدرک ،

تجربه کافی و ... مجبور شدم این را انتخاب کنم . » اما حقیقت ندارد. این تنها ، راه حل ساده ای برای انکار نفس شما در انتخاب شغل تان است . این حرفه مال شماست و خودتان آن را برگزیده اید . چه بمانید و چه از آن دست بکشید ، باز هم حق انتخاب با شماست .

۵- اطرافیان شما : جمله معروفی است که می گوید : «در وقتی

توسط بوقلمون ها محاصره شده اید ، سخت است مانند یک عقاب اوج

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

بگیرید.» دوستان شما می توانند شما را به اوج رسانده و یا موجبات سقوط شما را فراهم کنند . خود شما انتخاب می کنید که با چه کسانی دوستی و معاشرت داشته باشید .



۶- سلامتی شما : بیشترین سهم سلامت ما ناشی از مسایل ژنتیکی ،

محیط و عوامل طبیعی است و آن ها از چیز هایی که خودمان انتخاب می کنیم منشأ می گیرند : رژیم غذایی ، ورزش ، دارو ها ، خواب ، معاینات دوره ای و ...

۷- محیط زندگی شما : منزل شما و موقعیت آن ، شهری که در

آن زندگی می کنید و وسایل رفاهی مورد انتخاب شما ، چیز هایی هستند که توسط خود شما (البته به میزان کمتر) کنترل می شوند . بدین معنا که می توانید تصمیم بگیرید شرایط یک محل را برای زندگی تحمل کنید یا در جای دیگری اقامت گزینید .

۸- اموال و دارایی شما : داشتن یا نداشتن پول ، نشانگر روش هایی

است که شما برای کاهش هزینه های خود به کار گرفته اید .

۹- وقت شما : شما خودتان انتخاب می کنید که چه طور وقت

بگذارید و چه قدر از وقت خود را صرف انجام چه کار هایی کنید . هرگز نمی توانید در یک شبانه روز بیش از ۲۴ ساعت وقت داشته باشید .

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

۱۰- **خاطرات شما:** تمام اعمال ، جملات و دانشی که شما در طول

زندگی با دیگران در میان می گذارید ، می تواند خاطره و یادگاری باشد که از شما بر جای می ماند .^۱

خداوند در قرآن می فرماید: « همانا خداوند سرنوشت هیچ قومی

و ملتی را تغییر نمی دهد مگر آن که خود سرنوشت شان را تغییر دهند.^۲»

چند قانون برای موفق شدن در کار و زندگی

- قانون جاذبه ی ذهن: هر جور فکر کنید همان گونه می شود.

- بزرگ بیندیش تا بزرگ زندگی کنی.

- سیستم عصبی و ذهن ما انسان ها قدرت تشخیص تصور از واقعیت را ندارد.

پس همواره آن چیزهای مثبتی را در ذهنتان تصور کنید که می خواهید داشته باشید.

- خودتان را آن طور که دوست دارید باشید تصور کنید.

- اگر حرکت نکنی ؛ می بازی. اما اگر حرکت کنی؛ شاید ببازی.

- بدی هایم را به خودم بگو؛ خوبی هایم را به همه.

۱-مجله موفقیت

۲-سوره ی رعد آیه ی ۱۱-...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ ، حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ ...

– قانون شکر گزاری:

از هر چیزی و کسی که تشکر کنید؛ همان را جذب می کنید و برای هر چه که غر بزنید؛ آن را از دست می دهید.

تمرین: ۵۲ مورد از مسایلی که به خاطر آن خداوند را شکر گزار هستید؛ بنویسید.
(هر بار شکر خدا)

نکته ی مهم در رسیدن به خواسته های معقول :

اول تشکر بعد بیان خواسته.

بزرگ ترین؛ مجهزترین و پیشرفته ترین کارخانه های دارو سازی در ذهن ما انسان ها است.

قانون مچ گیری مثبت: جمع کردن ستایش ها و نوشتن آن ها

قانون مدیریت زمان: فهرست کارهایتان را اولویت بندی کنید Do it now

قانون احترام به خود: به خودتان احترام بگذارید و خودتان را دوست داشته باشید تا دیگران نیز شما را دوست داشته باشند و به شما احترام بگذارند.

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

آدم ها به شوخی شوخی به قورباغه ها سنگ می زنند اما قورباغه ها جدی جدی می میرند.

قانون سؤال کردن

کیفیت زندگی ما را سؤال هایی که از خودمان می پرسیم، تعیین می کند. « سؤال بزرگ مساوی است با موفقیت بزرگ»



سؤال هایی که از خودمان می پرسیم با کلمه ی «چگونه؟» شروع شود نه با کلمه ی «چرا؟» چون ما هر سوالی که از خودمان بپرسیم ضمیر ناخودآگاه ما به آن جواب می دهد. یعنی این که طبق قانون جاذبه ی ذهن ، جواب آن سؤال را برای ما پیدا می کند و به شکل های مختلف به ما می دهد. به طور مثال وقتی که ما از خودمان می پرسیم: « خدایا من چگونه می توانم بیشتر و بهتر به جامعه ی اسلامی و انسانی خدمت کنم؟ » ناخودآگاه ما، به شکل های متفاوت پاسخ سؤالمان را می دهد به این صورت که تلویزیون را در ساعت و یا لحظه ی خاص، ناخواسته روشن می کنیم. می بینیم گوینده به طور خیلی ساده و زیبا درباره ی سوالی که از خودمان پرسیده ایم، توضیح می دهد و یا این که رادیوی ماشین را روشن می کنیم، کتاب یا مجله ای می خوانیم، دوستی حرفی به ما می زند، پیامی (SMS) به ما می رسد که حاوی جواب سؤالهای

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

ماست. و این براساس چیزی است که ما به آن می اندیشیدیم.

سؤالات، قدرتی دارند که افکار انسان را بر روی یک مورد خاص، متمرکز می کنند. انسان های موفق از خودشان پرسش های مثبت و با کیفیت عالی می پرسند و یکی از مهمترین دلایل رسیدن به موفقیت، پرسیدن سؤالات مثبت و عالی به خصوص در لحظات سخت و حساس است ...

با این توضیح یکی از راه های شناخت افراد و دانش آموزان این است که ببینیم آن ها درباره ی چه موضوعاتی از ما سؤال می کنند. به قول معروف: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.»

خوب است که در طول سال تحصیلی ۲ یا ۳ بار این طرح را اجرا کنیم. به این صورت که برگه های سفیدی را به دانش آموزان بدهیم و از آن ها بخواهیم که در آن حداقل ۵ و حداکثر ۲۰ سؤال بنویسند. سؤال ها هم ؛ درباره ی هر موضوع و هر چه که دلشان می خواهد باشد. سپس با توجه به سؤال هایی که دانش آموزان نوشته اند ، می توان به خط سیر فکری آنان پی برد و در صورت توان نیز می توان آن ها را پاسخ گفت.

از این شیوه خوب است که در مدارس شبانه روزی استفاده کرد و سرپرست خوابگاه از دانش آموزان خوابگاهی بخواهد که هر ماه تمام سؤال

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

هایی را که در ذهن دارند ، در برگه ای بنویسند و سپس آن ها را آنالیز کنند تا بتوانند بهتر و زودتر موفق شوند.

عنوان پژوهش

شیوه ی صحیح تدریس و تقویت املا برای پیشگیری از تضعیف

و توجه جدی به آن



به همراه « راهبرد هایی کوتاه درباره ی درس املا »

گر آن جمله را سعدی انشا کند مگر دفتری دیگر املا کند

سعدی

مقدمه و بیان ضرورت طرح پژوهشی :

زمانی که از روش های جدید و نوین آموزش صحبت می کنیم، باید که رویکردی جدید و نگرشی نو به شیوه ی تدریس معلم ، دانش آموز و محتوای آموزشی درس مورد نظر داشته باشیم. یکی از عوامل مهم در کیفیت مطلوب و صحیح یاد دهی و یادگیری ، استفاده از روش های مطمئن و قابل اجرا در آموزش املا است .

املا ، مهم ترین و در عین حال مظلوم ترین درس در دوره ی

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

راهنمایی به شمار می رود و هر معلم برای تدریس آن ، از شیوه ای خاص استفاده می کند ، برخی موفق اند و برخی نا موفق . برای این که بدانیم کدام روش بهتر و کاربردی تر است و چگونه می توان در حداقل زمان ، بهترین تدریس را نمود ، اقدام به انجام تحقیقی پژوهشی در این زمینه نمودیم و از نظرات و اندیشه های دبیران تخصصی و غیر تخصصی ، معلمان باز نشسته و تازه کار و از همه مهمتر از دانش آموزان ، این آینده سازان فردای جامعه اسلامی ، نظر خواهی کردیم تا به نقاط ضعف و قوت طرح پی ببریم.

اهداف پژوهش

هدف کلی : بهبود و ارتقای کیفیت آموزش درس املا در دوره ی راهنمایی

اهداف جزئی:

- ۱- ایجاد و تقویت نگرش صحیح و مطلوب به درس املا.
- ۲- ایجاد و توانایی تبدیل زبان گفتار به زبان نوشتار .
- ۳- کسب مهارت دانش آموز ، در آن چه را که می شنود ، به درستی و سرعت بنویسد .
- ۴- توجه معلم و دانش آموز به ارکان زبان (گوش دادن ، سخن گفتن ،

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری خواندن و نوشتن.

۵- استفاده ی مناسب از واژگان و گنجینه ی لغاتِ ذهن دانش آموز .

شیوه ی اجرا :

از آن جا که ((مهم ترین و پیچیده ترین رکن زبان، زبان نوشتار است)) بر آن شدیم تا در این پژوهش به بررسی چهار عامل موثر در املا یعنی ، تدریس، تقریر ، تحریر و تصحیح بپردازیم . برای کسب اطلاعات در این زمینه ، از روش هایی چون پرسشنامه ، مصاحبه ، مشاهده ی موردی ، مطالعه ی کتب و مجلات مختلف استفاده نمودیم و به برخی مدارس در شهر و روستاهای فریمان رفتیم و تجربیات سایر همکاران را در مورد درس املا جويا شدیم . پس از این که پرسشنامه آماده شد ، در اختیار دبیران محترم و چندین دانش آموز قرار گرفت تا به سوالات پرسشنامه پاسخ دهند . پس از جمع آوری پرسشنامه ها و فرم های نظر خواهی و مصاحبه با همکاران ، اقدام به تجزیه و تحلیل آن ها نمودیم و بهترین و جدید ترین راه کارهایی که می توانند ما را در رسیدن به اهداف طرح یاری کنند را جمع آوری نمودیم . از آن جا که وقت کافی برای ارزشیابی طرح و آزمایش آن در کلاس را نداشتیم ، آزمایش آن را به وقت دیگر واگذار کردیم . اما در این جا

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

نظرات همکاران و دانش آموزان را از چهار جنبه ی کلی مورد بررسی قرار می دهیم که به ترتیب عبارتند از : الف: تدریس املا (درس املا ، آموزش املا) ب: تقریر املا ج: تحریر املا د: تصحیح املا. حال به بررسی و توضیح هریک از مقوله های ذکر شده به اختصار می پردازیم:

الف : تدریس املا :

تدریس املا را از دو جهت مورد بررسی قرار می دهیم .

۱- درس املا

- در تدریس املا از دبیر تخصصی استفاده شود .

-درس های فارسی ، دستور ، املا و انشا ، توسط یک دبیر متخصص، تدریس شود .

- استفاده ی کامل و بهینه از زمان هایی که برای تدریس املا و انشا در طول هفته در نظر گرفته شده است .

- شیوه ی سنتی تدریس املا را کنار بگذاریم و رویکردی جدید به شیوه های نوین آن داشته باشیم .

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

- برگزاری کلاس های شیوه ی صحیح تدریس املا در دوره ی راهنمایی برای دبیران غیر تخصصی در آغاز هر سال تحصیلی.

- تشویق های مناسب و به موقع دانش آموزان جهت علاقه مند کردن آن ها به این درس .

- بهتر است محیط کلاس ، ساکت و آرام باشد.

- دانش آموزان هنگام نوشتن در مکان مناسبی باشند .

۲- آموزش املا:

- هر چند جلسه یک بار از دانش آموزان بخواهیم که با استفاده از غلط های املایی ، انشا یا داستانی بنویسند.

- اسم و صدای سی و دو حرف الفبای فارسی در ابتدای سال تحصیلی آموزش دهیم و دانش آموزان را به یاد گیری آن تشویق کنیم.

- بهتر است کلمه هایی را که املاي آن ها مشکل است را یکی یکی روی تابلو نوشته و از دانش آموزان بخواهیم که چشمان خود را ببندند و با دست خالی (بدون خودکار) چهار مرتبه از هر کلمه بنویسند.

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

- دانش آموزان هنگام پاکنویس کردن متن املا ، کلمه هایی را که اشتباه نوشته اند را در پاکنویس با خودکار قرمز بنویسند.

- دانش آموزان را به مطالعه ی کتاب های غیر درسی و داستانی تشویق کنیم و از آن ها بخواهیم که هر کتاب یا فیلمی را که می خوانند یا می بینند، در دفتر مخصوصی خلاصه شده بنویسند.

- خوب است در متن املا از جمله های آموزنده ی علمی ، ادبی ، بهداشتی، تربیتی، هنری و... استفاده کنیم.

- ملزم کردن دانش آموزان به پیدا کردن لغات مشکل هر درس و مرتب کردن آن ها به ترتیب حروف الفبا و پنج مرتبه از هر کلمه نوشتن.

- بهتر است از نقش بستن نادرست کلمات در ذهن دانش آموز خودداری شود که در این زمینه تمرین های واژگانی هم خانواده، مترادف، متضاد و مرکب بسیار موثر است.

- روش های دیگری نیز برای آموزش املا وجود دارد که این مقال را مجال پرداختن به آن ها نیست ، اما علاقه مندان برای آگاهی بیشتر می توانند به کتاب های فارسی دوره ی ابتدایی مراجعه کنند.

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

ب : تقریر املا:

- متن املا باید که صحیح ، واضح و هر جمله سه بار بیان شود.
- با توجه به این که برخی حروف الفبای فارسی ، هم شکل هستند ، بهتر است حروف الفبا از مخرج ادا شوند .
- کلمات به طور شمرده و با مکث کوتاه تلفظ شوند.
- به تفاوت های فردی دانش آموزان توجه شود .
- کلمات مرکبی که می بایست جدا از هم نوشته شوند ، بهتر است که با مکث کوتاهی بین هر کلمه بیان شوند.
- معلم هنگام گفتن املا ، درنگ ها ، آهنگ ها و تکیه ها را رعایت کرده ، کلمات را صحیح تلفظ کند .

ج: تحریر املا:

- متن املا را دانش آموزان خط در باز بنویسند تا در هنگام تصحیح مشکل کمتری به وجود آید.
- دانش آموز در نوشتن متن املا یا انشا از خود کار قرمز، سبز،

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

خودنویس ، مداد، مدادرنگی و ماژیک استفاده نکند و به جای آن از خودکار آبی یا مشکی استفاده کند.



- به دانش آموزانی که خط خوبی ندارند ، بهتر است بگوییم که هر هفته واژه های یک صفحه از کتاب را با رنگ های مختلف بنویسند تا خطشان خوب شود.

- از دانش آموزان بخواهیم که حتی المقدور از خط خوردگی های بی مورد پرهیزند و دفتر املاي آن ها فقط دفتر املا باشد نه دفتر انشا یا نقاشی و ...

د: تصحیح املا :

-بهتر است که تصحیح املا در حضور دانش آموز صورت گیرد تا وی متوجه اشتباه خود بشود.

-دستور العمل های تصحیح املا برای همه دانش آموزان توضیح داده شود تا وی با چگونگی تصحیح املا آشنا شود .

-در طول سال تحصیلی ، یکی دو بار از دانش آموزان بخواهیم که هرکس املاي خودش را با در نظر گرفتن وجدانش ، تصحیح کند.

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

- در صورتی که تعداد دانش آموزان کلاس ، بیش از حد و وقت کلاس است ، می توانیم از دانش آموزان ممتاز کمک بگیریم یا گروه تصحیح داشته باشیم.

- برای این که در زمان تصحیح ، نظم کلاس به هم نخورد ، می توان دانش آموزان را به انجام تکالیف ، حل تمرین ، مطالعه و ... واداشت.

نتیجه :

با توجه به آن چه که گذشت ، اجرای همه جانبه و قطعی این طرح مستلزم آزمایش و رفع معایب آن است که در این صورت می بایست این روش ها پس از تایید مراجع ذی صلاح، در اختیار سایر همکاران محترمی که تدریس این درس را بر عهده دارند، گذاشته شود و در صورت امکان کتابی جامع در زمینه ی تدریس املا تدوین گردد و در اختیار جامعه ی فرهنگی قرار گیرد. این مهم به تنهایی امکان پذیر نیست ، مگر این که یک گروه خاص متشکل از گروه ها ، رشته ها و نظرات مختلف دست به دست هم دهند و این طرح را کامل کنند و به صورت کتاب در آورند. ما به در توان خود می بینیم که این مهم را با یاری خداوند متعال و همکاری اداره کل و وزارت آموزش و پرورش به پایان برسانیم.

باقی بقایتان

راهبرد هایی کوتاه درباره ی درس املا

(در کلاس املا چه کنیم ؟)



به همکاران محترم پیشنهاد می کنیم از راه کارهای زیر در تدریس املا استفاده نمایند.

۱- بهتر است کلمه هایی را که املای آن ها مشکل است یکی یکی روی تابلو نوشته و از دانش آموزان بخواهیم که چشمان خود را ببندند و با دست خالی (بدون خودکار) چهار مرتبه از هر کلمه بنویسند.

۲- دانش آموزان هنگام پاکنویس کردن متن املا ، کلمه هایی را که اشتباه نوشته اند ، در پاکنویس با خودکار قرمز بنویسند.

۳- اسم و صدای سی و دو حرف الفبای فارسی در ابتدای سال تحصیلی به دانش آموزان آموزش دهیم و آن ها را به یاد گیری آن تشویق یا اجبار نماییم.

۴- هر چند جلسه یک بار از دانش آموزان بخواهیم که با استفاده از غلط های املایی ، انشا یا داستانی بنویسند.

۵- دانش آموزان را به مطالعه ی کتاب های غیر درسی و داستانی

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

تشویق کنیم و از آن ها بخواهیم که هر کتاب یا فیلمی را که می خوانند یا می بینند، در دفتر مخصوصی خلاصه شده بنویسند.

۶- خوب است در متن املا از جمله های آموزنده ی علمی ، ادبی ، بهداشتی، تربیتی، هنری و.... استفاده کنیم.(دانایی ، توانایی است).

۷- ملزم کردن دانش آموزان به پیدا کردن لغات مشکل هر درس و مرتب کردن آن ها به ترتیب حروف الفبا و پنج مرتبه از هر کلمه نوشتن.

۸- بهتر است از نقش بستن نادرست کلمات در ذهن دانش آموز خودداری شود که در این زمینه تمرین های واژگانی هم خانواده، مترادف، متضاد و مرکب بسیار موثر است.

۹- کلمات مرکبی که می بایست جدا از هم نوشته شوند ، بهتر است که با مکث کوتاهی بین هر کلمه بیان شوند.

۱۰- به دانش آموزانی که خط خوبی ندارند ، بهتر است بگوییم که هر هفته واژه های یک صفحه از کتاب را با رنگ های مختلف بنویسند تا خطشان خوب شود.

۱۱- در صورتی که تعداد دانش آموزان کلاس ، بیش از حد و وقت

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

کلاس است ، می توانیم از دانش آموزان ممتاز کمک بگیریم یا گروه تصحیح داشته باشیم. (به این صورت که این گروه ، هنگام تصحیح فقط زیر واژه های غلط خط می کشند و درست آن را می نویسند ، سپس معلم متن املا را یک نگاه کلی می کند و تعداد غلط ها را شمرده و نمره می دهد.)

۱۲- استفاده ی مناسب از واژگان و گنجینه ی لغاتِ ذهنی دانش

آموز و تلاش در جهت افزایش آن .

۱۳- از دانش آموزان بخواهیم که به یک سطر از نوشته های

درس نگاه کنند ، کتاب را ببندند ، کلمه هایی که به یادشان مانده است را بنویسند . این کار را برای سه سطر دیگر نیز تکرار کنند.

۱۴- شش کلمه بنویسند که در آن ها حرف های (ع- ع- ع- ع- ع- ع-

غ- غ- غ- غ- غ) وجود داشته باشد .

راهبرد هایی کوتاه درباره ی درس انشا

(در کلاس انشا چه کنیم ؟)

به همکاران ارجمند و گران سنگ پیشنهاد می کنیم در کلاس انشا

، در صورت تمایل راه کارها و روش های زیر را اجرا نمایند.

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

۱- در هرماه یکی از نگارش های کتاب فارسی تدریس شود.

۲- نوشتن یادداشت های روزانه در هر روز برای پایه ی هشتم .

۳- داستان سازی گروهی و نوشتن در دفتر انشا . (به این صورت که

معلم یک داستان را با دو یا سه جمله آغاز می کند و دانش آموزان به ترتیب

، هر کدام چند جمله به آن اضافه می کنند.) هدف: ۱- تقویت سرعت انتقال

و تخیل ۲- پرورش قدرت حفظ رشته ی کلام.

۴- تعریف داستان توسط معلم و بازنویسی آن در دفتر انشا توسط

دانش آموزان .

۵- تکمیل داستان ناتمام توسط دانش آموزان .

۶- تشویق انشا های خوب و برتر در کلاس و مراسم آغازین.(آزمون

نگارش نوبت اول مسابقه ی انشا نویسی هم باشد.)

۷- تماشای یک فیلم سینمایی یا سریال و نوشتن خلاصه ی آن در

دفتر انشا و نقد و بررسی آن.

۸- تهیه ی دفتری با عنوان «ترین» ها توسط دانش آموزان در

طول سال تحصیلی و نوشتن مسایل مهم علمی، اخلاقی، آموزشی، عکس ها

، شعرها و ضرب المثل های زیبا و

۹- تاکید بر حفظ شعر و ضرب المثل با هدف تقویت حافظه ،

افزایش اطلاعات عمومی و کاربرد آن ها در انشا و نوشته .

۱۰- اجرای طرح گردش کتاب یا مجله توسط دانش آموزان و نقد

و بررسی آن. (به این صورت که کتاب یا مجله پس از تایید یا انتخاب دبیر

محترم ، در طول هفته به صورت نوبتی در اختیار سایر دانش آموزان جهت

مطالعه قرار بگیرد . هدف: یادگیری بیشتر و ایجاد روحیه ی علاقه به مطالعه ی

کتاب های غیردرسی .)

۱۱- انشا نقاشی (داستانی کوتاه توسط معلم خوانده می شود و

دانش آموزان نقاشی یک یا دو صحنه ی آن را به تصویر می کشند. سپس

خلاصه ی داستان را نقاشی بکشند .)

۱۲- برای دانش آموزانی که توانایی دارند که انشا را از دفتر سفید

بخوانند و بعد بنویسند ، ارزش قایل شویم؟

۱۳- معلم همراه دانش آموزان خود در کلاس انشا بنویسد و حاصل

کار را به کلاس ارائه دهد . این مسأله اثر روانی مطلوب بر فراگیران دارد.

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

۱۴- یکی از بهترین و موفق ترین روش های نوشتن انشا ، طرح چندین سوال درباره ی موضوع در پیش نویس ، پاسخ دادن به آن ها ، مرتب کردن موضوعی ، نوشتن انشا در پیش نویس ، چندبار خواندن ، بر طرف کردن غلط های املائی و انشایی ، پاکنویس در دفتر انشا و چند بار خواندن ، است .

۱۵- انواع انشا: عاطفی، توصیفی، اخلاقی، گزارش نویسی، اجتماعی،

هنری، تاریخی ، ادبی ، خاطره نویسی، تحقیقی و استدلالی ،
تشریحی، نامه نگاری، علمی، فلسفی، عرفانی، طنزآلود ، سفرنامه نویسی، زندگی نامه نویسی و

۱۶- خوب است در بارم بندی و نمره دادن به انشا به این موارد توجه نمایید: روحیه ی دانش آموزان، تفاوت های فردی، درک موضوع و توجه به هماهنگی جملات ، شیوایی و روانی کلمه ها ، استفاده از تخیل و خلاقیت ، رعایت نکات دستوری، پاکیزگی و خوانا بودن متن، نداشتن غلط های املائی، استفاده از سخنان بزرگان، تمثيل ها، ضرب المثل ها و ... پاراگراف بندی ، حاشیه گذاری و...

موضوع ها انشا و طرح های پیشنهادی دیگر برای درس انشا:

فصل سوم / روش های یادگیری و تاثیرگذاری

۱- سخن یا شعر بزرگان . ۲- اگر من ... ۳- بهار زیباست اگر

۴- با استفاده از پیام های بازرگانی تلویزیون انشایی بنویسید. ۵- نمونه ای

از گذشت های یکی از دوستان خود را بنویسید . ۶- با استفاده از هشت واژه ی

پیشنهادی معلم، دانش آموز انشایی بنویسد که آن هشت واژه در آن به کاررفته

باشد. ۷- شما دوست دارید که چه دستگاه های جدیدی اختراع کنید و با

این اختراع جدید چه کارهایی می توان انجام داد. ۸- کلمه سازی، داستان

نویسی، خلاصه نویسی. ۹- انشا نوشتن با استفاده از سخن بزرگان. ۱۰-

تقویت نیروی تبدیل حس به کلام در دانش آموزان. ۱۱- اجرای پانتومیم در

کلاس (توسط دانش آموزان) و نوشتن درباره ی آن یا اجرای نمایش بر اساس شعر

یا قصه. ۱۲- خواندن کتاب یا داستان در کلاس و نوشتن درباره ی آن. ۱۳- نوشتن

خواب هایی که می بینند. ۱۴- طرح جلسه ی انتقاد از خود. ۱۵- نوشتن درباره ی آثار

باستانی و یا درباره ی روزها و مناسبت های مختلف . ۱۶- جمع آوری تازه ترین

خبرها و اتفاقات . ۱۷- و

فصل چهارم

زندگی ۷۰ ساله

فصل چهارم / زندگی هفتادساله

چگونه زندگی ۷۰ ساله ی خودمان را بنویسیم؟؟

ذهن ما باغچه است

گل در آن باید کاشت

گر نکاری ، گل من

علف هرز در آن می روید

زحمت کاشتن یک گل سرخ

کمتر از زحمت برداشتن هرزگی آن علف است .^۱

دانش آموز عزیز سلام

از این که می خواهید با یاری خداوند متعال و تلاش های خودتان و راهنمایی والدین و معلمان ؛ اهدافِ زندگی تان را مشخص کنید؛ پیشاپیش از شما سپاس گزارم.

نوشتن زندگی ۷۰ساله ی خودتان به عنوان یک تحقیق و کار عملی که ۲۰نمره ی مستمر دارد ضروری است و نوشتن آن الزامی می باشد لذا خواهشمندم که برای نوشتن زندگی ۷۰ساله تان به مسائل زیر توجه

۱- شاعر: مرحوم مجتبی کاشانی

داشته باشید. تا راحت تر بنویسید.

۱ - تعداد صفحات: حداقل ۱۲ صفحه و یکرو .

۲- در صورت امکان تایپ شود. فایل تایپ شده نیز ارائه شود.

۳- تصور کنید که اکنون درس ۷۰ سالگی هستید و به گذشته ی خود نگاه می کنید و آن را شرح می دهید. (از ۷۰ سالگی به گذشته ی خود نگاه کنید و بنویسید.)

۴- در ۳ صفحه به معرفی خود؛ سال و محل تولد؛ شغل پدر و مادر. اتفاقات مهم دوران کودکی و نوجوانی و اشاره کوتاه به خاطرات دوران درس و مدرسه داشته باشید و در صفحات بعدی به سایر مسائل از جمله: تحصیلات پایان متوسطه ؛ رتبه و رشته دانشگاهی یا کارشناسی و بالاتر و این که از کدام دانشگاه یا مراکز آموزشی فارغ التحصیل شده اید؟

۵- به خصوصیات اخلاقی و کارهای نیک و خوبی که در طول ۷۰ سال انجام داده اید بپردازید. و کارهای خیری که پایه گذاری کرده اید؟

۶- چه کتاب هایی نوشته اید چه دستگاه هایی اختراع نموده اید چه

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

چیزهایی کشف نموده اید و به چه شهرهایی مسافرت نموده اید؟

۷- محل خدمت سربازی شما کجاها بوده و با چه افرادِ مهم و سرشناسی آشنا شده اید؟

۸- چه مسئولیت ها؛ مقام ها و شغل هایی داشته اید؟

۹- مشخصات همسر و فرزندان خود را به اختصار اشاره کنید.

۱۰- چه تأثیرات مثبت و ماندگاری از خود در جامعه ی اسلامی و انسانی به یادگار گذاشته اید؟ و آینده در باره ی شما چگونه قضاوت خواهد کرد؟

۱۱- متوسط درآمد ماهیانه ی شما در طی سال های مختلف و مشاغل مختلف چه قدر بوده است؟

۱۲- شهر؛ استان یا کشور مورد علاقه ی شما چیست؟ گوشی تلفن؛ غذا؛ رنگ؛ لباس؛ حیوان و... مورد علاقه ی شما در طول ۷۰ سال به ترتیب چه چیزهایی بوده است؟

۱۳- در طول ۷۰ سال در چه مسابقات؛ جشنواره ها و المپیادهایی شرکت کرده و چه مقام ها و رتبه هایی به دست آورده اید؟

۱۴- شما و فرزندانان چه خدمات ارزنده ای به جامعه ارایه کرده اید؟

۱۵- چه کسانی یا عواملی بر موفقیت های شما در زندگی تان تأثیرگذار

فصل چهارم / زندگی هفتادساله

بوده اند و موجب شده اند که رشد و پیشرفت نمایید؟

۱۶- به کدام کشورهای خارجی مسافرت کرده اید و چه تجربه هایی را به دست آورده اید؟

۱۷- در چه مکانی و به چه صورتی در سن هفتاد سالگی جان به جان آفرین تسلیم نموده اید و روی سنگ مزار شما چه عنوانی از شما را نوشته اند؟

۱۸- برای راهنمایی بیشتر زندگی نامه ی انسان های موفق را که ماندگار شده اند و شما به آن ها علاقه دارید الگوی خود قرار دهید.

۱۹- برای نمونه در سایت : www.Rw70.blogta.com وارد شوید و چند نمونه از زندگی نامه ی ۷۰ ساله ی دانش آموزان دیگر را مطالعه کنید و در صورت داشتن سؤال یا پیشنهاد؛ در بخش نظراتِ سایت ، نظر خود را بنویسید.

۲۰- خلاصه این که یک فیلم سینمایی از اهداف و برنامه های زندگی خود نوشته و تا روز درختکاری به معلم فارسی تحویل دهید.

باز هم پیشاپیش از فعالیت و تلاش هدمند شما صمیمانه سپاس گزارم.

با تشکر

معلم فارسی

عبارت هایی برای ...

- رؤیاها تجدیدشدنی است؛ مهم نیست سن و شرایط ما چیست؟

- یادآوری: ۱- هدف ۲- مسیر ۳- حرکت

- به رویای خود سخت بچسبید، اگرچه رویاها از بین بروند، زندگی،
پرنده ی پر و بال و پرشکسته ای است که نمی تواند پرواز کند.

- به آرزوهایی خویش ایمان بیاورید و آن گونه نسبت به آن ها بیندیشید
که گویی به زودی رخ می دهند .

- هر کس با استعدادهایی خلق شده که باید آنها را به کار بندد . به کار
بستن آن ها ، بزرگترین سعادت در زندگی هر فرد است. «گوته»

- با گفتن واژه هایی همانند نمی توانم ! و یا نمی شود ! هرروز پس ترمی روید .

اگر گویی که بتوانم قدم درنه که بتوانی

اگر گویی که نتوانم برو بنشین که نتوانی

- اگر هدف زندگی هویدا باشد ده ها راه بن بست نیز نمی تواند ما را از
پیش رفتن به سوی آن باز دارد . (در بن بست هم راه گمان باز است پرواز را بیاموز)

فصل چهارم / زندگی هفتادساله

- وقتی که هدف روشنی داشته باشیم احساس روشنی به ما دست می دهد.
این روشنی هدف است که به ما نیرو می بخشد.

- آینده خود را، خودتان شکل دهید، وگرنه دیگری آن را برایتان شکل خواهد داد .

- اگر ندانی به کجا می روی، هر گز نخواهی دانست کی به آنجا می رسی.
- وقتی نمی دانی به کجا خواهی رفت به هرطرف می خواهی برو !

ما با تشویق دانش آموزان به نوشتن زندگی ۷۰ ساله شان و ترغیب آن ها به مطالعه و خواندن شکست ها و موفقیت های انسان های بزرگ ، به آن ها می آموزیم که می توانند آینده شان را آن طور که خودشان می خواهند رقم بزنند. زیرا کسی که نمی داند به کجا می رود به هیچ جا نمی تواند برود.(راستی آیا شما که اکنون خواننده ی این کتاب هستید، زندگی هفتادساله تان را نوشته اید؟؟؟ اگر ننوشته اید چه زمانی می خواهید بنویسید؟؟؟)همین امروز شروع کنید .

فهرست مشاغل در حوزه های مختلف.

سوال: شما می خواهید در آینده در کدام حوزه و به چه شغل و فعالیتی مشغول باشید؟در اینجا برای آگاهی بیشتر ،مشاغل و حوزه های متفاوت ارایه می شود :

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

ا-ب- آموزش و پژوهش: مدارس، آموزشگاههای خاص، دانشکده و دانشگاه، آزمایشگاه مدارس، پژوهش و تحقیق کتابخانه ها، اعزام دانشجو، صنایع و تجهیزات آموزشی، تجهیزات کمک آموزشی، حوزه علمیه، نویسندگی و...

حوزه ی بهداشت و سلامت: پزشک، دندانپزشک و داروساز، مراکز درمانی، تشخیص و مراقبت، تجهیزات پزشکی و دندان پزشکی، دارو، داروخانه و دراگ استور، سایر فعالیت های مرتبط با بهداشت و سلامت و...

پ - ت - ث - حوزه ی پوشاک و لباس: بوتیک و فروش عمومی پوشاک و لباس، کفش، تولید و پخش پوشاک، پوشاک و لباس زنانه، پوشاک و لباس مردانه، کیف و کفش و کمربند، لباس زیر و جوراب، مانتو و روسری، پوشاک و لباس بچه گانه و سیسمونی، کت و شلوار، پوشاک و لباس کار، تولید و فروش تریکو، تولید و فروش پیراهن، لباس عروس و مزون، خدمات جانبی پوشاک، کاپشن، کلاه، دستکش و شال گردن، واردات پوشاک و لباس و...

ج - چ - ح حوزه ی حمل و نقل، مسافرت و مراکز اقامتی: حمل و نقل درون شهری حمل و نقل هوایی حمل و نقل کالا و جابجایی بار هتل ها و مراکز اقامتی حمل و نقل دریایی حمل و نقل جاده ای کاروان حج و زیارت حمل و نقل ریلی

خ - د - ذ حوزه ی خانه و خانه داری اثاثیه و تجهیزات خانه وساختمان،

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

لوازم آشپزخانه ، لوازم خانگی، لوازم برقی، لوازم خواب، لوازم گازسوز ،لوازم بهداشتی و نظافتی و...

حوزه ی خدمات اجتماعی: نهادها و سازمان ها مذهبی ،دفاتر پست و مخابرات ،نیازمندی های شهری، پارکینگ ،جایگاه سوخت، نیروی نظامی و انتظامی، راهنمایی و رانندگی، دفتر خدمات الکترونیک شهر، پلیس+۱۰ ،خدمات امنیتی و...

حوزه ی خدمات فردی : آرایشگاه ،خیاطی و گلدوزی، عکس و فیلم برداری، خشکشویی ، ترجمه، خدمات ویرگزاری مراسم، حمام و گرمابه عمومی،خدمات مهاجرت،راننده آژانس و...

حوزه ی خدمات مرتبط با کسب و کار: بیمه، چاپ و انتشار، بازاریابی و تبلیغات بازرگانی، تجهیزات اداری، مشاور کسب و کار، انبارداری و پخش، خدمات حسابداری ، فعالیت های خدماتی ،ثبت شرکت و امور مالیاتی، موسسات کاریابی، برگزاری سمینار و همایش ،خدمات نظافتی و اداری، تامین نیروی انسانی ، رابط صدور گواهینامه های بین المللی ،شهرک صنعتی ، خدمات بهداشتی و نظافتی ، مدیر فروش یک کارخانه و...

حوزه ی خرید و فروش : فروشگاه و مرکز خرید ساعت و جواهر، لوازم

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

آرایشی و بهداشتی، میوه و سبزی، صوتی و تصویری، لوازم التحریر، لوازم ورزشی، نان، عتیقه، صنایع دستی و بدلیجات، کیف، ساک و چمدان، کتاب، گل و گل فروشی، لوازم لوکس و کادویی، اسباب بازی و سرگرمی، فروشگاه لوازم هنری و محصولات فرهنگی، سمساری و وسایل دست دوم، دخانیات، خرید و فروش اینترنتی حیوانات خانگی و...

ر - ز - ژ حوزه ی راه و ساختمان: مصالح ساختمانی و راه سازی، تجهیزات ساختمان، آژانس املاک و بنگاه معاملات، ابزار و یراق، سازه و ساخت پیمانکاران ساختمانی، طراحی، مهندسی و مشاوره فعالیت ها و خدمات مرتبط با راه و ساختمان و...

س - ش - ص حوزه ی صنعت و کشاورزی: صنعت خودرو، صنعت برق، صنایع نساجی، صنایع فلزی دستگاه ها، تجهیزات و ماشین آلات، ابزار و قطعات صنعتی، صنایع حرارتی و برودتی، صنعت آب و فاضلاب، صنایع شیمیایی، صنایع غذایی، صنعت پلاستیک، صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، صنایع بسته بندی، صنایع چوب، صنایع الکترونیک، کشاورزی و دامپروری، صنعت شیشه و آینه، صنایع معدنی، خدمات صنعتی، صنایع کاغذ و چاپ، صنایع نقشه برداری و اطلاعات جغرافیایی، صنعت لاستیک، صنایع داروسازی، صنایع بازیافت، صنایع دریایی، صنایع خلاق و...

ع. غ. ف: حوزه ی غذا و رستوران: فرآورده های غذایی، محصولات گوشتی و پروتئینی، رستوران، فست فود و پیتزا، قنادی و شیرینی پزی، محصولات لبنی، تولید و فروش بستنی، حبوبات و غلات، نوشیدنی، کترینگ و آشپزخانه، کافه و کافی شاپ، آب میوه و کمپوت، کبابخانه و کبابی و....

ق - ک - گ حوزه ی کامپیوتر، اطلاعات و ارتباطات: کامپیوتر، تلفن همراه (موبایل)، تجهیزات ارتباطی و مخابراتی، رسانه، پردازش داده اینترنت و کارت تلفن و خدمات رایانه ای با کمترین سرمایه گذاری (طراحی سایت و ارائه ی خدمات جدید در فضای مجازی)

ل - م - ن مالی و حقوقی: موسسات مالی موسسات حقوقی، کارمند بانک

و - ه - ی هنر، ورزش و سرگرمی: اماکن ورزشی، پارک و شهر بازی، تئاتر و سینما، هنرهای تجسمی، نقاشی و طراحی، مجموعه فرهنگی ورزشی تفریحی، تالار و نگارخانه، موزه و گنجینه، خانه فرهنگ محله، فرهنگسرا، بنای تاریخی و آثار باستانی، خدمات موسیقی و آهنگسازی، خطاطی و خوشنویسی، تمبر و... با آرزوی موفقیت و سربلندی برای شما دانش آموز عزیز. علامه. معلم فارسی. بهمن ۳۹

کتاب: «بنویس تا اتفاق بیفتد» و کتاب «بیندیشید و ثروتمند شوید» را

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

بخوانید یا فایل صوتی این کتاب را از اینترنت بگیرید و گوش دهید. .

*****ارتباطات کلید طلایی موفقیت است.**

مهارت و هنر فروشنده را یاد بگیرید تا بتوانید ثروتمند شوید.

در اینجا یک نمونه از زندگی ۷۰ ساله ی دانش آموزان برای نمونه تقدیم می گردد:

زندگی ۷۰ ساله ی دانش آموز کلاس دوم راهنمایی مدرسه ی نمونه دولتی خوارزمی شهرستان فریمان

نامش م..... و شهرتش س..... و از خاندان امام سجاد(ع) که در خانواده ای ۵ نفره و مذهبی در مشهد و در سال ۱۳۷۵ دیده به جهان گشود. او یک خواهر و یک برادر داشت و فرزند آخر خانواده بود. مادرش دبیر پرورشی و پدرش کارمند کارخانه ی قند بود. در سن سه سالگی به دلیل موقعیت شغلی پدر پای در فریمان شهری در ۷۶ کیلومتری مشهد با آب و هوایی نسبتاً سرد و خشک گذاشت. در سن ۵ سالگی به مهد کودک بهار آزادی رفت و دوران پیش دبستانی را در همانجا به پایان رساند و تازه دوران پر شور و شوق تحصیل فرا رسید. سال اول در مدرسه بهار آزادی برای او جور دیگری رقم خورد.

برخلاف بسیاری از بچه ها از همنشینی مادر بهره می برد. چون مادرش در همان جا دبیر پرورشی بود، مدیرش خانم فنایی و دبیرش خانم کاظمی بود، دونفر از دوستان صمیمیش آقایان صالح حبیب آلهی و رسول حسینی بودند سال اول سال پرخطر ای بود در آن سال درس جای خودش را داشت و بازی و فوتبال هم جای خودش را اما بیشتر به درس علاقه داشت یکی از خاطراتش سر درس ریاضی در کلاس اول بود خیلی خیلی زحمت کشید تا یک مسئله ی ریاضی را حل کند بارها حل می کرد و و باز هم اشتباه بود اعصاب دبیر خورد شده بود اما اعصاب او گویی از فولاد بود زنگ ورزش تلف شد اما جواب سؤال پیدا و آفرین گفتن های دبیر و خوشحالی او در آن لحظه تماشایی بود. نوبت اول و دوم را با معدل ۲۰ پشت سر گذاشت او هر روز و هر ساعت علاقه ی بیشتری به علم پیدا می کرد کنجکاو در او موج می زد سربه هوا و بازی گوش و شیطان نبود اما کم رو و خجالتی هم نه .

بله او تابستان را گذراند و وارد کلاس دوم شد. کلاس دوم را نیز مانند کلاس اول با معدل ۲۰ به پایان رساند و هم چنین توانست از معلومات دبیر مهربانش سرکار خانم غفوری استفاده کند . او امسال تابستان پر خطر ای داشت و در این تابستان به شمال کشور سفر کرد و توانست سفرنامه ای کوتاه نیز بنویسد. کلاس سوم شروع شد در این سال نام دبیر او سرکار خانم نسرین بود. مهدی تازه فهمیده بود که استعداد بی نظیری در حفظ مطالب دارد زیرا

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

توانسته بود کل کتاب مبارک قرآن را در آن سال حفظ کند. او در همین سال در مسابقات حفظ شرکت کرد و موفق به کسب مقام اول در این مسابقات شد. اما از درس نیز غافل نشد و موفق به کسب معدل ۲۰ در هر دو نوبت شد زیرا حفظ آیات قرآن سبب تقویت درس او شده بود.

در تابستان همان سال او در مسابقات استانی حفظ شرکت نمود و موفق به کسب مقام سوم شد. تابستان تمام شد و او باید به کلاس سرکار خانم حسینی می رفت. آن سال واقعا سال پرافتخاری برای مهدی بود زیرا او باز هم توانست در مسابقات قرآنی از جمله قرائت و حفظ به ترتیب مقام سوم و دوم را کسب کند و هم چنین او توانست در مسابقات نقاشی و خوشنویسی مقام اول را به دست آورد. این سال نیز برای او معدل ۲۰ به همراه داشت. پایان سال برای او معنای شروع دغدغه های بسیار را داشت که از جمله این دغدغه ها قبولی در آزمون نمونه دولتی بود. او وارد کلاس پنجم شد و واقعاً تصمیم داشت دوران راهنمایی را در مدرسه ی نمونه دولتی خوارزمی بگذراند زیرا تلاشش از همه ی ثانیه ها بیشتر بود.

او حتی شب ها تا دیر وقت بیدار می ماند تا درس بخواند. زمستان آمده بود و او می توانست خودش را با امتحانات نوبت اول محک بزند بلکه امتحانات تمام شد و در کارنامه ی او نمره ی ۲۰ می درخشید. نوبت دوم هم مانند نوبت اول با معدل ۲۰ به پایان رسید اما بعد از روز یازده خرداد زمان

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

باسرعت بیشتری می گذشت اما درس ها واضطراب ها نه بالا خره روز سخت فرا رسید بله روز ۲۰ خرداد و انگار همه چیز با ۲۰ رقم می خورد، درست دو هفته بعد در روز پنج تیر نتایج این امتحان سخت آمد و او نیز پاداش زحماتش را گرفت و قبول شد بعد از آن او با توکل به خدا و تلاش و همت در اول مهرماه سال تحصیلی ۸۶-۸۷ وارد کلاس اول راهنمایی در مدرسه ی نمونه دولتی خوارزمی شد .

و سعی بسیاری می کرد تا روز به روز به نمرات بهتری دست یابد آخر او همیشه می گفت: ((یک انسان بزرگ اراده می کند و یک انسان کوچک آرزو)) او امسال نیز نوبت اول را با معدل ۲۰ پشت سر گذاشت . و تلاش خود را بیش از بیش برای رسیدن به موفقیت ها ی بیشتر افزایش داد. و وارد کلاس دوم راهنمایی شد او در کلاس دوم و سوم باید راه خود را پیدا می کرد و در کلاس دوم موفق به کسب مقام اول مدرسه ای و مقام دوم استانی در مسابقات نهج البلاغه شد. سال دوم، نوبت اول سختی داشت اما باز هم ۲۰ از او روی برگرداند.

بعد از امتحانات نوبت اول با تغییر دبیر ادبیات زندگی او نیز تغییر کرد زیرا از این به بعد جناب آقای علامه وارد زندگی او شده بود و بعد از چند جلسه جناب آقای علامه طرح پرورش نخبگان را اجرا کرد و او نیز در این طرح شرکت کرد و با فعالیت ها ی بسیاری آشنا شد و در راه موفقیت قدم گذاشت

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

امتحانات نوبت دوم را با معدل ۲۰ پشت سر گذاشت و وارد سال سوم شد. یک سال سرنوشت ساز دیگر شد .

سال سوم از نظر موقعیت استراتژیک برای او مانند سال پنجم بود. در کنار درس فعالیت های مؤسسه ی پرورش نخبگان را پیش گرفت امسال نیز معدل او ۲۰ شد و حالا نوبت به آزمون نمونه دولتی سال سوم رسیده بود سعی و تلاش او کار ساز بوده و توانست با پشتکار و ایمان پا به کلاس اول متوسطه در مدرسه ی نمونه دولتی قائم بگذارد.

امسال او مانند سال پیش در بنیاد پرورش نخبگان فعالیت های بسیاری داشت و در همان سال یعنی سال ۱۳۹۱ توانست اختراعی را به نام فیلتر پاک کننده ی هوا بسازد که در همین سال از سازمان محیط زیست لوح تقدیری دریافت کرد و همین طور از استاندار محترم نیز لوح تقدیری دریافت کرد این فیلتر تصفیه در جهان بی نظیر بود و توانست در مدت یک سال به اسطوره ای از پاکیزگی تبدیل شود. او سال بعد وارد کلاس دوم شد در حالی که سال اول را با معدل ۲۰ ساخت فیلتر تسویه کننده ی هوا و فعالیت در مؤسسه ی پرورش نخبگان به پایان رساند .

بله کلاس دوم متوسطه و استادان بزرگی مانند آقایان علامه ، سعیدی ، مردان پور، اقری، امیری ، ابراهیمی ، مظفری، شمس و... و این سال هم برای او خاطره های بسیاری بر جای گذاشته بود در بهمن ماه همین سال مقاله ای

نوشت که نامش این بود در نقاط دیگر چه می گذرد .

این مقاله درباره ی منظومه ی شمسی و نه سیاره آن بود که درباره ی خصوصیات آن ها بحث و گفتگو می کرد. این مقاله در سال ۱۳۹۴ در جشنواره ای به نام نجوم جایزه ی بهترین مقاله را دریافت کرد. بله او کلاس سوم را در رشته ی علوم تجربی به پایان رساند. او توانسته بود به دلیل اخذ مدرک دیپلم با معدّل عالی و همین طور عضویت در بنیاد ملی نخبگان هر دانشگاهی را که می خواست انتخاب کند . سرانجام در سال ۱۳۹۶ وارد دانشگاه علوم پزشکی تهران شد و امسال نیز فعالیت های او در بنیاد ملی نخبگان سبب کسب مقام اول در المپیاد گروهی نخبگان در شهر مسکو شد . در دانشگاه نیز فعالیت های بسیاری انجام داد.

بله این دوره نیز سپری شد و او باید برای لیسانس آزمون می داد سرانجام در این آزمون نیز توانست در رشته پزشکی با رتبه ی عالی قبول شود و سعی کرد تا تحصیلات خود را تا فوق تخصصش افزایش دهد.

در همین حال در بنیاد ملی پرورش نخبگان توانست کشف بسیار مهمی را صورت دهد، که به «که به کشف سال معروف شد» می گویند . این کشف نیز مانند دیگر کارها یش لوح های تقدیر بسیاری را به همراه داشت. او مدرک فوق لیسانس را اخذ کرد و تمام تلاشش را به کار گرفت تا مدرک دکترا را دریافت کند. او در سنّ ۲۸ سالگی مدارج علمی خود را تا مقطع دکترا ادامه

فصل چهارم / زندگی هفتادساله

داد و در همین سال در گروه جهاد سازندگی بسیج شرکت کرد و توانست از علم خود در راه خدمت به خلق خدا استفاده کند و نیز دو مقاله دیگر به نام های علم ۷۰ قسمتی و سفر به کرات اطراف را نوشت. این دو مقاله بعد از آن مقاله ی دو قلو نامیده شدند زیرا هم زمان به پایان رسیده و جایزه بهترین مقالات را دریافت کرده بودند.

سرانجام او در سن ۳۴ سالگی مدرک فوق تخصص را که آرزوی دیرینه اش بود کسب نموده و بعد از آن سال برای خدمت به مردم در بیمارستان ابو علی سینا مشغول به کار شد. در آن هنگام درآمد ماهیانه ی او ۱/۰۰۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال بود. در سال ۲۰۴۱ در تهران مطب بزرگی باز کرد او یکی از متخصصان بسیار معروف بود. بعد از مدتی به عضویت هیئت علمیه سازمان پزشکان در آمد و در همان روز ها نیز با انجام فعالیت های بسیار مفیدی توانست به جامعه ی خود خدمت کند که از جمله ی این کار ها تاسیس بهترین و مجهز ترین بیمارستان در خاور میانه به نام امام سجاد بود یکی دیگر از کار ها ی او ایجاد دستگاهی برای انسان ها ی دیالیزی که نیاز به تعویض خون داشتند بود این دستگاه بسیار کوچک، کار دستگاه های بزرگ دیالیز را به راحتی انجام می داد و دیگر لازم نبود که بیمار برای عمل دیالیز به بیمارستان مراجعه کند تمام این ماجرا ها تا سن ۳۴ سالگی برای او اتفاق افتاد.

او در سال ۲۰۴۱ عضو هیئت مدیره ی بنیاد ملی نخبگان شد و به جوانان نیز

آموزش می داد تا چگونه موفق شوند او هیچ وقت برای کار به خارج از کشور نرفت با این که دعوت نامه های بسیاری را برای او فرستادند .

او به کنفرانس های متعددی و در نقاط مختلف دعوت می شد . او همیشه به بچه های ایران می گفت: موفق ترین انسان ها کسانی هستند که موفقیت را هدف می دانند نه آرزو . او به ۲۲۰ مقاله ی خود که بعضی از آنها عبارت است از: مقاله ی دو قلو ، در نقاط دیگر چه می گذرد، حس حرکت ، خواب و بیداری مقاله ی دیگری به نام هفت روز دنیا را اضافه کرد که در این مقاله هفت روز از بیست کشور پیشرفته و در حال توسعه با یک دیگر مقایسه شده و معایب و مزایای آن کشور ها به صورت لیست وار بررسی می شود . او در سن ۵۰ سالگی به انگلیس رفت و در همایش بزرگ پزشکان با معرفی کتاب صد پیشگیری بدون بیماری که درباره ی پیشگیری بیماری های مختلف و فواید این پیشگیری ها توضیح می داد توانست مقام اول را کسب کرده و لوح تقدیر آن را از دست رئیس این بنیاد دریافت کند سپس به ایران باز گشت و دو باره تجربیاتش را به پزشکان دیگر منتقل کرد .

او در سن ۵۲ سالگی پا به مؤسسه ی تحقیقات ژنتیکی روسیه گذاشت و در آن جا با پزشکان مشهوری آشنا شد و توانست از تجربیات آن ها بهره بگیرد در روسیه با یک گروه پزشکی اولین عمل جراحی حنجره را به انجام رساند که سبب شده بود افرادی که قادر به صحبت کردن نبودند دوباره

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

قدرت تکلم را بیابند او بعد از این عمل موفقیت آمیز به ایران آمد و چندین عمل جراحی حنجره را با گروه های ایرانی با موفقیت انجام داد او در سن ۵۴ سالگی رو به طب گیاهی آورد قبلاً خانه ای در تهران داشت اما بعد خانه ی خود را به منطقه ی کوهستانی انتقال داد و در آنجا با خواص گیاهان مختلفی آشنا شد همان جا بود که تصمیم گرفت کتابی به نام طب گیاهی بنویسد که در آن کتاب خواص گیاهان و چگونگی درمان بیماری ها توسط این گیاهان توضیح داده شده از آن پس تا سن ۵۸ سالگی را در آنجا سپری کرد سپس با او تماس برقرار کردند و گفتند که باید واکسنی برای آنفولانزای AD (آ - دی) یا آنفولانزای سگی تهیه کند او با اطلاعاتی که از گیاهان داشت توانست این واکسن را تهیه کند و جان بسیاری از مردم خاور میانه را نجات دهد و به همین دلیل او توانست در آن سال جایزه ی نوبل را دریافت کند .

بعد از آن او سازمان طب پزشکی را که در جهان کم نظیر بود احداث کرد که در آنجا پزشکان مشهور ایران و جهان با استفاده از خواص گیاهان داروهای را پدید می آوردند که از داروهای شیمیایی مانند آنتیبیوتیک ها بسیار بهتر و اثر بخش تر بود و او توانست در دانشگاه نیز واحد جدیدی را به نام طب گیاهی اضافه نموده و خودش نیز به تدریس اولین جلسه ی این طب بزرگ بپردازد اما هنوز هم با بنیاد ملی نخبگان در ارتباط بود و در سن ۶۰ سالگی بزرگ ترین اختراع خود را به نام موتور بادی را به ثبت رسانید که باد

آب شور را به آب شیرین تبدیل می کرد که با این اختراع کمک شایانی به جبران بی آبی شد. او شرکتی تأسیس کرد که به تولید داروهای گیاهی می پرداخت این داروها ابتدا به بیمارستان امام سجاد می رفت و بعد از تست کامل در آنجا به بیمارستان های دیگر فرستاده می شد، یا منتقل می شد یا انتقال داده می شد .

او در سن ۶۲ سالگی تقریباً با ۱۶۰ کتاب علمی و فرهنگی و بیش از ۲۰۰ مقاله رکورد جدیدی را به ثبت رسانیده بود که در جهان بی نظیر و یا کم نظیر بود. آخرین مقاله و کتاب او به ترتیب سفید و سیاه و دنیای داروها نام داشت که در مقاله ی سفید و سیاه درباره ی سختی ها و شادی های زندگی توضیح داده شده بود و در کتاب دنیای داروها نیز درباره ی بیش از ۶۰۰ دارو و خواص آن ها مطالب مفیدی نوشته شده بود. او در سن ۶۳ سالگی تصمیم گرفت در سازمان طب پزشکی مزرعه ی کشت ژن گیاهان را تأسیس کند که این امر باعث شده بود ژن گیاهانی با خواص جدید به وجود آید که یکی از داروهای مهمی که توسط این گیاهان جدید به وجود آمده بود واکسن AB (آ-بی) نام داشت. او در سن ۶۵ سالگی به دانشگاه آکسفورد رفت و در آنجا با کنفرانس خود تحول جدیدی در جهان علم به وجود آورده بود. او در همان روزها تازه خواص بی نظیر چای سبز را کشف کرده بود و در کنفرانس خود نیز از خواص آن مطالبی را بیان کرد.

فصل چهارم / زندگی هفتادساله

او در انجمن پزشکان، بنیاد ملی نخبگان، بیمارستان امام سجاد و سازمان طب پزشکان فعالیت های بسیاری داشت و هنوز هم در بنیاد ملی نخبگان به تدریس دانش آموزان برای رسیدن آن ها به موفقیت می پرداخت و در سن ۷۶ سالگی موفق به تأسیس گروه بنیاد نخبگان کودک شد که با احداث این بنیاد استعداد های بسیاری از همان ابتدا تا جوانی و بزرگسالی پرورش داده می شد. در همان سال ها المپیاد های جهانی گروهی در رده ی سنی ۸ تا ۱۱ سال برگزار می شد که بنیاد ملی نخبگان کودک ایران توانست در دوره ی مقدماتی این المپیادها مقام اول را کسب کرده و به دوره های دیگری راه پیدا کنند در آن دوران سر پرستی گروه را آقای مهدی سجادی بر عهده داشت.

این گروه پس از کسب مقام اول در دوره ی مقدماتی بازهم توانست در مرحله ی حرفه ای این مسابقات مقام اول را کسب کنند و دوباره نام ایران را در جهان زنده نگاه دارند گروه بنیاد ملی نخبگان کودک توانست با همراهی آقای سجادی موفقیت های بسیاری را به دست آورد او در سن ۶۷ سالگی بیمارستان جدیدی به نام بیمارستان «حضرت معصومه» را ایجاد کرد که این بیمارستان نیز مانند بیمارستان «امام سجاد» بسیار مجهز بود.

او در بیمارستان حضرت معصومه اتاقی را به نام ATM (آ-تی -ام) تأسیس کرده بود که بیمارانی که به بیماری های بسیار خطرناکی مانند سرطان خون و انواع سرطان ها و بیماری های خطرناک دیگر مبتلا شده بودند در

آنجا بستری می شدند و تحت مراقبت های ویژه ای قرار می گرفتند.

او توانسته بود نیز به نام SDD (اس-دی-دی) برای درمان سرطان ها ایجاد کند که این دارو نیز مانند بسیاری از داروهای او خواص گیاهی داشت. او در سازمان پزشکان باز هم توانست شگفتی بیافریند و دستگاه دیگری را به نام {ازپار} بسازد که برای درمان عضلات بود. این دستگاه با استفاده از شوکی که با نیروی الکترومغناطیسی به عضلات وارد می کرد باعث می شد که عضلات از حالت انقباض در آمده و در نتیجه سبب درمان عضلات می شد. او هنوز به تحقیقات خود ادامه می داد و با این تحقیقات سال های دیگر زندگی او گذشت. او در سن ۶۹ سالگی تمام تحقیقات خود را در کتابی به چاپ رسانید و نام آن کتاب را تحقیقات ۷۰ ساله گذاشت. او سر انجام در سن ۷۰ سالگی جان به جان تسلیم شد. سخنی که او همیشه می گفت حتی اگر دیگر امیدی به زندگی نداشتی خاموش نشو شاید تو امید دیگری باشی.

با آرزوی موفقیت برای تمام مردم جهان

م - س تابستان ۱۳۸۹

داستان: «چه کسی زندگی مرا عوض می کند؟؟»

یک روز وقتی کارمندان به اداره رسیدند، اطلاعیه بزرگی را در

تابلوی اعلانات دیدند که روی آن نوشته شده بود:

فصل چهارم / زندگی هفتاد ساله

«دیروز فردی که مانع پیشرفت شما در این اداره بود درگذشت. شما را به شرکت در مراسم تشییع جنازه که ساعت ۱۰ در سالن اجتماعات برگزار می‌شود دعوت می‌کنیم.»

در ابتدا، همه از دریافت خبر مرگ یکی از همکارانشان ناراحت می‌شدند، اما پس از مدتی کنجکاو می‌شدند که بدانند کسی که مانع پیشرفت آن‌ها در اداره می‌شده که بوده است.

این کنجکاو، تقریباً تمام کارمندان را ساعت ۱۰ به سالن اجتماعات کشاند. رفته رفته که جمعیت زیاد می‌شد هیجان هم بالا می‌رفت. همه پیش خود فکر می‌کردند: «این فرد چه کسی بود که مانع پیشرفت ما در اداره بود؟ به هر حال خوب شد که مُرد!!!!!!»

کارمندان در صفی قرار گرفتند و یکی یکی نزدیک تابوت می‌رفتند و وقتی به درون تابوت نگاه می‌کردند ناگهان خشکشان می‌زد و زبانشان بند می‌آمد. آینه‌ای درون تابوت قرار داده شده بود و هر کس به درون تابوت نگاه می‌کرد، تصویر خود را می‌دید. نوشته‌ای نیز بدین مضمون در کنار آینه بود:

«تنها یک نفر وجود دارد که می‌تواند مانع رشد شما شود و او هم کسی نیست جزء خود شما. شما تنها کسی هستید که می‌توانید زندگی‌تان را متحوّل کنید. شما تنها کسی هستید که می‌توانید بر روی شادی‌ها، تصوّرات و موفّقیت‌هایتان اثر گذار باشید. شما تنها کسی هستید که می‌توانید به خودتان کمک کنید.»

زندگی شما وقتی که ریاستان، دوستانان، والدین‌تان، شریک زندگی‌تان یا محل کارتان تغییر می‌کند، دستخوش تغییر نمی‌شود. زندگی شما تنها فقط وقتی تغییر می‌کند که شما تغییر کنید، باورهای محدود کننده خود را کنار بگذارید و باور کنید که شما تنها کسی هستید که مسئول زندگی خودتان می‌باشید. مهم‌ترین رابطه‌ای که در زندگی می‌توانید داشته باشید، رابطه با خودتان است.

خودتان را امتحان کنید. مواظب خودتان باشید. از مشکلات، غیرممکن‌ها و چیزهای از دست داده نهراسید. خودتان و واقعیت‌های زندگی خودتان را بسازید.

» دنیا مثل آینه است. انعکاس افکاری که فرد قویاً به آن‌ها اعتقاد دارد را به او باز می‌گرداند. تفاوت‌ها در روش نگاه کردن به زندگی است.»

فصل پنجم

فَعَالِيَّت هَاي خَارِج از كلاس براي دانش آموزان

الف : کتاب همه

برو خوشه چین باش سعدی صفت

که گرد آوری خرمن معرفت. (سعدی)

برای اجرای این طرح ، معلّم با همکاری دانش آموزان ، دفتری را با عنوان ((کتاب همه)) در نظر می گیرند و در ابتدای آن مقدمه و سپس اسامی دانش آموزان کلاس را یک به یک می نویسند و هر صفحه از دفتر را به یک دانش آموز اختصاص می دهند .

دانش آموزی که نامش در صفحه ی مخصوص به خود ثبت شده ، به محض این که دفتر در اختیارش قرار گرفت، بلافاصله شروع به نوشتن بهترین اندیشه ها ، توصیه ها ؛ هنرها و... می کند تا صاحب دفتر(معلّم) هر موقع که «کتاب همه» را ورق می زند ، خاطرات ، توصیه ها ، تجربه ها و شکست های دیگران یک به یک در ذهنش مرور شود .

بعد ها می توان این دفتر ها را خلاصه نمود و بهترین نکته های آن را در قالب یک کتاب چاپ نمود و یا در مجله و روزنامه ها به چاپ رساند ، تا دیگران نیز از این رهگذر دست مایه ای عایدشان شود . خوب است که معلّم در مقدمه ای که در ابتدای دفتر می نویسد ، بر این نکته تاکید کند که دانش آموزان سعی کنند که بهترین تجربه ها ؛ سخنان ، نقاشی ها و...

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

را در «کتاب همه» بنویسند یا بکشند و هنر و توانایی را که دارند به عرصه ی ظهور برسانند.

با این شیوه می توان روز های خوش مدرسه و با هم بودن را برای همیشه ماندگار کرد. تقریباً شبیه به کاری که برخی از سربازها در دوره ی سربازی انجام می دهند و دفتری با نام ((دفتر خاطرات سربازی)) دارند که در آن آدرس و مشخصات دوستانشان ثبت شده است و در مواقع ضروری به آن مراجعه می کنند .

فوایدی که اجرای این شیوه در پی خواهد داشت :

۱- جمع آوری اندیشه ها و توصیه های ناب ۲- ثبت روزهای خوش مدرسه و با هم بودن ۳- خوشه چینی معرفت ۴- آموزش مهارت های زندگی در همین سرمشق های که دیگران بیان می کنند .

ب: فیلم برداری یا یادگار مدرسه:

در آغاز یا پایان هر سال تحصیلی ، مدیریت مدرسه با همکاری مربی پرورشی یا مشاور، از دانش آموزان فیلم برداری می کنند و در هنگام فیلم برداری ، زمانی که دوربین روی هر دانش آموز می رود ، وی ابتدا خود را معرفی کرده و می گوید که در آینده می خواهد چه کاره شود و چه شغلی داشته باشد ؟

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

پس از فیلم برداری از دانش آموزان و مصاحبه ی مختصر با دبیران محترم ، فیلم برای علاقه مندان تکثیر شده و یک نسخه در مدرسه و یک نسخه در اداره آموزش و پرورش برای سال های آتی بایگانی می شود .

هر سال که می گذرد ، بر ارزش معنوی و تاریخی آن افزوده می گردد برای پی بردن به ارزش این طرح ، تصوّر کنید که اکنون یک سی دی فیلم وجود دارد که مربوط می شود به زمانی که شما کلاس اول ابتدایی یا دوم راهنمایی و یا سال آخر دبیرستان (و شاید همه ی این ها) درس می خواندید و دوستان و همکلاسی های شما ، یک به یک خود را معرفی کرده و شغل آینده ی خود را می گویند، چه قدر برای شما لذّت بخش است و ارزش دارد ؟؟؟ پس اجرای این طرح کم هزینه اما بسیار مفید را از آینده سازان کشورمان دریغ نکنیم .

و از همه مهم تر این که وقتی هدف یک دانش آموز مشخص شد که به طور مثال در آینده می خواهد مهندس کامپیوتر شود ، تمام سعی و تلاش خود را در مسیر مهندس کامپیوتر شدن صرف می کند تا به این هدف خود برسد .

به لطف خداوند این شیوه را از سال ۱۳۷۸ شروع کرده ایم و هر سال نیز انجام می دهیم و به نتایج بسیار خوبی هم رسیده ایم.

از جمله مزایایی که این روش می تواند داشته باشد؛ به موارد زیر می توان اشاره کرد:

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

۱- ثبت و تجدید خاطرات روزهای خوش مدرسه و روزهای خوب با هم بودن .

۲- مشخص شدن هدف آتی هر دانش آموز و تلاش بیشتر برای رسیدن به آن.

۳- توجه به این اصل که آدمی به هر چه که فکر کند ، به همان می رسد .

۴- بهسازی و تأمین برخی از مخارج مدارس در سال های آینده (یعنی زمانی که دانش آموز به شغل و درآمد های بالایی می رسد می تواند به مدرسه ای که روزی در آن درس می خوانده کمک کند و...)

۵- تجلیل از مدیران و معلمان که در سال های گذشته در مدارس تدریس می کردند و...

پ: نوشتن خاطره در دفتر خاطرات دانش آموزان:

معمولاً رسم بر این است که در پایان سال تحصیلی برخی از دانش آموزان دفتر خاطراتی را می آورند تا دوستان و معلمانشان برایشان چیزی بنویسند. ما برای این که هم کار آن ها راحت تر باشد و همه از یک توصیه ی کلی برخوردار شوند مطالبی را چاپ کرده و در اختیار همه ی آن ها می گذاریم. مثلاً متن یکی از این برگه ها چنین است.

پند نامه :

ت: مسابقه شجاعت :

در حدیث از پیامبر اکرم آمده است که دو چیز مایه طولانی شدن عمر است. یکی صله ارحام و دیگری احترام به پدر و مادر. آری بیائیم با انجام این دو فریضه ساده اما بسیار مهم، به طول عمر خودمان در جهت خدمت بیشتر به جامعه بیفزائیم.

اما مسابقه شجاعت، تلاش است در همین راستا.

تشکری است از کسانی که برای ما زحمت کشیده اند و برای بهتر زیستن ما تلاش می کنند.

از حدود چندین سال پیش یعنی از سال ۱۳۷۹ به بعد هر ساله در هر مدرسه ای که هستیم مسابقه ای با عنوان «مسابقه شجاعت» برگزار می کنیم و به شجاعترین دانش آموزان مدرسه هدیه ای به رسم یادبود اهدا می کنیم. اما این مسابقه چگونه اجرا می شود؟

نحوه اجرای این مسابقه به این صورت است که ابتدا معلم از دانش آموزان یک مدرسه می پرسد که «به نظر شما چه کسی از همه شجاع تر است؟ بدون شک هر دانش آموز دلیلی برای شجاع بودن خود می آورد. به طور مثال یکی می گوید: «من شجاع هستم زیرا زورم زیاد است» دیگری می گوید: «من شجاع هستم چون از بقیه زرنکترم» و سومی می گوید: «من شجاع هستم

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

چون پدرم ثروتمند است و از کسی نمی ترسم.» و معلم می گوید که: «نه، معیار من برای انتخاب فرد شجاع اینها نیست. بلکه معیار برای دلنش آموز شجاع این است که شما از امروز به مدت یک هفته فرصت دارید که شجاعت خود را با بوسیدن دست پدر و مادر خود به اثبات برسانید» بدیهی است که در این لحظه برای همه این سوال پیش می آید که: معلم از کجا می خواهد بفهمد که دانش آموز راست گفته یا نه؟ در پاسخ باید گفت که دانش آموزان و یا حتی خود ما قبل از اینکه دست والدین خود را ببوسیم، لحظه بوسیدن و بعد از آن احساس خاصی به ما دست می دهد و شرط شرکت در مسابقه، نوشتن همین احساس است و این گونه است که همین احساس ها جمع می شود و تبدیل به یک کتاب می شود.

در ضمن معلم می تواند، پس از اینکه دانش آموزان شجاع یک کلاس را تشخیص داد، به قید قرعه جایزه ای در یکی از مراسم به دانش آموز یا دانش آموزان شجاع اهدا کند و یا اینکه نمره ای برای آنان منظور نماید. همچنین با هماهنگی مدیر مدرسه، می تواند برای تهیه جایزه و تاثیر در نمره انضباط دانش آموز کمک بگیرد. (سایر راه کارها برای تشویق دانش آموزان به سلیقه معلم بستگی دارد.)

از جمله اهداف اجرای این طرح، می توان به تکریم و تجلیل از والدین و تاکید بر بهداشت روانی و احترام به والدین اشاره کرد.

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

امیدواریم که دوستان ما را کاستی های کار آگاه سازند که به یاری خداوند متعال بتوانیم نقایص و کمبودهای طرح را جبران کنیم و پایه و اساس کاری بس بزرگ را بنیان نهیم و خلاصه این که به قول حافظ:

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

منم که دیده نیالوده ام به بد دیدن

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقت ما کافر است رنجیدن

به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات

بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن

ز خط یار بیاموز مهر با رخ خوب

که گرد عارض خوبان خوشست گردیدن

مبوس جز لب ساقی و جام می حافظ

که دست زهد فروشان خطاست بوسیدن

در اینجا متنی را که یکی از دانش آموزانم برای مسابقه ی شجاعت

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

نوشته و در کتاب یاد ایام (خاطرات معلمان ابتدائی و راهنمای استان خراسان) در سال ۱۳۸۰ صفحه ۱۱۶ و ماهنامه «نگاه» چاپ شده تقدیم حضور می گردد: ضمناً این مطلب در مجله ی رشد آموزش راهنمایی شماره ۳۳ سال ۱۳۸۱ صفحه ۶۲ و ۶۳ نیز چاپ شده که تمام مطالب عیناً از این مجله نقل می گردد:

آیا شما شجاع هستید؟

اشاره: آنچه در اینجا می خوانید خاطره ای است که آقای حمید علامه دبیر یکی از مدارس راهنمایی فریمان برای ما ارسال کرده اند که خواندنی و قابل تامل است. ما ضمن چاپ آن و تشکر از آقای علامه، توضیح کوتاهی را نیز که آقای محمودی اوحدی کارشناس روانشناسی دفتر برنامه ریزی و تالیف - به درخواست ما- بر این خاطره نوشته اند می افزاییم.

مجله ی رشد معلم

یک روز آخر وقت انشا که ده دقیقه وقت داشتیم، به دانش آموزان گفتم که: می خواهم بدانم کدام یک از شما خود را فرد شجاعی می داند و چرا؟ هر کدام از دانش آموزان دلیلی مبنی بر شجاع بودن خود می آورد. یکی می گفت: من، چون درسهایم خوب است. دیگری می گفت: من چون زورم زیاد است. و سومی می گفت: من شجاع هستم چون پدرم ثروتمند است. خلاصه اینکه هر کس دلیلی برای شجاعت خود می آورد.

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

من گفتم: نه، بچه ها معیار من برای انتخاب فرد شجاع، این نیست. همه گفتند: پس چیست؟ گفتم: همه شما از امروز به مدت یک هفته فرصت دارید که شجاعت خود را بوسیدن دست پدر و مادر خود به اثبات برسانید. در این لحظه برای همه این سوال پیش آمد که: آقا، شما از کجا خواهید فهمید که ما این کار را انجام داده ایم یا نداده ایم. در پاسخ گفتم: قبل از اینکه دست والدین خود را ببوسید، لحظه بوسیدن و بعد از آن به شما احساس خاصی دست می دهد. همان احساس را در کاغذی یادداشت کنید و به من بدهید. من به یک نفر به قید قرعه جایزه ای خواهم داد. هفته بعد فرا رسید. فقط چند نفر از دانش آموزان یک کلاس آن عمل را انجام داده و شرح آنرا نوشته بودند. آنچه در زیر می خوانید احساس یک دانش آموز است که دست پدر و مادر خود را بوسیده است.

با عرض سلام خدمت آقای علامه دبیر خوب ادبیات فارسی، آروز که شما آن موضوع انشا را برای بچه های کلاس گفتید من با خودم گفتم بهتر است که دل و جرات خودم را امتحان کنم. با همین فکر و اندیشه به خانه رسیدم. خانمان به خاطر مجلس عروسی خواهرم که در پیش بود، شلوغ بود و بیشتر اقوام و خویشان در خانه ما بودند. کیف و کتابم را سر جایش گذاشتم و به آشپزخانه - آنجا که مادرم بود- رفتم. مادرم در حال غذا پختن بود. به او سلام کردم و با دلهره تمام به سمت او رفتم. وقتی خواستم که

فصل پنجم / فحایت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

خم شوم و دست او را ببوسم یک دفعه خاله بزرگم از راه رسید و گفت: چه کار می کنید! امیر را بفروست که برود شیرینی بگیرد، چون شیرینی هایمان کم آمده است. من در همان لحظه اول با خودم گفتم: «به خشکی شانس» بعد از اینکه شیرینی را آوردم، با خودم گفتم: این دفعه دیگر دل را به دریا می زنم و کار خود را انجام می دهم. از آنجائی که رویم با مادرم باز بود، در همان لحظه با جعبه های شیرینی به طرف او رفتم. جعبه ها را کنار گذاشتم و دستم را دور گردنش انداختم اول صورتش را بوسیدم و سپس دستش را گرفتم و بوسیدم. مادرم گفت: چی شده؟ چرا این کارها را می کنی؟ گفتم: مادر خیلی دوستت دارم و او هم مرا بوسید و با خنده گفت: «نکنه تو هم به خاطر عروسی خواهرت به هوس افتادی که برای تو هم آستین بالا بزنیم؟ نه، هنوز نوبت تو نشده. انشاءالله بعد از سربازی فکری برای تو خواهیم کرد.»

خدا را شکر کردم که به خیر گذشت. حالا نوبت پدرم بود. با خودم گفتم، این مجلس عروسی بهترین موقعیت است که پدرم را ببینم و روی او را ببوسم، چون شغل پدر من رانندگی است و کمتر در خانه است. پدرم با چند نفر از میهمانان و اقواممان در اتاق دیگری بودند. من که قصدم از بوسیدن دست پدرم امتحان کردن خودم بود به طرف او رفتم. هنوز به پدر نزدیک نشده بودم که گفت: امیر بیا برای حاج آقا چایی بریز. گفتم: مادر من را کار دارد و می خواهیم به مغازه بروم با این حرف از اتاق بیرون زدم و پشت پرده در

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

ایستادم آنوقت شنیدم که یکی از میهمانان به پدرم گفت: چه پسر بی تربیتی داری؟ در اینجا بود که من از این کار خودم پشیمان شدم. می خواستم به او ثابت کنم که بی تربیت نیستم و برگشتم و با تمام دل و جراتی که داشتم به طرف پدرم رفتم. صدای ضربان قلبم را می شنیدم. اضطراب و هیجان سراسر وجودم را فرا گرفته بود. هر طور که بود دستم را به دور گردنش انداختم و صورت او را بوسیدم و بعد به دستهای رنج کشیده او به سپاس قدرشناسی بوسه ای زدم و با تمام اضطرابی که داشتم از او معذرت خواستم او هم مرا بوسید و گفت: برو پسرم ببین که مادرت چه کاری با تو دارد. در همان لحظه مادرم مرا صدا زد. این خبر مثل بادکنک در مجلس عروسی خانه ما ترکید و همه این بوسیدنهای را به حساب قدردانی از پدر و مادرم گذاشتند. البته قبل از اینکه این خبر همه جا پخش شود، می ترسیدم که بعدا مرا مسخره کنند. اما این طور نشد، بلکه همه از این کار من خوشحال بودند و به من احسنت می گفتند. این خاطره برای همیشه در ذهنم می ماند. من خدا را شکر می کنم که امسال معلم خوبی مثل شما دارم. امیدوارم همیشه پیروز و سربلند باشید.

تحلیل

تحلیل روانشناختی این خاطره این است که اصولا در خصوص بوسیدن دست پدر و مادر همیشه و در تمام خانواده ها این مسئله نمی تواند در قالب شجاعت مطرح شود.

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

در بعضی از خانواده ها بوسیدن به مناسبت های مختلف از جمله، جشن تولد، سفر و ... یک امر مرسوم و جا افتاده است و فرزندان این گونه خانواده ها به راحتی با یکدیگر و یا با پدر و مادر خود دیده بوسی و احیانا دست بوسی می کنند که این مسئله تا حدودی به نوع رابطه پدر و مادر و فرزندان مربوط می شود. فی المثل در خانواده ای که پدر و مادر در جشن بر پا شده در خانه و در حضور فرزندان خود همدیگر را می بوسند این مسئله یک امر عادی تلقی می شود. اما در پاره ای خانواده ها، شاید به دلیل فاصله سنی زیاد بین پدر و مادر، فاصله سنی زیاد بین فرزندان با پدر یا مادر، عدم رابطه کلامی میان پدر و مادر و فرزندان، عدم پیش قدم شدن والدین در برخورد با فرزندان و ... که همه از فرهنگ و سنت های آن محیط سرچشمه می گیرد، فرزندان پدر یا مادر را دور از دسترس می بینند و شهامت برخورد نزدیک به خصوص بوسیدن دست آن ها- به خصوص پدر- را ندارند. شاید در این گونه خانواده ها، نزدیک شدن به والدین و بوسیدن آنها بتواند در قالب شجاعت مطرح گردد همان طور که در خاطره مورد نظر ملاحظه گردید.

ث: شرایط خاص:

گاهی اوقات آدمی بر سر دو راهی قرار می گیرد و نمی داند که به حرف عقل گوش کند یا نفس؟؟!! به عبارت دیگر آزمون ها و امتحانات خداوند توی ورقه و سر کلاس نیست بلکه شرایط گناه را به

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

گونه ای خاص برای ما فراهم می شود. اگر گناه کردیم می بازیم و چند پله پایین می رویم و اندکی از خداوند دور تر. اما اگر شرایط گناه فراهم بود و گناه نکردیم و به خدا توکل کردیم در آزمون الهی پیروز می شویم. با این توضیح این را می خواهیم بگویم که اگر در شرایط انجام گناه قرار گرفتیم یا فکر گناه به ذهنمان رسید ؛ سه بار بگوییم:

بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي و العظيم
و توکلت علی الله تا خداوند خودش ما را از مهلکه برهاند.

این مسئله را در موقعیت های خاص به دانش آموزانم یادآور می شوم و از آن ها می خواهم که ذکر فوق را در پشت جلد کتابشان یادداشت نمایند تا هم برایشان یادآوری شود و هم فراموش نکنند که

ج: دفتر «ترین ها»

از مسجد و خرابات نشنیدم و ندیدم

نازلترین مکانی ، عالی ترین مقامی

فروغی بسطامی

برای اجرای این شیوه از هر دانش آموز می خواهیم که در

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

ابتدای سال تحصیلی ، یک دفتر شصت یا هشتاد برگ برای ثبت و ضبط بهترین ، جالب ترین ، زیبا ترین ، عالی ترین و... آموزنده ترین ها در نظر بگیرد و هنگامی که روزنامه یا مجله ای را مطالعه می کند و ((...ترین)) آن توجه و پسندش را به خود جلب می کند ، آن را جدا کرده یا نوشته و همراه با نام و تاریخ آن ، در یکی از صفحه های این دفتر درج نماید. همچنین ، شعر ، ضرب المثل یا عبارت زیبایی را که در جایی می بیند یا می شنود در بخش دیگری از این دفتر ((ترین ها)) ثبت کند تا برای همیشه در ذهنش باقی بماند و در مواقع ضروری به آن مراجعه کرده و خود و دیگران از دیدن آن ها لذت ببرند و به تهیه کننده ی آن احسنت!!! بگویند.

مثلاً وقتی دانش آموز در بخشی از دفتر ((ترین ها)) که اختصاص به عبارت های زیبا دارد ، نوشته است : ((شد شد ، نشد نشد)) یا ((این نیز بگذرد)) بدون شک زمانی که به خاطر موضوعی کوچک ناراحت است دفترش را باز می کند و این عبارت را می بیند، از دردهای درونی اش کاسته می شود و تا حدی آرامش می یابد .

فوایدی که این شیوه در پی خواهد داشت :

۱- ترغیب دانش آموزان به جمع آوری بهترین ها

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

۲- ماندگار کردن بهترین ها

۳- عادت دادن دانش آموزان به این که همیشه به دنبال چیز ها و

اهدافِ خوب و عالی باشند

۴- پرکردن اوقات فراغت

۵- ساده و جذاب بودن .

۶- ثبت و آموزش مهارت های زندگی .

۷- افزایش توانایی خاص در دانش آموزان.

چ: حفظ ۵۰ بیت شعر و ضرب المثل

*** مطلب زیر در کتاب «مجموعه برگزیده اولین فراخوان در

جست و جوی فعالیت های خارج از کلاس...» جلد ۴ تابستان ۱۳۸۲ صفحه

۱۲۵ چاپ شده است.

هدف فعالیت : ۱- تقویت حافظه ۲ - افزایش اطلاعات و معلومات

عمومی که برای همیشه در ذهن دانش آموز باقی می ماند. ۳- کاربرد شعر ها و

ضرب المثل های حفظی در انشا و زندگی . ۴- جمع آوری سرمایه ی معنوی

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

و درونی برای زندگی آینده ۵- ساده ، هدف دار، متنوع و جذاب است . ۶- و...

شرح فعالیت :

آن چه را که دانش آموز در دوره ی راهنمایی حفظ می کند و به حافظه ی بلند مدت خود می سپارد ، همچون نوشته ای است که بر روی سنگ حک می شود و تا مدت زمان بسیار طولانی در ذهن وی باقی می ماند . ممکن است که دانش آموز در این سن پی به معنی و مفهوم درست آن نبرد ، اما وقتی که بزرگتر شد ، گذشت روزگار معنی و مفهوم هر بیت و ضرب المثل را یک به یک برایش شرح و توضیح می دهد .

برای ارزشیابی از یادگیری یا عدم یادگیری این فعالیت ، بهتر است که از روش پرسش و پاسخ شفاهی استفاده شود . به طور مثال موضوع یا کلمه ای خاص را به دانش آموز می گوئیم و از او می خواهیم که شعر و ضرب المثل را که در این باره از حفظ است ، بیان کند . (البته از قبل ، دانش آموز آن چه را که از حفظ کرده است را در برگه ای نوشته و به معلم می دهد) همچنین برای تاکید بیشتر ، می توان از دانش آموز خواست تا همه ی شعر ها و ضرب المثل هایی که قرار است از حفظ کند ، در برگه ای نوشته و همیشه و همه جا همراه خود داشته باشد و هر گاه وقت فراغت و بیکاری پیدا کرد ، آن را مرور کرده و

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

بخواند . در ضمن این فعالیت مورد تایید معلمان بازنشسته و با سابقه ی آموزش و پرورش نیز می باشد .

و خلاصه این که:

علم و اشکال حساب اندر پناه حفظ او

ایمن و روشن بماند از بند نسیان و خطا

سنایی غزنوی

ح: آشنایی و بازی با حروف الفبای فارسی

** مطلب زیر در کتاب «مجموعه برگزیده اولین فراخوان در جست و جوی فعالیت های خارج از کلاس...» جلد ۴ تابستان ۱۳۸۲ صفحه ۱۶۲ چاپ شده است.

برای آشنایی با حروف الفبای فارسی ، خوب است که در همان جلسه های اول سال تحصیلی، ۳۲ حرف الفبا را به شرح زیر روی تابلو بنویسیم تا هم مروری باشد برای دانش آموزان و هم آشنایی بین اسم، صدا و شکل الفبای فارسی. اما حروف الفبا:

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

اسم ۳۲ حرف الفبای فارسی

الف - ب - پ - ت - ث - جیم - چ - ح - خ - دال - ذال - ر - ز -
ژ - سین - شین - صاد - ضاد - طا - ظا - عین - غین - ف - قاف - کاف -
گاف - لام - میم - نون - واو - ه - ی

برای یادگیری بهتر حروف الفبا می توانیم از دانش آموزان به صورت گروهی بخواهیم که به طور مثال ابتدا حروف نقطه دار الفبا را مشخص کنند و سپس برای هر حرف ۵ واژه بیابند. یا گروه حرف های دندانه دار را جدا کرده و پنج کلمه با هر حرف بنویسند یا حرف هایی که صدای واحد دارند. (واج ها) و...

خ: گنجینه لغات:

*** مطلب زیر در کتاب «مجموعه برگزیده اولین فراخوان در جست و جوی فعالیت های خارج از کلاس...» جلد ۴ تابستان ۱۳۸۲ صفحه ۱۶۳ چاپ شده است.

هدف طرح: ۱- افزایش گنجینه ی لغت دانش آموزان ۲- تشویق دانش آموزان به مطالعه ی کتاب های غیر درسی ۳- ترغیب دانش آموزان به سوال کردن از آن چه که نمی دانند. ۴- علاقه مند کردن آنان به جمع آوری

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

نوشته های خوب و مفید ۵- به روز آوری اطلاعات دانش آموزان

شیوه ی اجرا:



برای اجرای این طرح ، از یکی از دانش آموزان کلاس می خواهیم که صندوقچه ای کوچک (کارتن کوچک خرما) که با کاغذ کادو پوشیده شده ، درست کند و در گوشه ای از کلاس نصب کند . سپس ما از دانش آموزان می خواهیم که از امروز تا جلسه ی آینده ، هنگام مطالعه ی کتاب های غیر درسی و درسی ، اگر به واژه ای سخت برخورد کردند و یا جمله یا شعر زیبایی ، توجه شان را به خود جلب کرد ، آن را همراه با اسم خود در برگه ای نوشته و داخل این گنجینه بیندازند و معلم هر هفته ، زنگ املا ، درب این صندوقچه را باز می کند و آن مطالب خوبی را که دانش آموزان در آن انداخته اند را در تابلوی کلاس نوشته تا دیگر دانش آموزان نیز آن مطالب را در دفترشان نوشته و یاد بگیرند .

برای تشویق دانش آموزان به شرکت در این طرح ، می توان برای هر شرکت کننده نمره ای در نظر گرفت و یا اقدام به قرعه کشی در بین شرکت کنندگان در طرح گنجینه لغات نمود و به یکی دو نفر ، نمره و یا هدیه ای به رسم یاد بود ، اهدا کرد .

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

د: مصاحبه با بزرگان:

*** مطلب زیر در کتاب «مجموعه برگزیده اولین فراخوان در جست و جوی فعالیت های خارج از کلاس...» جلد ۴ تابستان ۱۳۸۲ صفحه ۱۷۸ چاپ شده است.

شیوه ی طراحی و اجرای فعالیت مکمل و فوق برنامه ی « مصاحبه با بزرگان و ثبت تجربه های آنان »

برای اجرای این فعالیتِ فوق برنامه ، از دانش آموزانی که تمایل به اجرای آن را دارند، می خواهیم که تعدادی سوال را بر روی برگه نوشته ، از پدر بزرگ یا مادر بزرگ خود (اگر در قید حیات هستند) و یا دیگر بزرگان بپرسند .

البته با دستگاه ضبط صوت یا فیلم برداری این کار به خوبی انجام می شود و ضروری به نظر می رسد و برای همیشه ماندگار خواهد شد. همچنین کسانی که این امکانات را ندارند ، می توانند سوال ها و جواب ها را در برگه ای بنویسند و به عنوان فعالیت فوق برنامه به معلم تحویل دهند . و حتما یک نسخه را برای خود نگهداری نمایند .

ازجمله سوال هایی که خوب است دانش آموزان در مصاحبه ی خود از

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

آن استفاده کنند ، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- خود را به طور کامل معرفی کنید.

۲- شغل شما چه بوده و یا هست؟

۳- چند خاطره ی خوب از دوران نوجوانی و جوانی خود ذکر کنید .

۴- اگر شما اکنون جوان می بودید و تجربه ی این سال هایی که

گذشته است را می داشتید ، چه می کردید؟

۵- خوب است که دوران نوجوانی و جوانی را چگونه بگذرانیم تا در

پیری پشیمان نشویم؟

۶- شما چه توصیه ای به همکاران خود دارید؟

۷- شما رمز موفقیت در کار و زندگی را در چه می دانید؟ توضیح دهید.

۸- به عنوان آخرین سوال هرگونه حرف یا نکته ی نگفته ا ی دارید

بیان فرمایید.

از جمله اهدافی که برای اجرای این طرح می توان پیش بینی کرد ،

می توان به موارد زیر اشاره کرد :

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

۱- ارزش نهادن به والدین و تکریم آن ها ۲- کسب تجربه های ارزنده ی بزرگان و سالخوردگان ۳- ضبط تجربه ها و افکار و یادگار از کسانی که امروز هستند و شاید که فردا نباشند ۴- پیوند دو نسل قدیم و جدید برای زندگی بهتر .

ذ: واگذاری کلاس به دانش آموزان:

*** مطلب زیر در کتاب «مجموعه برگزیده دومین فراخوان در جست و جوی فعالیت های خارج از کلاس» جلد اول بهمن ۱۳۸۳ صفحه ۲۱۹ و ۲۲۰ چاپ شده است.

هدف فعالیت : ۱- ایجاد ارتباط بیشتر بین معلم و دانش آموز ۲- احساس مسوولیت پذیری و مسوولیت در دانش آموزان ۳- رفع یکنواختی و روزمرگی ۴- درک مشکلات و سختی هایی که معلم برای دانش آموز می کشد . ۵- دیدن رفتار خود (معلم) در عملکرد دانش آموز ۶- تشخیص دانش آموزان آینده ساز با توجه به استعداد و علاقه مندی .

شرح فعالیت :

برای اجرای این فعالیت ، ابتدا دانش آموزانی که علاقه ی

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

خاص به شغل معلمی دارند ، انتخاب می شوند. سپس ماده ی درسی ، عنوان درس ، تاریخ کلاس و مدت زمانی که برای اداره ی کلاس در اختیارشان قرار خواهد گرفت ، به دانش آموز ابلاغ می شود و از دانش آموز خواسته می شود تا با مطالعه و تحقیق ، اقدام به تهیه ی طرح درس نماید و با آمادگی کامل ، کلاس را اداره کند.

خوب است که معلم علاوه بر این که به طور ضمنی اوضاع کلاس را نظارت و کنترل می کند ، دفتر نمره را نیز در اختیار دانش آموز یا دانش آموزانی که عهده دار اجرای این مهم است ، قرار دهد و به نحوه ی برخورد شبه معلمان با دانش آموزان توجه کامل داشته باشد و گوشه ای از رفتارها و کردارهای خود را در ایشان ببیند.

به طور مثال وقتی که اداره ی کلاس املا را به دو دانش آموز علاقه مند می سپاریم ، آن دو می بایست که خود متن املا را طرح و بیان کنند ، دفتر ها را جمع کرده ، تصحیح کنند ، نمرات را ثبت دفتر نمره نموده ، پاکنویس های قبلی را بررسی کنند ، با تعریف داستان در زمان تصحیح املاها ، دانش آموزان را ساکت و کلاس را به خوبی اداره نمایند و... که به هنر و سلیقه ی خوب شما بستگی دارد.

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

حکیم عمر خیام چه نیک گفته است که :

یک چند به کودکی به استاد شدیم

یک چند به استادی خود شاد شدیم

پایان سخن شنو که ما را چه رسید

از خاک برآمدیم و بر باد شدیم .

ر: یادداشت همراه کتاب

برای اجرای این طرح از دانش آموزان می خواهیم که یک برگ کاغذ سفید به ابعاد ۹×۱۳ سانتی متر آماده کرده و آن را در اولین صفحه ی کتاب درسی خود چسبانده و تکلیف ها و تمریناتی را که معلّم می گوید و قرار است دانش آموز آن ها را در دفتر بنویسد، یا امتحان دهد و... در آن برگه یادداشت کرده تا هم فراموش نکند و هم موجب بی نظمی نگردد. خوب است که معلّم در همان جلسه های اول سال ، این طرح را اجرا کند و از دانش آموزان بخواهد که آن را برای سایر کتاب هایشان نیز اجرا کنند. از مزایای اجرای این طرح آن است که:

۱- دانش آموز یا والدین وی به محض باز کردن کتاب از تکالیف و تمرین هایی که قرار است دانش آموز انجام دهد آگاه می گردند .

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

۲- کتاب های درسی کمتر توسط دانش آموز مخدوش و خط خط می گردد .

۳- دانش آموز دیگر نمی تواند به بهانه های مختلف از مسئولیت انجام تکلیف و تمرین سرباز زند و بهانه بیاورد که چون تمرین ها را علامت نزده ، ننوشته و یا برای امتحان آمادگی ندارد .

ز: پیشنهاد دعای افطار

به طور کلی در درگاه خداوند ، همیشه و همه جا باز است . اما از بهترین زمان ها برای استجابت دعا ، یکی موقع سحر و دیگری موقع افطار است . خوب است که شخص روزه دار (دانش آموز) پس از دوازده و سیزده ساعت روزه داری، دو یا سه دقیقه ی دیگر هم صبر کند و پس از شنیدن صدای الله اکبر ، ابتدا سوره ی قدر را بخواند تا سیم های ارتباطی بین بنده ی خدا و خداوند وصل گردد . سپس شروع به دعا نموده و قبل از آن که روزه ی خود را باز کند ، بگوید : ((بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَ عَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ)). حال اگر همین کارها به طور خلاصه (شبهه برکه ی پیوست) در برکه ای کوچک تنظیم شود و در اختیار دانش آموزان روزه دار قرار گیرد . بسیاری از خواسته های معقول آن ها مورد اجابت خداوند قرار خواهد گرفت و دانش آموز خیلی بهتر و راحت تر از پیش می تواند با خدای خویش ارتباط معنوی و قلبی برقرار کند .

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

ژ: انجمن فارغ التحصیلان مدارس نمونه دولتی شبانه روزی یا مدارس عادی

شرح پیشنهاد و شیوه ی اجرا:

هدف از تشکیل این انجمن ، حفظ خاطرات روزهای خوب با هم بودن است به این صورت که در مدارس نمونه دولتی شبانه روزی انجمنی تحت عنوان انجمن فارغ التحصیلان ، تشکیل شده و این انجمن هر سال یک بار با همکاری مدیریت مدرسه و هیئت مدیره ی انتخابی تشکیل مجمع عمومی می دهد و در این مجمع عمومی همه ی دانش آموزانی که از آن مدرسه فارغ التحصیل شده اند شرکت می کنند .

شاید تشکیل انجمن در سال های اول زیاد مهم به نظر نیاید اما هر سال که می گذرد بر ارزش و اعتبار آن افزوده می شود و دیدارها تازه می گردد و در همین دیدارها است که انجام کارهای خیر و نیک شکل می گیرد و دانش آموزی که از وضع مالی مناسبی برخوردار است ، سعی می کند که برای پیشرفت و آبادانی مدرسه ای که در آن درس می خوانده است ، نهایت تلاش خود را مبذول دارد .

س: « همایش سالانه ی تجلیل از بازنشستگان آموزش و پرورش »

شرح پیشنهاد و شیوه ی اجرا:

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

«تجربه ارزان به دست نمی آید» برای این که شهر و کشور ما پیشرفت کند و همیشه درجا نزده و یک راه اشتباه را همه یک به یک تجربه نکنیم، بهترین راه این است که هر سال یا هر شش ماه یک بار در هر شهر و شهرستانی ، همایشی با عنوان « تجلیل از بازنشستگان فرهنگی» برپا داریم و ضمن تجلیل از بازنشستگان و چاپ تجربه های آنان در قالب کتاب و مجله ، به آن ها بگوییم که ما هنوز معلمان خود را فراموش نکرده ایم و نمی کنیم و دوست داریم که از تجربه های ارزنده ی شما که در طول سی سال خدمت در آموزش و پرورش داشته اید؛ استفاده کنیم و بهترین راه رسیدن و رساندن به موفقیت و کمال مطلوب را بیاموزیم.

ش: « پرسش و پاسخ »

شرح پیشنهاد و شیوه ی اجرا:

« شما از هر چه که سخن بگویید و بپرسید ؛ به سوی شما جذب می شود .» یکی از راه های شناخت افراد این است که ما ببینیم که آنها از چه حرف می زنند و از چه سوال می پرسند. بر این اساس پیشنهاد می شود که هر ماه یا هر دو ماه یک بار در مدارس طرحی با عنوان «پرسش و پاسخ» اجرا گردد. به این نحو که همه ی دانش آموزان را در نماز خانه ی مدرسه گرد هم آورده و برگه هایی کوچک را در اختیار آن ها قرار دهیم . سپس از آن ها

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

بخواهیم که حداقل ۵ سوال درباره ی هر موضوعی که می خواهند بنویسند و ما فقط برخی از آن ها را که عمومی است پاسخ می دهیم. پس از اجرای این طرح خیلی راحت می توان پی به منش و تفکر دانش آموز برد و اقدام های لازم برای رفع موانع و مشکلات موجود برداشت .

ص: عنوان فعالیت «کتاب همه »

*** مطلب زیر در کتاب «مجموعه برگزیده اولین فراخوان در جست و جوی فعالیت های خارج از کلاس...» جلد ۴ تابستان ۱۳۸۲ صفحه ۱۲۶ چاپ شده است.

هدف فعالیت : ۱- ((برو خوشه چین باش سعدی صفت که گرد آوری خرمن معرفت)) ۲- جمع آوری اندیشه ها و توصیه های ناب ۳- ثبت روزهای خوش مدرسه و با هم بودن ۴- خوشه چینی معرفت ۵- آموزش مهارت های زندگی در همین سرمشق های که دیگران بیان می کنند .

شرح فعالیت :

برای اجرای این فعالیت ، معلم و دانش آموزان ، دفتری را با عنوان ((کتاب همه)) در نظر می گیرند و در ابتدای آن مقدمه و سپس اسامی دانش آموزان کلاس را یک به یک می نویسند و هر صفحه از دفتر را به یک شخص خاص اختصاص می دهند . کسی که نامش در صفحه ی مخصوص

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

به خود ثبت شده ، به محض این که دفتر کسی در اختیارش قرار گرفت ، بلافاصله شروع به نوشتن بهترین اندیشه ها و توصیه ها می کند و از آن چه که بهتر است را به دیگری می بخشد تا صاحب دفتر هر موقع که دفترش را ورق می زند ، خاطرات ، توصیه ها ، تجربه ها و شکست های دیگران یک به یک در ذهنش مرور می شود . بعد ها می توان این دفتر هارا خلاصه نمود و بهترین نکته های آن را در قالب یک کتاب چاپ نمود و یا در مجله و روزنامه ها به چاپ رساند ، تا دیگران نیز از این رهگذر دست مایه ای عایدشان شود . خوب است که صاحب دفتر در مقدمه ای که در ابتدای دفتر می نویسد ، بر این نکته تاکید کند که دوستانش سعی کنند که بهترین تجربه ها و سخنان را در دفترش بنویسند و خود وی نیز چنین باشد ، یعنی این که وقتی دوستی ، دفترش را در اختیار وی گذاشت ، سعی کند از سخنان پیامبران ، امامان ، بزرگان و حکما بیشترین استفاده را ببرد تا دوستش را فردا به کار آید .

این طرح بیشتر از جانب دانش آموزانی استقبال می شود که دوست دارند روز های خوش مدرسه و با هم بودن را برای همیشه ماندگار کنند . دقیقاً همان کاری که برخی از سربازها در دوره ی سربازی انجام می دهند و دفتری با نام ((دفتر خاطرات سربازی)) دارند که در آن آدرس و مشخصات دوستانشان ثبت شده است و در مواقع ضروری به آن مراجعه می کنند .

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

ض: عنوان فعالیت : ((جدول ادبی کلمات متقاطع))

هدف فعالیت : ۱- ((نویسنده ی خوب آن است که برای هر کلمه ، حد اقل سه مترادف بداند.)) ۲- مطالعه ی فرهنگ لغت ها برای تکمیل جدول ۳- به مسابقه گذاشتن پاسخ جدول ۴- تقویت قوه ی مترادف یابی دانش آموز ۵- آشنایی با گزینش اطلاعات از منابع مختلف ۶- طبقه بندی موضوع ها و سوال های یافت شده و...

شرح فعالیت :

در این فعالیت خارج از کلاس از دانش آموزان می خواهیم که اقدام به تهیه ی یک جدول کلمات متقاطع ، با موضوع ادبیات فارسی نمایند . (ترجیحا " کتاب های فارسی دوره ی راهنمایی)

این جدول از ده خانه ی افقی و ده خانه ی عمودی تشکیل می شود و داخل خانه های آن با موضوع هایی در باره ی ((ادبیات فارسی ، دستور ، املا، نگارش و...)) پر می شود و برای آن رمزی نیز در نظر گرفته می شود . سپس طراحان جدول آن را در اختیار گروهی قرار می دهند که می خواهند نشریه ی دیواری تهیه کنند و رمز جدول را که عبارتی آموزنده یا نام شاعر یا نویسنده ای است را به مسابقه بگذارند و در بین پاسخ های درست قرعه کشی نمایند و...

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

لازم است که دانش آموزان برای تهیه ی جدول ، حداقل پنج جدول دیگر را مطالعه و حل کنند تا با اصول تهیه ی جدول آشنا شوند . همچنین چندین فرهنگنامه و ده ها صفحه ی کتاب فارسی را مطالعه کنند تا بتوانند به سوال و جوابی که مورد نظرشان است ، دست یابند . در ضمن دانش آموز یا دانش آموزانی که در این فن مهارت پیدا می کنند ، می توانند راه درآمدی برای خود کسب کنند . به این صورت که با مجله یا روزنامه ای قرار داد بسته تا ضمن چاپ جدول ، مبلغی را به عنوان حق الزحمه دریافت دارند .
نظامی در خسرو و شیرین گوید:

همه زیچ فلک ، جدول به جدول

به اصطربلاب حکمت کرده ام حل.

فصل پنجم / فعالیت های خارج از کلاس برای دانش آموزان

ب

فصل ششم

بیان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

چند خاطره از سال ها تدریس:

عنوان خاطره: این گونه هم می شود دانش آموزان را تنبیه کرد؟! *

یکی از روز های بهمن ماه سال ۱۳۸۰ ، پس از چند جلسه ، انشای دانش آموزان کلاس سوم مدرسه ی راهنمایی هفتم تیر فرهاد گرد (از شهرستان فریمان ، استان خراسان) را به طور اتفاقی ، نگاه کردم. از یک کلاس ۳۰ نفره ، ۱۸ نفر انشا ننوشته بودند ، برای من که فکر می کردم کارم را خوب انجام می دهم ، دیدن این وضعیّت ناراحت کننده بود. بلافاصله نماینده ی کلاس را به مدرسه فرستادم تا وسیله ای را برای تنبیه بدنی دانش آموزان بیاورد. اکثر دانش آموزانی که از میز بیرون بودند ، به التماس افتادند که آن ها را ببخشم و کتک نزّم. اصلاً باورشان نمی شد که آقای علامه با این اخلاق و رفتاری که دارد ، آن ها را کتک بزند .

نماینده ی کلاس کابل ضخیمی را آورد . با توافق خود دانش آموزان قرار شد که هر نفر چهار شلاق نوش جان کند تا یادشان نرود که از این پس انشاهایشان را حتماً بنویسند....

...آستین پیراهنم را بالا کشیدم و چهار ضربه ی بسیار محکم به کف دست خودم زدم ، بچه ها باورشان نمی شد که چه شده است . پرسیدند :
« آقا چرا خودتان را می زنید بیایید ما را بزنید .» این حرف را همان هایی

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

می گفتند که می خواستم آن ها را ببخشم . در پاسخ پرسش آن ها گفتم که : « این شما نیستید که باید تنبیه شوید ، بلکه من باید تنبیه شوم که به شما خوب درس نداده ام و از شما خوب تمرین و تکلیف نخواستہ ام . » چهار نفر از دانش آموزان که قد و قواره ی بزرگتری نسبت به دیگران داشتند و با معرفت هم بودند ، می گفتند : « تا ما را نزنید ، سر جایمان نمی نشینیم . »

برای دانش آموزان این رفتار من خیلی آموزنده بود، اما همه آن ها قول دادند که از آن پس تکلیف شان را خوب و منظم بنویسند و درس هایشان را هم خوب بخوانند . از آن به بعد که انشا را نگاه کردم ، همه ی آن ها تمام تکالیفشان را خوب و دقیق انجام می دادند . به طور پنهانی نظر برخی از دانش آموزان را در مورد آن کار پرسیدم. گفتند که : « ما خیلی خجالت کشیدیم . کاشکی که انشا هایمان را نوشته بودیم و آن کار شما را نمی دیدیم . »

(لازم به ذکر است که رابطه ی عاطفی من با دانش آموزانم خیلی خوب است .)

امیدواریم که خداوند هم ما را در راه خدمت بیشتر و بهتر به جامعه یاری کند .

*- این خاطره در کتاب خاطرات معلمان ... چاپ شده است.

عنوان خاطره: هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود

در کتاب فارسی کلاس اول راهنمایی ، درس دوم ، صفحه ی سوم ، آمده است که ((... پیامبر هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود.))

وقتی که به این درس و این جمله می رسم از دانش آموزان می خواهم تا زیر این جمله خط کشیده ، قلم هایشان را بگذارند و به حرف های من گوش کنند تا درباره ی این جمله توضیح بدهم.

همان طور که پیامبر گرامی اسلام فرموده است : ((کسی که دشنام می دهد زبانش و دهانش آلوده می شود.)) بدون شک کسی هم که دشنام نمی دهد ، دهانش هم آلوده نمی شود . این مطلب را خود دانش آموزان هم تایید می کردند و قبول داشتند . به این صورت که به دانش آموزان گفتم که : ((کسانی که در خانه ، هنگام خوردن غذا ، از قاشق یا بشقاب خواهر یا برادرشان استفاده می کنند ، دست بلند کنند.)) از یک کلاس سی نفره فقط ده نفر دست بلند کردند . از آن ها پرسیدم که : ((آیا شما در منزل ، خواهر یا برادر خود را فحش می دهید یا نا سزا می گوئید؟)) گفتند : نه . همین سؤال را از گروه دوم پرسیدم ، کسانی که در خانه به خواهر یا برادرشان فحش می دهند یا نا سزا می گویند ، آن ها گفتند : ((ما از دهان یک دیگر و قاشق یا ظرف یک دیگر نمی خوریم...)) پرسیدم : چرا؟ گفتند : چون که نجس است . از همین جا پی به یکی از هزاران ویژگی پیامبر اکرم (ص) می بریم که :

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

((ایشان هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود.)) پس ما هم چنین باشیم .

عنوان خاطره: ((جان و مال خود را به خدا بسپارید و بس))

«بسم الله الرحمن الرحيم ، لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم .»

صبح یکی از روزهای دوشنبه، بهمن ماه سال ۱۳۸۰ ، چون که کمی مدرسه ام دیر شده بود با دوچرخه بیرون آمدم و قرار بود که طبق هفته های گذشته ، برای تدریس به شهر قلندرآباد بروم . با دوچرخه تا ایستگاه سواری ها آمدم . مغازه ی یخچال فروشی بزرگی در همان نزدیکی بود و یکی از یخچال های ویترونی خود را بیرون از مغازه گذاشته بود .

من برای این که مزاحم رفت و آمدکسی نشوم ، دوچرخه ام را در فاصله ی ۵۰ سانتی متری بین یخچال و حاشیه ی جدول گذاشتم . قفل ساده ای هم کردم ، سوره ی قدر را خواندم و بلافاصله سوار ماشینی شدم تا زودتر به کلاس درسم برسم . ظهر همان روز از ساعت ۱ تا ۲/۳۰ در بخشداری قلندرآباد جلسه داشتیم . بعد از این که جلسه ی بررسی موانع و مسائل رشد و توسعه ی قلندرآباد به پایان رسید ، با ماشین بخشداری به فریمان آمدم . از آن جا که دیر وقت بود و گرسنه هم شده بودم و خانه مان نیز سر راه بود ، قبل از رسیدن به ایستگاه ، از ماشین پیاده شدم و به خانه رفتم. از دوچرخه هم فراموش کرده بودم . به محض این که درب حیاط را

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

باز کردم دیدم که دوچرخه ام نیست . یادم آمد که صبح با دوچرخه بیرون رفته ام و دوچرخه را در ایستگاه ، کنار یخچال گذاشته ام .

حال و حوصله ای را که این وقت روز پیاده به ایستگاه بروم ، نداشتم . با خود گفتم : « باشد عصر که از خانه بیرون آمدم ، می روم و دوچرخه ام را می آورم. » ساعت ۵ بعد از ظهر ، یعنی پس از غروب آفتاب از خانه بیرون رفتم تا هم کارهایم را انجام دهم و هم دوچرخه ام را بیاورم. اما حیف و صد حیف که اثری از دوچرخه نبود . از یخچال فروشی و مغازه ی چراغ سازی که در آن نزدیکی بودند ، سؤال کردم اما متأسفانه آن ها خبری از دوچرخه ی من نداشتند . موضوع را با دوستان و آشنایان ، کلید سازی ها ، دوچرخه ساز ها و ... در میان گذاشتم . دو روز بعد هم به نیروی انتظامی رفتم و شرح ماوقع را گفتم . آن ها گفتند: « امروز سرمان شلوغ است ، هفته ی بعد بیایید تا ببینیم چه کاری می توانیم برای شما بکنیم. »

شب همان روز ، یعنی شب پنج شنبه به خانه ی پدر خانمم رفتیم و شام را آن جا بودیم . پدر خانمم که مردی مومن است از من پرسید : « میگن که دوچرخه ی شما را دزد برده؟ » گفتم : « مثلاً ». پرسیدند : « مگر به کسی نسپرده بودی؟ » گفتم : « چرا. » گفتند : « به کی؟ » گفتم : « به خدا. » ایشان در پاسخ من ، سخن بسیار جالبی را بیان کردند که هرگز این جمله را فراموش نمی کنم. ، گفتند که : « اگر دوچرخه ات را به خدا سپرده ای ،

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

حتماً پیدا می شود. «دلم گواهی می داد که دوچرخه ام پیدا می شود اما کی و کجا، نمی دانم. در ضمن همسرم نیز مبلغ هزار تومان نذر کرده بودند که به «تکیه ی زینبیه» بدهند. خودم هم نذر کردم که ده مرتبه سوره ی قدر و آیه الکرسی را بخوانم تا دوچرخه ام پیدا شود.

... صبح روز دوشنبه، یعنی یک هفته بعد، پای پیاده از خانه بیرون آمدم و به همان مکانی که هفته ی پیش دوچرخه ام را گذاشته بودم، رسیدم. نگاهی از سر حسرت به آن یخچال ویترونی و آن جایی که دوچرخه ام را گذاشته بودم، انداختم. هنوز چند قدمی از آن جا دور نشده بودم که صاحب یخچال فروشی، جناب آقای مرا صدا کرد.

از من پرسید: «دوچرخه ات را پیدا کردی؟» گفتم: «نه». گفت که: «توی مغازه ی این همسایه ی ما یک دوچرخه است، بیا ببین که مال شما نیست؟» وقتی که وارد مغازه ی چراغ سازی شدم، دیدم که ای داد بیداد دوچرخه ی من این جا است و من در به در دنبال آن می گردم. خوشحال شدم و جریان را از ایشان (چراغ ساز که مردی میانسال بودند) پرسیدم، گفت: «بعد از ظهر روز دوشنبه ی هفته ی پیش که مغازه ام بسته بوده، یکی از آشنایان ما که با ماشین وانت بوده، از این جا می گذشته است، دیده است که مغازه ی من بسته و دوچرخه ام هم بیرون از مغازه است. برای این که با من شوخی کرده باشد، آن را پشت ماشین می گذارد و به خانه اش

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

می برد . پس از سه روز و سه شب ، با من تماس می گیرد و می گوید: « شما چقدر بی خیال هستید . انگار نه انگار که دوچرخه تان را کسی برده است. » و من در پاسخ وی گفتم که: « چه کسی گفته دوچرخه ی مرا دزد برده؟ دوچرخه ی من سر جایش است و همین امروز هم با آن به خانه آمدم . » او گفت: « پس این دوچرخه ای را که من از جلوی مغازه ی شما برده ام ؟ از شما نبوده است؟ » گفتم: « نه؛ هر چه زود تر آن دوچرخه را بیاور و سر جایش بگذار . حتماً صاحب آن در به در به دنبال آن می گردد ... » و از حدود سه روز پیش این دوچرخه در مغازه ی من است تا شاید صاحبش پیدا شود . حالا هم خدا را شکر که صاحب آن پیدا شد . « از ایشان تشکری کردم و دوچرخه ام را برداشتم و به خانه ی پدر خانمم که در همان نزدیکی بود بردم و سپس به مدرسه رفتم .

با این اتفاق ساده خیلی چیز ها را فهمیدم . فهمیدم که اگر مال انسان از راه حلال کسب شده باشد ، نه آن را دزد می برد ، نه آتش می گیرد و نه از بین می رود . اما امان از مال حرام . و از همه مهمتر این که برایم ثابت شد که می توانیم با خواندن سوره ی قدر و آیه الکرسی ، جان و مال خود را به خدا بسپاریم و خودمان را بیمه کنیم . بیمه ای که شکی در آن نیست و عادت کنیم که هر موقع هم که خواستیم از خانه بیرون بیاییم بگوییم:

« بسم الله الرحمن الرحيم ، لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم »

و یاد خدا در قلبمان باشد و بر زبانمان جاری .

عنوان خاطره : فروتنی را از شهید مطهری آموختم.

در یکی از آثار شهید مطری خوانده بودم که: «بالاترین درجه ی علم فروتنی است.» و همین جمله درس بزرگی را به من داد که موجب شد با رفتار و کردارم به دانش آموزانم درس فروتنی و صبر را یادآوری کنم. حال قضاوت با شماست.

دبیرستان شهید بهشتی فریمان با قدمت بیش از هفتاد سال یکی از دبیرستان های معروف شهرستان فریمان است که در دهه ی اول و دوم سال ۱۳۰۰ توسط آلمان ها ساخته شد. و خود من نیز یکی از فارغ التحصیلان همین دبیرستان هستم. سال ۱۳۸۵ بود و ۱۲ سال از سابقه تدریس و معلم بودنم می گذشت. دبیرستان شهید بهشتی فریمان با دانش آموزان متفاوتی که داشت شهره ی عام و خاص بود. به طوری که تعداد دانش آموزان آن گاهی بیش از حدِ امکانات و فضای آموزشی بود و مدیران مدرسه برای کنترل و نظارت بیشتر بر کار دانش آموزان از روش های مختلفی استفاده می کردند به طور مثال به چیدمان کلاس ها توجه بیشتر داشتند و دانش آموزان سال اول را که زرنگ تر بودند در یک کلاس و دانش آموزان متوسط را در چند کلاس و دانش آموزانی را که از نظر درسی ضعیف تر بودند و مجبور بودند سال اول دبیرستان را دوباره بگذرانند در یک کلاس جمع کرده بودند.

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

جمع شدن ۲۱ دانش آموز مردود شده با سن های زیاد و اندام های درشت کار خیلی جالبی به نظر می آمد اما برخی از دبیرانی که به این کلاس می رفتند به نوعی انرژی و تلقین منفی به این دانش آموزان وارد می کردند و می گفتند که شما... هستید و اما من بیشتر سر سازگاری با آن ها داشتم و سعی می کردم که به حرف دلشان گوش کنم و مهارت های زندگی را در کنار درس به آن ها بیاموزم.

هفته بزرگداشت مقام معلم شروع شده بود و سه روز از آن می گذشت.

زنگ دوم صبح با کلاس ۱۱۷ ادبیات فارسی داشتم. زنگ تفریح خورده بود و بچه ها به کلاس رفته بودند اما هنوز برخی در راهروها و جلوی درب کلاس ها ایستاده بودند. کلاس ۱۱۷ تا دفتر فاصله ی کمی داشت به طوری که گاهی سر و صدا و بی نظمی شان گوش فلک را کر می کرد. طبق عادت همیشگی ام چند دقیقه بعد از زنگ تفریح از مدرسه خارج می شدم و زودتر از سایر دبیران به کلاس می رفتم...

در چهارچوب یک متری درب قرار گرفتم که یکی از دانش آموزان جلوی من قرار گرفته بود دست راستش را جلو آورد و به من دست داد و گفت: «آقا هفته ی معلم مبارک باشد.» من که خیلی تمایل نداشتم که با وی روبوسی کنم اما گویا او چنین تصمیمی داشت. دستم را به گرمی فشرد و صورتش را جلو آورد ابتدا صورتش را به سمت راست صورتم زد و بعد به

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

سمت چپ. وقتی که صورتش را به سمت چپ صورتم زد گرمی خاصی را روی گردنم احساس کردم. دستم را که به گردنم زدم

مایع بی رنگ و لزج مانند و خیزی را احساس کردم....

یک سوال: اگر شما در آن لحظه جای من بودید چه می کردید؟

... هنوز وارد کلاس نشده بودم از همان چهارچوب درب برگشتم و به دفتر مدرسه رفتم. از مدیریت مدرسه مرخصی ۱۵ دقیقه ای خواستم و بلافاصله با یک تاکسی تلفنی تماس گرفتم به منزل آمدم و لباسم را عوض کردم و سر و صورتم را شستم و با همان آژانس به مدرسه بازگشتم. از مدیریت خواستم که امروز این دانش آموز محترم به کلاس من نیاید. به کلاس رفتم و همچون گذشته با قرائت قرآن توسط یک دانش آموز درس را شروع کردم و به خاطر تاخیر ورودم به کلاس از دانش آموزان عذر خواهی کردم. آن روز که گذشت ...

اما دو روز بعد که به مدرسه رفتم آدرس منزل آن دانش آموز را از مدیر مدرسه گرفتم و عصر که به منزل آمدم شروع کردم به نوشتن نامه ای برای آن دانش آموز و چنین شروع کردم:

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

یک هفته از این ماجرا گذشت و آخرین جلسه ی کلاس ادبیات در این سال تحصیلی بود. آن دانش آموز آخرین جلسه را به کلاس آمد و جلوی همه ی دانش آموزان از من عذر خواهی کرد و خم شد که دست مرا ببوسد. اما اجازه ندادم که چنین کاری کند. خیلی محترمانه و دوستانه از ایشان خواستم تا در جایش بنشینند و درس را گوش کند. در آن جلسه ی آخر به همه ی دانش آموزان کلاس گفتم که: «اگر هر کدام از شما پشت سر من غیبت یا بدگویی کرده اید، یا روی من اسم گذاشته اید، یا هرگونه بدی در حق من کرده اید، من همه ی شما را می بخشم و از هیچ کدامتان کینه ای به دل نمی گیرم و نمره ای هم از شما کم نخواهم کرد. اما یک خواهش از همه ی شما دانش آموزان عزیز داشته و دارم و آن این که: «شما مرا نبخشید و سر پل صراط هم جلوی مرا بگیرید؛ چرا که نتوانستم آن طور که باید و شاید معلم خوبی برای شما باشم.»

در هر حال همه ی شما خوبان را به خدای بزرگ می سپارم.

نتیجه این که با آرزوی ایرانی سربلند و سرافراز

خاطره ی شاگرد اول کلاس که از درس فارسی تجدید شد.

ماجرا از آنجایی آغاز می شود که در سال تحصیلی (۸۱-۸۲) دانش آموز کوشا

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

ی پایه دوم راهنمایی که در طول سال تحصیلی از هیچ تلاشی برای به دست آمدن جایگاه یک شاگرد ممتاز فروگذار نکرده بود و در همه دروس مثل درس ریاضی آقای لاجوردی، عربی و دینی آقای قیامی، زبان انگلیسی و همچنین درس فارسی آقای حمید علامه تلاش کرده بود تا بهترین باشد، به خصوص درس ادبیات فارسی که به واسطه روش مناسب تدریس و رابطه دوستانه معلم در کلاس و خارج کلاس همواره برای دانش آموز کوشای این داستان تداعی کننده انرژی مثبت و انگیزه بیشتر هنگام درس خواندن بوده است، زمان امتحانات نوبت اول بود که معلم ادبیات از دانش آموزان خواست تا سوره قدر و آیه الكرسی را از حفظ کنند و برای او بخوانند زیرا نمره های اصلی درس ادبیات فارسی از ۲۰ نمره محاسبه می شد و این دو نمره ارفاقی بود ولی حفظ آن برای دانش آموزان ممتاز اجباری بود. در آغاز کمی برایم دشوار بود که بخواهیم سوره های قرآن را به زبان عربی در کنار درس ادبیات فارسی حفظ کنیم اما بعد از کمی تأمل در این باره دریافتم که امید به شاگرد ممتاز شدن و انگیزه برای برتری در بین شاگردان کلاس، تصمیم به حفظ آیه الكرسی گرفتم. این آیات تأثیرشگرفی بر روح من گذاشت به طوری که تا به امروز و با گذشت سال های متمادی از آن روزها، همیشه قبل از شروع هر کتاب یا هر آزمونی، این آیات را زیر لب زمزمه می کنم و تأثیر آن را بر زندگی ام می بینم این خاطره یکی از ماندگارترین درس های مهم و تأثیرگذاری بود که من از معلم ادبیات خود آموختم:

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

اما اصل موضوع : پایان سال تحصیلی بود و همه دانش آموزان برای گرفتن کارنامه شان به مدرسه می رفتند، آنهایی که در مدرسه به زرنگی و پرتلاشی شناخته شده بودند و نمره های خوبی گرفته بودند ، کارنامه شان را بدون نیاز به حضور والدین از مدیر مدرسه می گرفتند و آنهایی هم که نسبت به بقیه (گروه اول) در درس ضعیف تر بودند به همراه والدین خود به مدرسه مراجعه می کردند، من هم آن روز مثل گروه اول ، با اعتماد به نفس کامل و اطمینان از شاگردان اول بودنم به سمت دفتر رفتم تا خوشحالی ام را کامل کنم و به خانه برگردم. اما زمانی که کارنامه را در دستانم گرفتم، نمره نه و هفتاد و پنج صدم (۹/۷۵) درس فارسی توجه مرا به خودش جلب کرد ، باورم نمی شد که این نمره حاصل آن همه تلاش من باشد آن هم درسی که همیشه با اشتیاق فراوان به سراغش می رفتم و لحظه ای هم فکر نمی کردم که در آن درس تجدید شده باشم. برایم بسیار سخت و غیره منتظره بود زیرا مطمئن بودم که نمره من بیست (۲۰) است و خداوند هیچ گاه تلاش بنده اش را بی پاسخ نمی گذارد و همواره به او کمک می کند. فکرم حسابی مشغول بود و افکار منفی مختلفی را در ذهنم می پروراندم. مثل اشتباه شدن برگه های امتحانی که آن روزها به خاطر شلوغی کلاس ها و چند نوبت درس دادن معلمان ، دور از انتظار نبود و یا افکاری کودکانه مثل قصد و غرض داشتن معلم از منظور کردن این نمره و هزار جور فکر دیگر... به خودم که آمدم دیدم جلوی درب خانه مان هستم. فکر این که چگونه این خبر را

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

به پدر و مادرم بدهم آرام می داد، بغض گلویم را گرفته بود تا داخل خانه رسیدم بغضم شکست زدم زیر گریه ، حق حق کنان به سمت اتاقم رفتم با این فکر که یک سال تلاشم با این نمره ۹/۷۵ زیر سوال رفت .

کمی بعد مادرم به اتاقم آمد و با دیدن چهره غمگین و گریان من حالم را جویا شد. وقتی موضوع را با او در میان گذاشتم و با دیدن نمره (۹/۷۵) در درس ادبیات به فکر فرو رفت ، مرا درآغوش گرفت و گفت : «خداوند همیشه همراه تو است و شاهد تلاش های تو بوده است و تا لحظه شکست به خدا ایمان داشته باش. خدا می دید که آن لحظه هرگز نخواهد رسید.»

فردای آن روز به همراه مادرم به مدرسه رفتیم ، معلم ادبیات ، آقای علامه به همراه معاون مدرسه در دفتر معلمان مشغول صحبت بودند، آقای علامه تا چهره غمگین مرا دید با همان لبخند همیشگی و محبت و فروتنی خاص خودش به سمت ما آمد و دلیل حال مرا جویا شد و مادرم با نشان دادن کارنامه ماجرا را برای ایشان تعریف کرد و معلم ادبیات هم به ما قول داد تا برگه های امتحانی را دوباره بررسی کند و نتیجه را اطلاع دهد با شنیدن این حرف آرام شدم و به خانه برگشتم .

صبح روز بعد درست در دومین روز تابستان آقای علامه با تلفن منزل ما تماس گرفتند و به مادرم گفتند که نمره من نوزده و نیم بوده است و به دلیل بی دقتی در ثبت نمره به جای این که نمره را با ضریب ۲ یعنی ۳۹/۵

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

در ژوری ثبت کند با ضریب یک ثبت کرده بودند و نمره ۱۹ و نیم شده بود: ۹/۷۵ و خلاصه این که دیگر راه جبرانی برای اصلاح نمره ی ثبت شده نبود. ایشان از ما عذرخواهی کردند ، مادرم لبخند زنان به سمت ما آمده و ماجرا را برای من تعریف کرد و گفت: «توکل به خدا مثل راه رفتن روی سیم شُل است. تردید و ترس باعث می شود تعادل و توازن را از دست بدهیم و افکار منفی مختلف به سراغت بیایند.»

سرانجام در شهریور ماه همان سال با حضور در جلسه امتحان به نمره ای که ماه های برای به دست آوردنش تلاش کرده بودم رسیدم و خدا را شکر کردم و پی به این موضوع بردم که «در زندگی نباید زود قضاوت کنیم.»

بااحترام

احسان نیازی

«دارویی برای درمان تمام دردها» برگ زندگی شماره : ۹۴۹

— لقمان حکیم گفت: من سال های زیادی است که مردم را مداوا می کنم و به این نتیجه رسیدم که دارویی بهتر از مُحَبَّت وجود ندارد. شخصی از او پرسید: اگر این دارو هم اثر نکرد، باز چه باید کرد؟ لقمان حکیم به صراحت تاکید کرد: «فقط مقدار دارو را باید افزایش دهید.»

ما به کَرّات آزموده ایم و نتیجه گرفته ایم. شما هم بیازمایید.

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

«مراسم گل گردون»

برای تحکیم بنیان خانواده پیشنهاد می کنیم هفته ای چندین بار در منزل و پس از صرف غذا مراسم زیبای «گل گردون» را اجرا نمایید. به این صورت که یک شاخه گل تهیه کنید. (اگر طبیعی باشد بهتر) شاخه ی گل را در سفره ی غذا قرار دهید و پس از صرف غذا ، تک تک اعضای خانواده به ترتیب سن این شاخه ی گل را در دست بگیرد و همه ی اعضای خانواده با هم و یک صدا سه بار بگویند: «..... دوستت داریم!!!» و سپس نفر بعدی و بعدی... (ممنون می شویم اگر چنین مراسمی را اجرا کردید ، عواید و عوارض آن را هم به ما اطلاع دهید.) (در ضمن گل های رُز طبیعی را می توانید در یخچال برای مدت ها نگه داری کنید.)

از محبت خارها گل می شود وز محبت سرکه ها مِل می شود
از محبت مُرده ، زنده می شود وز محبت شاه بنده می شود....

شاعر: مولوی

جلسه ی آخر :

با توجه به این که شغلم و دانش آموزان را دوست دارم در تدریس سعی می کنم که علاوه بر مطالب درسی ، تجربیات زندگی و مهارت های

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

زندگی را که برای زندگی آینده ی یک دانش آموز مهم است به روش های مختلف بیان کنم مثلاً در جلسه ی آخر به دانش آموزانم در تمام کلاس ها می گویم که:

«دانش آموزان عزیز!! هر کدام از شما که از آغاز سال تحصیلی پشت سر من غبیت کرده اید و یا بد من را گفته اید یا روی من اسم گذاشته اید، و... من همه ی شما را می بخشم و از هیچ کدام از شما کینه ای به دل نمی گیرم و به این دلیل نمره ای هم از کسی کم نمی کنم اما از همه ی شما دانش آموزان یک خواهش دارم و آن این که: «شما مرا نبخشید و سر پل صراط جلوی مرا بگیرید چون از من چیزی نیاموخته اید...» انتخاب با شما است.

پندنامه

هر کس که چرایی دارد با هر چگونه ای خواهد ساخت.

دانش آموز گرامی

سلام

به این خاطر این متن چشمان پر مهر شما را نوازش می کند که هر گاه به یاد من افتادی؛ این متن را پیدا کرده و آن چه را که گفته ام بخوانی و به آن عمل کنی. نه این که وقتی چشمت به یا دست خط من افتاد مرا یاد

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

کنی. پس بخوان و عمل کن.

به نظر من هیچ ثروتی بالاتر و ماندگار تر از علم و دانش نیست. ثروت مادی را اگر به کسی ببخشی کم می شود ، اما علم و دانش را اگر به کسی ببخشی زیاد می شود. پس همیشه در زندگی به دیگران یاد بده و یاد بگیر. یاد بده به دیگران هر چه را که می دانی و تجربه کرده ای، چه در شکست و چه در پیروزی. و یاد بگیر و بپرس از دیگران ؛ هر چه را که نمی دانی و دوست داری که بدانی.

پسر یا دختر مهربانم!

در زندگی که داری و خواهی داشت ، خدا را فراموش مکن. فروتن و متواضع باش چرا که غرور و خودخواهی تو را به زمین زده و از یاد خدا دور خواهد ساخت.

فرزند عزیزم!

سعی کن برای آینده ی خود هدف روشن ، خوب و با ارزشی انتخاب کنی که ارزش آن را داشته باشد عمر گران مایه ات را به راهش صرف کنی. مثلا اگر هدف تو رسیدن به بالاترین مدارج علمی است؛ بدان که به آن هدف می رسی. چون خواستن ؛ توانستن است و دانایی توانایی. پس بخواه تا بتوانی. اما به هر جا که رسیدی، خدمت به خدا و خلق خدا را فراموش مکن. زیرا

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

سعادت و سلامت هر دو دنیا در گروی انجام این دو عمل است.

دوست عزیز و فراموش نشدنی

پایان این سال تحصیلی ، آغازی پر امید است برای فرداهای خوب. پس از همین امروز به فکر آینده ات باش؛ چرا که امروز همان فردایی است که دیروز منتظرش بودی. بنابراین صداقت ، راستی و ایمان را سرمایه ی کار خود قرار بده که با ارزش ترین سرمایه ها است و یادمان باشد که:

سپهر بلند ار کشد زین تو سرانجام خشت است بالین تو

(فردوسی)

و همیشه بگوییم:

خدایا چنان کن سرانجام کار

تو خشنود باشی و ما رستگار (نظامی)

و خلاصه این که:

بودیم و کسی پاس نمی داشت که هستیم

باشد که نباشیم و بدانند که بودیم.

آرزومند آرزوهای خوب شما

معلم فارسی

چگونه معلّم نمونه کشوری شدم؟

هنوز چند ماهی از تولد دخترمان نگذشته بود که تصمیم جدّی گرفتم در کنار شغل معلّمی یک شغل دیگر هم برای تأمین بخشی از هزینه های زندگی برای خودم راه بیندازم. پیش از این کتاب های زیادی خوانده بودم و در کلاس ها و همایش های موفقیت، راههای کسب در آمد و ... شرکت کرده بودم تا این که در آبان ماه ۱۳۸۹ از طریق روزنامه با یک کلاس جدّید با عنوان «کارگاه پرورش نخبگان کسب و کار» در مشهد آشنا شدم و تصمیم قطعی گرفتم که در این کارگاه شرکت نموده و به تمام آنچه که در این دوره های آموزشی مطرح می شود، عمل کنم.

همین کار را هم انجام دادم و موفق شدم. استاد کلاس جناب آقای مهندس امیر فتوحی بود که در آن دوره و بعد ها نکات بسیار خوب و ارزنده ای از ایشان آموختم. این دوره ی آموزشی هفته ای یک روز (جمعه ها ۶ ساعت) برگزار می شد در جلسه ی اول به هر شرکت کننده یک کلاسور که حاوی یک DVD تصویری که با کارآفرینان بزرگ کشور مصاحبه کرده بودند، چند برگ سفید، فرم و دفتر اهداف بود و.. تقسیم شد. استاد از ما خواست که فیلم زندگی انسان های موفق و کارآفرین های بزرگ کشور را ببینیم و برای جلسه آینده، دلایل موفق شدن آن ها را روی کاغذ بنویسیم و به کلاس بیاوریم. ضمناً دفتر اهداف را

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

هم کامل کنیم و برای رفع نواقص به استاد ارایه دهیم . من هم طبق قولی که به خودم داده بودم همه ی تکالیف را مو به مو و به دقت انجام دادم . تماشای فیلم ها را تمام کردم و خلاصه ی آن چه را که آموختم در فرم ها نوشتم و به استاد فتوحی تحویل دادم .

وقتی که می خواستم دفتر اهدافم را کامل کنم ، دقیقاً برایم مثل این بود که به یک رستوران رفته ام و می خواهم آن چه را که دوست دارم ، سفارش دهم . این دفتر شامل هفت بخش با عنوان های زیر بود :

۱. اهداف حرفه ای و آینده ی شغلی

۲. اهداف زندگی خانوادگی و روابط شخصی

۳. پول ، سرمایه و دارایی ها

۴. سلامتی و تناسب اندام

۵. تحصیلات و رشد فردی

۶. فعالیت های اجتماعی و خیر خواهانه

۷. شکوفایی معنوی و آرامش درونی

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

در بخش اول که مربوط به آینده ی شغلی بود ، نوشتم : ((من حمید علامه معلّم نمونه ی کشور و یک نویسنده هستم که صادقانه و برای رضای خداوند کار می کنم . در کلاس درس با وضو وارد می شوم و برای تدریس از تکنولوژی روز برای انتقال مفاهیم و ارزش های اخلاقی و انسانی استفاده می کنم و در کنار این شغل یک بنیاد علمی و فرهنگی تأسیس نموده ام و ...))

در بخش سوم ، پول و سرمایه و دارایی ها ، نوشتم : ((دیدگاه من نسبت به پول و ثروت مثبت است . آن را از راهی حلال به دست می آورم و از آن به عنوان ابزاری برای رسیدن به سایر اهداف و برنامه هایم استفاده می کنم . هدف من از کسب پول و ثروت ، خیر رساندن ، شاد کردن و ایجاد برکت در زندگی مردم است .

فراوانی و ثروت الهی بیکران در زندگی من بی پایان است و من حالترین ، بیشترین ، راحت ترین و سریع ترین راه رسیدن به ثروت را می خواهم و مطمئن هستم که به لطف پروردگار متعال و تلاش خود و دوستانم به آن می رسم . اهداف کوتاه مدت من در سال ۱۳۹۰ تا شش ماه دیگر خرید یک دستگاه سمند سفید XL دوگانه سوز و صفر کیلومتر بود .

ناگفته نماند که در این صفحه ی هدف دفترم یک تصویر از بخش داخلی ماشین سمند که شامل فرمان ، کیلومتر شمار ، دنده و ... بود چسباندم

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

و پایین صفحه نامم را نوشتم و امضاء کردم و تاریخ روز ۱۳۸۹/۸/۲۳ را زدم و هر از چندگاهی به این دفتر و صفحه نگاه می کردم .

بهمن ماه ۱۳۸۹ بود و زنگ تفریح ، در دفتر هنرستان امام خمینی (ره) فریمان نشسته بودم. دیدم که بعضی از همکارانم فرم هایی را در دست دارند و امتیاز هایی را برای خود محاسبه می کنند یکی از معلّمان می گفت امتیاز من شد ۱۷۰ و دیگری می گفت امتیاز من شده ۱۸۰ و از یک دیگر برای این اختلاف امتیاز معلّم نمونه سوال می پرسیدند و گفت و گو می کردند ، من هم کنجکاو شدم و یک فرم خالی از مدیریت مدرسه گرفتم و با خود به کلاس بردم نگاهی به فرم و ملاک های ارزیابی که برای انتخاب معلّم نمونه مطرح کرده بود، انداختم .

با یک حساب سرانگشتی که محاسبه کردم متوجه شدم که امتیاز من خیلی بیشتر از این چیزی می شود که آن ها داشتند گفت و گو می کردند . چون در آن زمان در دبیرستان هم کلاس داشتم ، روز بعد به مدیر دبیرستان شهید بهشتی جناب آقای مرتضی اتفاقی گفتم که : «من می خواهم در برنامه ی انتخاب معلّم نمونه شرکت کنم.» فرم ها را از مدیریت گرفتم و به صورت مستند همه را کامل و با دقت پر کردم چون در ده ها همایش سخنرانی داشتم و بیش از ۱۸ مقاله ی چاپ شده و یک اختراع ثبت شده، لوح تقدیر و... داشتم امتیازم

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

شد ۳۰۵ و نمی دانستم که آیا کس دیگری هم امتیازش به این حد رسیده است یا نه ؟ آیا می توانم با این امتیاز به مرحله ی کشوری برسم یا نه ؟ اما چیزی در درونم می گفت که : «من موفق می شوم.»

دقیقاً ۲۵ اسفند ۱۳۸۹ (پنج روز مانده به عید و آغاز سال ۱۳۹۰) برای خرید لباس عید با همسرم وارد فروشگاه لباس پوشاک شدیم. من یک دست کت و شلوار کرم رنگ انتخاب کردم . خانمم گفت شما که رنگ روشن کمتر می پوشی چرا می خواهی این رنگ را انتخاب کنی ؟ در جواب گفتم : «چون می خواهم جایزه معلّم نمونه ی کشوری ام را از دست رییس جمهور و وزیر آموزش و پرورش بگیرم .» در ایام عید (فروردین ۱۳۹۰) هر گاه فرصت و حالی بود ، در ذهنم تصوّر می کردم که با این کت و شلوار کرم رنگ که تازه خریده ام ، در مراسمی شرکت کرده ام که در آن رییس جمهور و وزیر آموزش و پرورش هستند، از من و چندین نفر دیگر از معلّمان دعوت می کنند که برای گرفتن هدیه شان به جایگاه بیایند ...

هنوز (فروردین ۹۰) بود و نمی دانستم که اصلاً آیا به عنوان معلّم نمونه ی کشور انتخاب می شوم یا نه . ولی باور کنید که بیشتر آن چیزی را که در ذهنم تصوّر می کردم برایم روی داد با همان جزئیات. (معجزه برای کسی روی می دهد که آن را باور داشته باشد.)

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ مدیر آموزش و پرورش وقت فریمان جناب آقای پاکدل با من تماس گرفتند و خبر قطعی معلّم نمونه ی کشوری را به من دادند و گفتند که از بین هشتاد هزار معلّمی که در استان خراسان رضوی هستند، چهار نفر که بالاترین امتیاز را داشته اند، انتخاب کرده اند و من یکی از آن چهار نفر بودم.

یادم هست ۱۱ اردیبهشت ۹۰ یک مصاحبه رادیویی با صدای خراسان رضوی داشتم و ۱۲ اردیبهشت هم مصاحبه تلویزیونی به عنوان مهمان ویژه ی اخبار استان خراسان رضوی ساعت ۱۵:۱۶ دقیقه دعوت شدم. دو روز بعد یعنی ۱۴ اردیبهشت صبح دیداری با مقام معظم رهبری داشتیم و عصر هم در سالن چهار هزار نفری وزارت کشور جایزه ی معلّم نمونه کشوری ام که یک دستگاه پراید صفر بود (همان گونه که تصور کرده بودم) از دست رییس جمهور و وزیر آموزش و پرورش گرفتم و خدا را خالصانه شکر نمودم ...

چون از همان ابتدا به ماشین پراید خیلی علاقه نداشتم، پراید صفر مدل ۹۰ را با ماشین سمند سفید XL مدل ۸۸ معاوضه نمودم و بعداً دوگانه سوز کردم. (دقیقاً در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۹۰ رأس همان شش ماه ماشین سمندی را که تصوّر کرده بودم، سوار بودم.) ضمناً سازمان آموزش و پرورش خراسان رضوی هم یک فیش حج به من هدیه دادند که به حج بروم و من هم فیش حج را به

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

یکی از همکارانم که معلّم نمونه ی استان شده بود دادم تا ایشان با همسرشان به حج بروند ...

پس از این موفقیت به این نتیجه رسیدم که آدمی آن چه را که بتواند تصوّر کند ، می تواند خلق هم بکند و به این باور رسیدم که : «قدرت تصوّر از واقعیت بیشتر است»، و ما می بایست همواره به آن چیزی که می خواهیم و دوست داریم داشته باشیم ، فکر کنیم ، گفتگو کنیم و تلاش کنیم .

آغاز برگ زندگی چگونه و چرا ؟

سال ۱۳۸۷ مطلبی را در مجله ی در « راه موفقیت » خواندم که بسیار زیبا و دلنشین بود . با خودم گفتم چرا این مطلب به این زیبایی را فقط برای خودم نگه دارم . چند نسخه از آن کپی گرفتم و به دوستان و اقوام هدیه دادم . پس از آن نیز هرگاه مطلب یا نکته ی جالب و ارزشمندی را که در کتاب یا مجله ای می خواندم ، آن را تکثیر می کردم و فقط در اختیار دوستان و نزدیکانم قرار می دادم . کم کم تشویق ها و برخورد های بسیار خوبی که اطرافیانم نسبت به کاغذها و نکات من داشتند موجب شد که کمی جدی تر به این مطلب ها فکر کنم و وقت بیشتری برای تهیه ی محتوای آن ها بگذارم و به صورت پراکنده و با موضوع های مختلف و اندازه های کاغذهای متفاوت مطالبی را

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

چاپ ، تکثیر و توزیع می نمودم تقاضای مطالب جدید تر و زیباتر از سوی اطرافیانم سبب شد وقت و انرژی بیشتری را صرف این موضوع نمایم تا این که دی ماه ۱۳۹۱ برای فعالیتم یک استاندارد تعریف کردم که این استاندارد به این شرح بود :

۱- یک چهارم کاغذ A۴ و در ابعاد ۴۱*۹ سانتی متر.

۲- پشت و رو مطلب چاپ شود .

۳- از فونت کودک و تیترا استفاده شود و شروع برگ ها از شماره ۹۹۹ باشد. و برای شروع با تیراژ ۵۰۰ عدد در هفته آغاز کنیم... دی ماه ۱۳۹۱ که پروژه «برگ زندگی» را به طور رسمی شروع کردیم، از دو جهت هنجارشکنی کردیم.

اول این که پیش از آن که این کتاب چاپ شود، قبل از چاپ، تک تک برگ های آن را چاپ و تکثیر نمودیم. (انتشار صفحات کتاب قبل از چاپ) و در هنجارشکنی دوم، به جای این که صفحات کتاب از شماره ۱ شروع شود، آن را از شماره ۹۹۹ شروع نمودیم و بر آن هستیم تا صفحات این کتاب پیوسته را به شماره ۱۰۰ برسانیم... در تلاشیم تا در این برگ ها و این کتاب ها، ارزش های اخلاقی و انسانی را در قالب داستان های کوتاه به جامعه انسانی و اسلامی ارائه کنیم و این ارزش ها را پویاتر و زنده تر نماییم.

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

در تولید محتوای هر برگ و شماره، بیش از ۸۱ نفر با تخصص های مختلف همچون جامعه شناس، روانشناس، پزشک، دانش آموخته دکترای ادبیات، معلم، محقق، مهندس، وب گرد و... با ما همکاری می کنند. ضمناً قبل از چاپ هر برگ، محتوا و مسایل مطرح شده از چندین فیلتر عبور می کند و پس از تأیید حداقل هفت نفر، هر برگ وارد مرحله چاپ می شود.

دومین شماره ای که چاپ کردم در پایان برگ نویستم : دوستانی که تمایل دارند در توزیع برگ ها با ما همکاری کنند، با ما تماس بگیرند تا هر شماره که چاپ می شود، تعدادی برای توزیع به آنها بدهم. از زمان هرروز کسانی که مایل بودند تا در توزیع برگ ها با ما همکاری کنند، بیشتر و بیشتر می شد به گونه ای که تیراژ ما از پانصد برگ به ۱۰۰۰ و دو هزار و پنج هزار، ده هزار، پانصد هزار رسید ولی هنوز هم عطش و استقبال از در یافت برگ ها افزایش می یافت تا این که در دی ماه ۱۳۹۳ تیراژ برگ ها در هر شماره به ۲۵۰۰ برگ رسید و اکنون (شهریور ۹۴) که این مطلب را می نویسم بیش از سی صد و هشت نفر در توزیع برگ های زندگی با ما همکاری می کنند در طول این مسیر دوستان و اندیشمندان بزرگ را یافتیم که حاضر شدند در تولید محتوا و توزیع برگ ها با ما همکاری کنند که بر خودمان واجب می دانیم در این جا و همواره از تک تک ایشان صمیمانه، نهایت تشکر و سپاس را داشته باشیم. (ما این برگ ها را به صورت

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

رایگان و به صورت صلواتی در بین مردم توزیع می کنیم)

با بررسی هایی که نمودیم به این نتیجه رسیدیم که خلاء فرهنگی موجود در جامعه، پر رنگ است و وظیفه ی انسانی هر فردی ایجاب می کند به اندازه ی توان و انرژی که دارد و برای پرکردن آن تلاش کند و اینجانب هم اعتقاد دارم که معلم نباید فقط معلم مدرسه باشد، بلکه باید معلم جامعه باشد. در این راستا تلاش کردیم و از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی مجوز تأسیس مؤسسه ی فرهنگی و هنری تک منظوره با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی را گرفتیم و به صورت رسمی فعالیت خود را در حوزه های مختلف فرهنگی آغاز نمودیم و برآن هستیم تا برگ های زندگی را در تمام کشور ایران و جهان منتشر نماییم. اکنون نیز تصمیم داریم تا ۵۰ شماره از برگ های زندگی از شماره ۹۹۹ تا ۹۴۹ را با عنوان: «برگ زندگی ۱» چاپ و منتشر نماییم که ان شاء... به زودی وارد بازار خواهد شد. بدون شک نظرات و پیشنهادات شما موجب ارتقای کار ما خواهد شد و آنها را با روی خوش می پذیریم. ضمناً در پروژه ی برگ زندگی، شعاری که در پیش گرفته ایم نیز این است: برگ زندگی، کوتاه و خواندنی، تاثیر گزار و ماندنی.

فصل ششم / میان تجربه و خاطراتی از نویسنده کتاب

و

فصل هفتم

مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

مطالبی برگزیده از دیگر معلمان

خانم مژده دانش تبریزی ، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی در مقاله ی خود با عنوان: «تأثیر گذاری دروس ادبیات و زبان فارسی بر زندگی فردی و اجتماعی» می نویسد:

زنگ ادبیات باید آن قدر لطیف باشد که دانش آموز در آن ساعت احساس آرامش کند .

ایجاد علاقه و انگیزه در دانش آموزان امری اساسی و بنیادین به شمار می رود سال هاست دبیران ادبیات از بی رغبتی دانش آموزان نسبت به این درس شکایت دارند در صورتی که هیچ تدبیر اساسی جهت رفع این مشکل پیش بینی نشده است. یکی از راه های ایجاد انگیزه ، عینی و عملی کردن مباحث علمی است به وضوح می بینیم دانش آموز در دروس شیمی و فیزیک و زیست چون مبحث علمی را عملی و آزمایشگاهی کار می کند مطلب در ذهن و فکرش می ماند.

در صورتی که در دروس خواندنی همچون تاریخ و ادبیات، بینش، ... موضوع درسی چون فقط خوانده می شود به مرور از ذهن او خارج می شود. پیشنهاد می شود آزمایشگاه و کارگاه ادبی جهت هر چه پایدارتر ماندن محتوای درس ایجاد شود چندی پیش در دبیرستان نمونه ناحیه ۶ مشهد این طرح

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب‌ها

را پیگیری و به انجام رساندم درس های کتاب ادبیات دانش آموزان به صورت مجسمه و یا نقش برجسته و تصویر در نمایشگاهی قرار گرفت و کلاس درس در همین مکان برگزار می گردید. مثلاً هفت خان رستم را به صورت مجسمه در معرض دید قرار دادیم، دانش آموزان با دیدن عینی و ملموس موضوع آن را به مراتب بهتر از صرف مطالعه در خاطر نگاه می داشتند.



نیز در کار معلمی، شرط داشتن کلاس موفق، رابطه ی دو سویه میان معلم و دانش آموز است می دانیم که بدون ارتباط چیزی به نام آموزش اتفاق نمی افتد مقبول ترین شیوه این است که دانش آموز نیز گاهی در تدریس مشارکت داشته باشد. او را فقط عنصر یادگیرنده ندانیم گاهی یاددهی دانش آموز در یک موضوع می تواند تأثیر مطلوبی بر جای بگذارد.

دانش آموزی می گفت : معلم ادبیات ما هر روز با خطی خوش جمله های بدیع و زیبا را به عطشناکی چشمهایمان می بخشید ما نیز آن را یاد داشت می کردیم و امروز چندین جمله ی زیبا و ماندگار از آن کلاس به یاد ماندنی در خاطر داریم. معلم باید با توجه به نیاز امروز دانش آموز به جملات و نوع کلمات مطالبی را تهیه کند و در اختیار آنان قرار دهد.

۱۰ نکته برای مدیریت کلاس درس

مدیریت کلاس درس یکی از بزرگترین ترس های معلمان تازه کار است.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

اما مدیریت کلاس مهارتی است که نه تنها اکتسابی و یاد گرفتنی است بلکه باید هر روز تمرین شود. در زیر ۱۰ نکته درمورد مدیریت موفق کلاس درس عنوان می کنیم. این نکات می تواند به شما برای برقراری نظم در کلاس کمک زیادی کند.

۱. گذشت زمان همه چیز را راحت تر می کند.

خیلی از معلم ها مرتکب این اشتباه می شوند که سال تحصیلی را با نظم و مدیریت ضعیف آغاز می کنند. دانش آموزان خیلی سریع موقعیت در هر کلاس را ارزیابی می کنند و می فهمند که در هر کلاس تا چه حد می توانند پیش بروند. وقتی اول کار اجازه بدهید که در کارتان اختلال ایجاد کنند دیگر به کار بردن تکنیک های مدیریتی دشوار خواهد شد. اما با جلو رفتن سال تحصیلی همه چیز آسانتر می گردد. فقط این جمله یادتان باشد که، "تا رسیدن عید لبخند نزنید."

۲. عدالت رمز کار است.

دانش آموزان خیلی خوب می فهمند که چه چیز عادلانه است و چه چیز نیست. اگر دوست دارید شاگردانتان به شما احترام بگذارند باید با آنها با عدالت و انصاف رفتار کنید. اگر با همه شاگردان با مساوات رفتار نکنید، شاگردانتان دیگر از شما دستور نخواهند گرفت. پس اگر بهترین شاگرد کلاستان هم کار اشتباهی انجام داد حتماً تنبیهش کنید.

۳. تا حد امکان با اخلاص ها یا ایجاد کمترین وقفه در کلاس برخورد کنید.

وقتی در کلاس اخلاص ایجاد می شود خیلی مهم است که با ایجاد کوچکترین وقفه در روند کلاس، فوری با آنها برخورد کنید. اگر شاگردان با هم حرف می زنند و شما مشغول درس دادن هستید از یکی از آنها یک سوال کنید تا حواس همه بچه ها جمع شود. اگر برای برخورد با این اخلاص ها روند کلاس را متوقف کنید دقیقاً شاگردانی که این اخلاص را ایجاد می کنند را به آرزویشان رسانده اید: یعنی گذشتن وقت کلاس به بطالت.

۴. در حضور شاگردان از مواجهه دوری کنید.

وقتی مواجهه ای در کلاس ایجاد می شود همیشه یک برنده و یک بازنده وجود دارد. شما بعنوان معلم باید نظم کلاس را حفظ کنید. اما خیلی بهتر است که به طور خصوصی این کار را انجام دهید تا اینکه آبروی شاگردی را در حضور دوستانش ببرید. اصلاً کار درستی نیست که از مسائل انضباطی در حضور بچه ها نمونه ای بسازید برای درس عبرت. باینکه با این روش ممکن است بچه ها درس عبرت بگیرند اما تا آخر سال حتی دیگر یک کلمه هم نخواهید توانست به آن شاگرد آموزش دهید.

۵. اخلاص ها را با کمی شوخ طبعی متوقف کنید.

گاهی اوقات بهترین چیز این است که همه سر کلاس حسابی بخندند تا

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

همه چیز به روال سابق برگردد. اما خیلی وقت ها معلم ها شوخ طبعی را با ریشخند اشتباه می گیرند. باینکه شوخ طبعی می تواند خیلی زود موقعیت را مرتب کند اما ریشخند رابطه شما با شاگردانتان را خراب می کند. خوب قضاوت کنید اما متوجه باشید که چیزی که برای یک نفر خنده دارد است ممکن است برای دیگری آزار دهنده باشد.

۶. انتظارتان از کلاس بالا باشد.

انتظارتان از شاگردان ادب باشد نه اخلاق. این مسئله را با طریقه حرف زدن در کلاس به آنها نشان دهید. در همان ابتدای کلاس انتظارانتان را به بچه ها بگویید مثلاً بگویید، ”طی این جلسه گروهی انتظارم این است که موقع حرف زدن اول دستتان را بالا برده و اجازه بگیرید، به همدیگر احترام بگذارید و به حرفهایی که دوستانتان می زنند هم خوب گوش کنید.“

۷. برنامه بیشتر داشته باشید.

وقت آزاد چیزی است که همه معلم ها باید از آن خودداری کنند. وقتی به بچه ها وقت اضافی بدهید که با هم حرف بزنند، سابقه آموزشی خود را زیر سوال می برید. برای خودداری از بروز این مسئله برنامه بیشتر بریزید. وقتی کار زیادی برای انجام دادن داشته باشید، آموزش ها تمام نخواهد شد و وقت اضافی هم پیش نخواهد آمد.

۸. ثابت قدم باشید.

یکی از بدترین چیزهایی که بعنوان یک معلم می توانید انجام دهید این است که در اجرای قوانینتان ثبات قدم نداشته باشید. اگر روزی بد رفتاری ها را نادیده بگیرید و دفعه بعدی به خاطر یک تخلف کوچک یک نفر را تنبیه کنید، احترامتان را بین شاگردان از دست می دهید. شاگردان شما این حق را دارند که توقع داشته باشند هر روز رفتار یکسانی داشته باشید. دمدمی مزاج بودن رفتار خوبی برای یک معلم نیست. وقتی احترامتان را پیش شاگردانتان از دست بدهید، توجه و میل آنها به یادگیری را هم از دست می دهید.

۹. قوانین تان را توضیح دهید.

تعداد قوانینتان نباید اینقدر زیاد باشد که از عهده اجرا کردن آنها برنیايید. همچنین باید این قوانین را خوب توضیح دهید. دانش آموزان باید بفهمند که چه چیز قابل قبول و چه چیز غیر قابل قبول است. همچنین نتیجه شکستن قوانین نیز باید برای شاگردان مشخص باشد.

۱۰. هر روز را تازه و نو شروع کنید.

در شروع هر روز باید انتظار داشته باشید که شاگردانتان مودب باشند. نباید تصور کنید که چون فلان شاگرد هر روز هفته در کلاستان اخلاص ایجاد کرده، امروز هم اینکار را می کند. با این کار آن شاگرد را به ایجاد اخلاص دوباره تشویق می کنید.

از تشویق استفاده نکنید.

هرگز تأثیر تشویق را به عنوان ابزاری برای کنترل رفتار دست کم نگیرید. می دانید هر گاه کسی وقت بگذارد و به خود زحمت دهد و به شما فقط یک (آفرین) ساده بگوید، چه احساس مثبتی در شما ایجاد می شود. بیشتر ما نسبت به تشویق واکنش مثبت نشان می دهیم و استفاده درست از آن، انگیزه و میل موفقیت را در شاگردان افزایش می دهد. درست است که گاه نوجوانان شاید به آسانی تشویق را نپذیرند، اما معتقدم که آنها نیز همچون بقیه از تشویق لذت می برند.

یادتان باشد که بعضی از بزرگسالان به تشویق در حضور دیگران واکنش خوبی نشان نمی دهند بهترین راه این است که این دسته از دانش آموزان را به صورت فردی به آرامی بعد از کلاس یا در حین درس بی آنکه دیگران متوجه شوند تشویق کنید. می توان با دادن اعتماد به نفس به شاگردانی که بالقوه مسئله ساز هستند آنها را کنترل کرد. به این طریق که به آنها تفهیم کنید که شکست در یک زمینه می تواند مقدمه موفقیت در جنبه های دیگر زندگی باشد. در هر حال تشویق زمانی موثر است که واقعی باشد، مگرواقعا منظورتان تعریف از او باشد. نشان دهید که از صمیم قلب اخلاق یا رفتار مناسب را ارج می نهید. علاوه بر این، لازم است که شاگردان بدانند که دقیقاً چرا مورد تشویق قرار گرفته اند. با مشخص کردن رفتاری که شاگردان

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

به خاطر آن مورد تحسین واقع شده اند ، احتمال تکرار آن رفتار مطلوب را بیشتر می کنید . مثال های زیر نشان می دهند که چگونه تشویق به عنوان ابزاری برای کنترل کلاس می تواند مورد استفاده قرار گیرد :

ناصر ، از اینکه می بینم که آرام کارت را انجام دادی و تمام وقت را سر جای نشسته ای واقعا خیلی خوشحالم .

حالا ، باید بگویم آن جور که وارد کلاس شدی ، کتابت را در آوردی و آرام سر جای نشستی و منتظر ماندی تا من درس را شروع کنم جدا عالی بود ، آفرین .

می دانید که در هر کلاس اکثر شاگردان رفتاری مناسب دارند و تنها یکی دو نفر هستند که کارها و فعالیت های کلاسی را انجام نمی دهند . در این گونه موارد شاید بتوان از روش (تشویق فرد مجاور) برای کنترل آنها استفاده کرد ، یعنی بیش از آن که بر رفتار نامناسب شاگرد خاطی تکیه کنید ، صرفا به تشویق آن شاگردانی بپردازید که رفتاری مناسب دارند باز هم تکرار می کنم آن رفتاری که می خواهید تشویق کنید باید کاملا مشخص باشد. تشویق فرد مجاور را به صورت فردی نیز می توان به کار گرفت ، یعنی می توان برای هدایت شاگردی که تکالیفش را انجام نمی دهد و رفتاری ناشایست دارد به مسیر انجام تکالیف ، بر رفتار مناسب شاگردان دیگری تکیه کنیم که در اطراف او هستند . مورد زیر مثالی در این زمینه است :

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

همه کلاس به استثنای خسرو دارند جداگانه روی گزارش تحقیق شان کار می کنند خسرو به جای آنکه پاسخ سوالات را بنویسد دارد از پنجره به بیرون نگاه می کند . در دو طرف او ، حامد و مریم هر دو مشغول کار هستند . معلم که می خواهد خسرو را به سر کارش برگرداند می گوید .

حامد ، مریم ، به نظر می رسد که سخت مشغول کار هستید . آفرین .

همان گونه که معلم انتظارش را داشت ، خسرو نگاهی به دور و برش می اندازد ، متوجه آنچه در اطرافش می گذرد می شود و به سر کارش بر می گردد . این روش از دو جهت موثر است : یکی شاگردانی که تکالیفشان را انجام نمی دهند برمی انگیزاند تا مجدداً به کارشان بپردازند . دوم این که شاگردانی که سر کارشان هستند مورد تشویق واقع می شوند .

فراموش نکنید که تشویق الزاماً نباید زبانی باشد . نامه نوشتن به خانواده دانش آموز یا استفاده از امتیازهایی که مدرسه می دهد می توانند تاثیرات مثبتی بر انگیزه دانش آموزان و در نتیجه بر رفتار آنان در حوزه تدریس شما داشته باشد . با وجود این ، اگر چه تشویق رسمی می تواند بر انگیزه شاگردان تاثیر بسیار داشته باشد ، اما احساس من این است که رابطه فردی و عاطفی معلم با شاگرد موثرترین ابزار رفتاری و انگیزشی است . به همراه داشتن مهری که جمله ای از خودتان بر آن حک شده و استفاده از آن برای

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

تشویق شاگردان به جهت انجام تکلیف و یا به دلیل رفتار خوبشان ، ابزاری ساده اما بسیار موثر در مدیریت کلاس است .

سیاست بسیار ساده اما مؤثر دیگر در تشویق شاگردان نوشتن یادداشت درهای تمرینشان است ، ضمن آن که از رئیس مدرسه ، از معلمان دیگر یا حتی والدین بخواهید که امضا ، یادداشت و تاریخ را در کنار یادداشت شما بگذارند . بدین ترتیب ، نه فقط رابطه خانه و مدرسه را بسیار تقویت می کنید ، بلکه شاگردان مربوطه نیز از هر دو طرف مورد تشویق واقع می شوند . این کار را امتحان کنید و تفاوت انگیزه بچه ها را ببینید .

در ابتدای سال، در مرحله تثبیت ، شماره تلفن شاگردان را از آنها بپرسید . این کار کمی تردید در آنان ایجاد می کند . شک ندارم که یکی از آنها سؤال خواهد کرد که شماره تلفن را برای چه می خواهید . با لبخند معنا داری بگویید که برای این که هر وقت کار فوق العاده ای انجام دهند (یا تخلفی صورت دهند) بتوانید با خانواده شان تماس بگیرید . در عین حال توصیه مهمی هم دارم : از آنجا که معمولاً مدیریت مدرسه در زمینه های خانوادگی شاگردان و علل رفتار آنان اطلاعات خیلی بیشتری دارد ، هرگز بدون هماهنگی و اجازه مدیر به خانه شاگردان زنگ نزنید .

وقتی می خواهید درس جدید را شروع کنید به شاگردان بگویید که پس از پایان درس از پنج نفر به طور تصادفی خواهید خواست که درس را

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

برای بقیه کلاس بازگو کنند . این عدم اطمینان که آیا آنها جزو این پنج نفر (بد شانس) خواهند بود یا خیر موجب توجه بیشتر آنها به درس می شود . اگر آرام و بی صدا پشت سر شاگردی که کارش را انجام نمی دهد بایستید ، سرزنش شما را در خواهد یافت و این کار باعث توجه مجدد وی به درس می شود .

در بسیاری از موارد نگاه ممتد و ملامت آمیز شما نیز کار آمد خواهد بود . این ارتباط چشمی بسیار مهم را با شجاعت بر قرار کنید و تا وقتی مطمئن نشده اید که شاگرد از خواسته های شما اطاعت می کند چشم از او بر ندارید .

نگذارید که شاگردان در انتخاب محل نشستن خود خیلی آزاد باشند یا همیشه یک جا بنشینند . نام بچه ها را بر روی کارت هایی بنویسید و ترتیب نشستن آنها را هراز گاهی تغییر دهید . اگر بچه ها علت این کار را از شما بپرسند خیلی ساده به آنها بگویید که کار آموزش فراتر از فقط کتاب و امتحان است . آموزش در مورد چگونگی رفتار و کار با مردم مختلف نیز هست .

اگر دیدید که شاگردی کاملاً به کارهای کلاسی اش نمی پردازد ، فقط زمان را در گوشه تمرینش یادداشت کنید و دور شوید . نتیجه ضمنی این کار این است که دانش آموز در می یابد که اگر به سرعت به کارهایش نپردازد ، نوعی مجازات در انتظارش خواهد بود .

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

اهمیت ارتباط غیر کلامی را به عنوان ابزاری در جهت ایجاد تنش مفید و کنترل موثر کلاس فراموش نکنید . پیش از این در مورد قدرت (نگاه ممتد) صحبت کرده ایم ، اما جاهایی هم هست که می توان از علایم دست برای نشان دادن نارضایتی و مخالفت استفاده کرد

چرا اولین جلسه درس این همه اهمیت دارد؟

وقتی معلمی ، صرف نظر از میزان تجربه اش ، برای اولین بار جلو کلاسی می ایستد نوعی فرهنگ یادگیری را ایجاد می کند که تا پایان رابطه کاری بین معلم و شاگرد تثبیت می شود و ادامه خواهد یافت . در مورد نیاز معلمین به داشتن مهارت در حوزه مدیریت تأثیر گذاری سخن گفته است . نیز به تبیین مراحل مدیریت تأثیرگذاری می پردازد که از همان جلسه اول شروع و در برخوردهای بعدی ادامه می یابد :

اولین تصویری که فرد از خود در ذهن دیگران ایجاد می کند ، وی را ملزم می سازد تا مطابق آن تصویر عمل کند و تظاهر به دیگرگونه بودن را به کناری بگذارد . البته با گسترش تعامل بین طرفین در این وضعیت خاص اضافات و تعدیل هایی صورت خواهد گرفت . اما ضرورتا این تغییرات باید با مواضع اولیه طرفین این تعاملات تعارضی نداشته باشد و بر مبنای آنها بنا شده باشد .

آیا با حالتی مطمئن ، هدفمند و با اعتماد به نفس وارد کلاس می شوید ؟

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

— آیا به هنگام سخن گفتن با دانش آموزان از ژست های بدنی استفاده می کنید؟ (آیا سر بالا، چانه کمی رو به پایین، شانه ها به سمت عقب و در وضعیتی راحت و مستحکم قرار دارند؟)

— آیا از مکث های حاکی از تردید و دودلی و الفاظی مثل؛ ام، و؛؛ اجتناب می کنید؟
— آیا لحن قاطع و صریحی دارید؟ آیا زیر و بم صدایتان را برای جلب توجه شاگردان تغییر می دهید؟

— آیا در کلاس طوری می ایستید که بتوانید همه کلاس را زیر نظر داشته باشید؟
— آیا با شاگردانتان ارتباط کامل چشمی برقرار می کنید تا:
الف) آنها را با درس درگیر کنید.

ب) مطمئن شوید که دارند کارشان را انجام می دهند و شیطنت و شلوغی نمی کنند.

— آیا از تکان دادن بیش از حد تنه و دست هایتان اجتناب می کنید؟ (این کار موجب می شود حواس شاگردان پرت شود.)
— آیا به شاگردان لبخند می زنید؟

— آیا خصوصیات آزار دهنده ای مثل بازی کردن با موهایتان، مشت کردن دست

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

در شلوارتان و غیره دارید؟

— آیا این حس را در شاگرد ایجاد می کنید که نسبت به آنچه می گوئید از نظر

علمی اشراف دارید؟

— و آیا حوصله شاگردان را سر می برید؟



این که افراد چقدر سریع در باره دیگران به قضاوت می پردازند همیشه مرا متعجب می کند . من به عنوان معلم جامعه شناسی همیشه به جریان دسته بندی کردن در مدرسه علاقمند بوده ام و بخش عمده ای از مطالعات من نیز در مورد دسته بندی هایی بوده است که معلمین از شاگردان کرده اند . در عین حال ، تفحص در راه و روش دانش آموزان در دسته بندی معلم هایشان به همان اندازه اهمیت دارد . در بحثی که اخیرا با شاگردان خودم در کلاس دهم داشتم از آنها پرسیدم که چقدر طول می کشد تا در باره معلم جدیدشان به قضاوتی قطعی برسند . پاسخ های آنها تکان دهنده بود . عمده شاگردان در این کلاس ها فقط بین سه تا ده دقیقه برای این کار وقت لازم داشتند . و وقتی از آنها پرسیدم که آیا ممکن است در آینده این قضاوت تغییر کند تعداد اندکی از آنها گفتند در آینده احتمال تغییر قابل توجهی در قضاوتشان وجود دارد . اگر چه این مثال تجربی و غیر علمی است ، می توان دریافت که تأثیر مثبت بر شاگردان در همان اول کار چقدر اهمیت دارد .

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

کلاس نه بر محتوای دروس بلکه بر ضوابط و مقررات به عنوان اولویت نخست درس تأکید می کنم تا اطمینان حاصل کنم که شاگردان و هم من می دانیم که هر کدام در چه جایگاهی قرار داریم .

پس از آن که ارزش کار گروهی را برای شاگردان توضیح دادم ، به این نکته می پردازم که این معلم است که کنترل کننده فرآیند یادگیری ، یاددهی است لذا پذیرش اصول زیر برای شاگرد و معلم ضروری است :

— معلم می تواند جای نشستن شاگرد را تغییر دهد ؛

— معلم باید نام تک تک شاگردان را بداند ؛

— به هنگام لزوم شاگردان باید کاملاً به مطالب توجه کنند ؛

— هیچ گونه مزاحمتی برای کلاس پذیرفتنی نیست ؛

— بین معلم و شاگرد باید احترام متقابل برقرار باشد ؛

— هر شاگرد باید احساس کند که وجودش ارزشمند است و در فرآیند یادگیری کاملاً لازم است ؛

— و برای دستیابی به این اهداف تعیین مقررات و ضوابط در کلاس ضروری است .

چگونه طرح درس بنویسیم؟

یکی از مواردی که قبل از نوشتن طرح درس باید مورد توجه قرار گیرد این است

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

که متن درس و یا محتوای آموزشی که می بایست در آن روز تدریس شود مطالعه و نکات کلیدی ، اطلاعات طلایی ، مفاهیم جدید و مهارت های نو را یادداشت کنید تا اهداف جزئی درس استخراج شود.

۲- از روی اهداف جزئی استخراج شده برای درس خود اهداف رفتاری بنویسید (رفتاری که دوست دارید از فراگیر شما سر بزند تا شما بعنوان مدرس با مشاهده و اندازه گیری آن متوجه شوید که او درس را یاد گرفته و در رفتار او تغییر ایجاد شده).

۳- هنگام نوشتن اهداف رفتاری که همان آزمون پایانی تدریس شماست چند نکته را رعایت فرمایید:

الف- برای هر سؤال و یا هدف یک فعل رفتاری بنویسید که قابل اندازه گیری و مشاهده باشد به اصطلاح تفسیر پذیر نباشد، مانند: بنویسد نام ببرد ، توضیح دهد - تشریح کند، بسازد - رنگ کند، تحلیل کند - کنفرانس دهد و.... سعی کنید از فعل های زیر بعنوان فعل های سؤال امتحانی یا اهداف رفتاری استفاده نکنید چون تبدیل کردن به ملاک نمره بسیار سخت است مگر اینکه بخواهید توصیفی ارزشیابی نمایید: بفهمد - درک کند، تشخیص دهد ، لذت ببرد، بشناسد - آشنا شود و....

ب- برای هر سوال زمان مخصوص مشخص کنید تا یادگیری و عمق آن با دقت سنجیده شود.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

ج- حیطه یادگیری، محدوده عملکرد و یا مهارت آموخته شده را مشخص کنید تا از هر دری سخن به میان نیاید و یا به اصطلاح آقای سیف ارزشیابی سؤال باز نباشد.

د- برای سؤال ها بارم بندی کنید و اگر دارای تعداد می باشد برای هر مورد بارم مخصوص در نظر بگیرید.

ه- امکانات و ابزار مورد استفاده و یا محرمیت از برخی از امکانات را درج کنید.

و- محل و مکان خاصی اگر برای بروز رفتار در نظر دارید در سوال بنویسید.

مثال:

۱- دانش آموزان سوم ابتدایی بعد از پایان درس بصورت گروهی در باغچه مدرسه در مدت ۵۱ دقیقه می باید دو گیاه با ریشه افشان پیدا کرده بعد از بررسی در گروه ، بدون استفاده از کتاب در کلاس درس برای همکلاسی ها خود تشریح نمایند.

۲- یک روش تدریس مناسب انتخاب کنید که بتوان مهارت، نگرش و دانش مورد نظر را منتقل کرد.

این روش تدریس هامی توانند سنتی: سخنرانی - بازی تربیتی - نمایشی و پرسش و پاسخ و... باشد و یا روش فعال و گروه محور و یا مشارکتی دانش آموز محور باشد:

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب‌ها

بحث و گفتگو، استدلالی، استقرایی، روش گفتاری و...

اگر تسلط بر روش تدریس‌های یاددهی و یادگیری دارید روش‌های ذیل پیشنهاد می‌گردد: روش اکتشافی، حل مسئله، روش برنامه‌ای، الگوی اجتماعی، اطلاعات پردازی و ... افزایش عزت نفس.

نوشتن طرح درس:

۱- عنوان: موضوع، کتاب، مقطع؛ پایه، زمان پیش‌بینی شده، محل تدریس، روش تدریس، تعداد فراگیران، نوع ارزشیابی

۲- هدف نویسی: اهداف کلی، جزئی و رفتاری با ذکر حیطه در صورت امکان

۳- وسایل مورد نیاز: امکانات، وسایل و رسانه‌های آموزشی لازم

۴- رفتار ورودی:

الف- برقراری ارتباط

ب- ارزشیابی تشخیصی

ج- ارزشیابی ورودی - پرسش آغازین

د- دیدن تکالیف

ه- حضور و غیاب

۴- ایجاد انگیزه: یکی یا تلفیقی از روش های ذیل پیشنهاد می گردد.

الف- ایجاد چالش در یادگیری های قبلی - نظریه پیاژه

ب- نمایش خلاق و تئاتر

ت- طرح مسئله یا ایجاد سؤال در ذهن (نظریه تشنگی ذهنی، ابوعلی سینا)

ث- یادآوری مطالب قبلی - نظریه لنگرگاه آموزشی (جان میلر)

ج- ایجاد رغبت برای کاربرد در زندگی و آینده

چند نکته جهت یادآوری به پدران و مادران عزیز

به اطلاع می رساند، رضایت مندی از خویشتن است و روان آدمی زمانی به آرامش می رسد که باور کند؛ وجود دارد.

رمز های زندگی (ویژه ی والدین)

(مطالب زیر از کتاب: «شناخت بیمار ها و توصیه های پزشکی ۱۴، بلوغ روحی و روانی در پسران، نوردانش، تهران، ۱۳۸۲ فصل یازده نکات کلیدی برای والدین و مربیان، از صفحه ۹۸ تا ۱۳ ذکر شده است و مورد تأیید نویسنده ی این کتاب می باشد).

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

آن چه که آدمی را به حرکت وامی دارد، باعث تحمّل سختی ها و فراز و نشیب های زندگی می شود و در نهایت به آرامش است از آن چه که هست خشنود و راضی است و برای خود و دیگران ارزشمند و منشا اثر است. از هر آن چه که داشته و دارد به نحو احسن استفاده کرده است. سختی ها و بلاها را نمک زندگی دانسته و با تمام نقص ها و کاستی هایش تمام توان خود را برای آن چه که می خواسته به کار انداخته است و بالاخره این که دوست داشتن و دوست داشته شدن را درک و لمس نموده است. برای رسیدن به این مرحله از بلوغ و شناخت عقلی و روانی توجه به نکات زیر کمک کننده خواهد بود:

پذیرش جسم تن خود: اگر نقص مشخصی و واضحی دارید، در صورت توان و امکان در اصلاح آن بکوشید. (ولی خود را به هلاکت نیندازید.) وجود خود را با تمام خصوصیات فیزیکی ظاهریتان بپذیرید و دوست بدارید.

توجه: فردی که به ظاهر نقص ندارد و فقط به خاطر مد و دیگران، خود را به سختی و درد سر می اندازد، نه تنها خود را دوست ندارد بلکه به دلیل بی ارزش دانستن خود، اقدام به این کار می کند. (تا شما نخواهید هیچ کس در شما نمی تواند احساس حقارت ایجاد کند).

زندگی همه اش درس است:

همه وقایع و مراحل زندگی درسی است برای آن که بتوانیم از آنها چیزی یاد بگیریم.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

بایستی دیدمان را عوض کنیم و عینک منفی گرایی و بدبینی را از چشمهایمان برداریم. اگر چه از دست دادن عزیزی بسیار سخت و دشوار است اما زندگی همچنان ادامه دارد و چیزی در این دنیای خاکی پایدار و همیشگی نیست. (درس آن مهربانی و همبستگی است). یک نمونه دیگر قبول نشدن در کنکور است. ابتدا؛ این چنین تصوّر می کنیم که در حال حاضر برای ورود به دانشگاه، برگزاری کنکور تنها روش مناسب است که جای بحث دارد) و بر اساس بینش و آگاهی کامل از رشته های دانشگاهی و توانمندی و علایق خود (و نه خواسته دیگران) در رشته ای ثبت نام نموده ایم.

اولین واقعیت و محدودیت این است که بیش از یک و نیم میلیون نفر شرکت کننده وجود دارد و فقط حدود صد تا دویست هزار نفر قبول خواهند شد. دومین مسأله این است که: برای قبول شدن بایستی نابغه بود؟ خیر هرکس برنامه ی اصولی تر و تلاش بیشتری در مطالعه داشته باشد، احتمال موفقیتش بیشتر است. (به گفته ادیسون بلوغ نود و نه درصدش عرق ریختن است و یک درصدش الهام). بجز موارد استثناء(!!؟) غیر ممکن است ساعت ها پای تلفن، تلویزیون و یا کامپیوتر نشست و یا روز های تعطیل را پی گشت و گذار بود و در کنکور هم قبول شد! (هرچقدر پول بدهی همان قدر هم آتش می گیری).

حال فرض کنیم تمام راه ها را به درستی طی کرده و حداکثر توان خود را نیز گذاشته ایم همان بار اول یا در دفعات بعدی (ولی قبول نشده ایم). (از هر صد نفر

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر محلمان و دیگر کتاب‌ها

فقط ۱۵ تا ۳۵ نفر قبول خواهند شد) حال تکلیف چیست؟ بسیار خوب، چند راه پیش رو داریم:

(۱) آیا امکان ادامه تحصیل را در خارج داریم؟

(۲) آیا مسیر و هدفی را که برگزیده ایم واقعاً درست است؟

(۳) آیا همه افراد موفق تحصیلات دانشگاهی دارند؟



برای پاسخ به سوالات و انتخاب راه بایستی با خود صادق و منصف بود.

نکته: نیاز نیست در زندگی بهترین باشیم. همین که با بینش صحیح نهایت سعی و تلاش خود را کنیم کافی است.

مقصر ندانستن دیگران: ما مسئول تمامی اعمال و هرآن چه که بر سرمان می‌آید هستیم، ما شخصیت خود را انتخاب می‌کنیم. برای خوشحالی و ناراحتیمان مسئول هستیم. اگر در رابطه‌ی دوستی، شکست می‌خوریم یا معتاد می‌شویم و یا در جامعه تبعیض است، ما خود تخم آن را کاشته ایم و یا خود آن را آبیاری کرده ایم. تا خودمان نخواهیم و اجازه ندهیم هیچ کس نمی‌تواند بر ما تأثیر بگذارد.

بخشش به جای انتقام: اگر می‌خواهیم در زندگی آرامش داشته باشیم، بایستی بیاموزیم قصور و کوتاهی خود و دیگران را به طور آگاهانه و سنجیده

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

بخشیم و در عین حال از آنها درس بگیریم. بخشش یعنی محو کردن کینه و به فراموشی سپردن آن چه که رفته است. اگر در یک ارتباط دوستانه به شما بی وفایی شدیدی شد و طرف مقابل به معنی واقعی به خطا و اشتباه خود پی برد و پوزش طلبید و مطمئن باشید در پشت آن قصد و غرضی در کار نیست، بهترین کار بخشیدن و پذیرش وی است. (کسی که انتقام می گیرد یک روز خوشحال است و آن که می بخشد یک عمر). (حضرت علی(ع) اما اگر تکرار گردید، ادامه ارتباط دیگر حماقت است نه از خود گذشتگی و بخشش. (توبه گرگ مرگ است).

صبر و استقامت: برای رسیدن به اهداف خود بایستی صبور و مقاوم بود. اگر پشت چراغ قرمز راهنمایی ایستاده اید بایستی منتظر شوید تا چراغ سبز شود با خود خوری و عصبانیت و بوق زدن، چراغ سبز نمی شود، اگر می خواهید پزشک شوید علاوه بر دوران متوسطه، هفت سال دیگر سخت تلاش کنید و شب زنده داری نمایید. اگر می خواهید تغییری در خود ایجاد کنید بایستی دلسرد و مایوس نشوید و...

سپاسگزاری: شاید روزگار در حق برخی بسیار ظالم باشد، ولی بایستی به خاطر داشت که همواره بدبخت تر از ما وجود دارد. لذا بایستی سپاسگزار و خشنود از آن چه که هستیم و داریم، باشیم و در عین حال برای بهتر شدن، تمام توان خود را به کار گیریم. به گفته انیشتین: اگر یک فلج مادر زاد در

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

مسابقه دو ماراتون مقام اول را به دست نیاورد، اشکال در پاهای او نیست، اشکال در خود اوست، اگر با تمام وجود بخواهید و خود را باور داشته باشید، بیندیشید و برنامه ریزی کنید و تمام نیروی خود را به کار ببرید و در عین حال صبور و امیدوار باشید. محال است به سرای خوشبختی نرسید.

فرزندان و نسل جوان خود را محدود به آداب و اخلاق خویش نسازید زیرا زمان آنان غیر از زمان شما خواهد بود. (حضرت علی(ع))

نکات کلیدی برای والدین و مربیان (فصل ۱۱ کتاب شناخت بیماری ها و توصیه های پزشکی).

تغییرات طبیعی دوران بلوغ

برای برقراری ارتباط و رفتار صحیح با نوجوان بایستی قبل از هر چیز با خصایص و ویژگی های وی آشنا شد:

۱-دوستان خود را باهوش تر از والدین می دانند.

غالباً ظرفیت هوشی نوجوانان به سطح بسیار بالایی می رسد و سوالات کلیدی و پایه ای که در بسیاری از موارد والدین و دبیران نیز قادر به پاسخ دادن به آنها نیستند، به ذهنشان می رسد. اگر سخنی از دوستان خود بشنود ممکن است آن را عین حقیقت تلقی کند، در حالی که همان

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

گفته از طریق والدین پذیرفته نمی شود این حالت در اواخر بلوغ (۱۲ تا ۱۸ سالگی) بر طرف می شود.

۲- کم حوصله می شوند.

نوجوانان نسبت به اکثر چیزها و موضوعاتی که بالغین علاقه نشان می دهند، تمایلی ندارند و از انجام کارهایی که برایشان ارزشی ندارد، گریزانند و کم حوصله می باشند.

۳- محدودیت ارتباط ها

فرزندتان که زمانی در مورد همه چیز با شما سخن می گفت، وقتی به سن بلوغ می رسد، حرف کم تری برای گفتن دارد، او به پرسش های شما خیلی کوتاه و به طور فشرده پاسخ می دهد و دیگر راز هایش را با شما در میان نمی گذارد و در صورت پافشاری و اصرار شما، این فاصله بیشتر خواهد شد.

۴- تمایل به تنها بودن در منزل و داشتن حریم خصوصی.

نوجوانان تمایل دارند بیشتر وقت خود را در اتاقشان به تنهایی بگذرانند. (اگر امکانات خانواده این چنین چیزی را اجازه بدهد، نوجوان بایستی اتاق مستقل داشته باشد). هر کسی در زندگی خود دارای مسائل خصوصی است که دوست ندارد کسی از آن مطلع شود. هیچگاه سرزده وارد اتاق او نشوید مگر این که دلیل منطقی و مهمی داشته باشید.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

هیچکس حق ندارد به حریم خصوصی دیگران تجاوز (سرکشی و کنجکاوی) کند مگر این که مصلحت جامعه (از جمله خانواده) در آن باشد.

۵- استقلال طلب

نوجوانان دوست دارند همانند بزرگسالان با آنها رفتار شوند. (هر چند که ممکن است رفتار بچه گانه داشته باشند.) برای این که بدانید چه نوع رفتاری با خواسته آنها مغایرت دارد کافی است این چنین تصور نمایید که شما و فرزندتان به عنوان دو همکار بسیار صمیمی در یک اداره مهم کار می کنید و در عین حال مدیر آن اداره شما هستید. در ضمن بایستی هزینه های نوجوان را به صورت هفته ای یا ماهانه (قبل از این که او درخواست کند) در اختیار وی قرار دهید.

۶- عصبانی و سرکش

مجموع تمایل به استقلال، ظرفیت هوشی بالا، قبول نداشتن منش و افکار والدین، تغییرات فیزیکی و مغایرت واقعیت ها با ایده آل های نوجوان باعث حساسیت، زود رنجی، عصبانیت و سرکشی نوجوان می شود.

۷- افزایش تأثیر پذیری از دوستان

نوجوانان بسیار تحت تأثیر گروه های هم سن و سال خود هستند و به همین دلیل به سرعت در میان آنان مد لباس، مو و حتی رفتار خاصی همه گیر و رایج می شود. هسته اولیه این چنین تغییرات و الگوها، بسیار پیچیده می باشد و با

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

زور و محدودیت نمی توان مانع این تغییرات شد، مگر این که زمینه و امکانات کافی برای فعالیت های اجتماعی و پیشرفت برای نوجوانان فراهم شود.

۸- کاهش علاقه به درس

معمولاً در سنین بلوغ افت تحصیلی مشاهده می شود و یکی از علل اصلی آن ورود فعالیت ها و موقعیت های جدید به زندگی نوجوان است و تغییر سیستم آموزشی به یک روش کار آمد و پویا و مشخص کردن آینده ای روشن برای تحصیل کرده ها، مهمترین راه حل این ویژگی است.

۹- گریزان بودن از کار

نوجوانان از انجام کارهایی که مورد علاقه شان نیست (خصوصاً کار های منزل) سر باز می زنند و در مقابل تا دلتان بخواهد می توانند به گردش بروند، به نوار و CD گوش دهند، ساعت ها پشت کامپیوتر بشینند و یا با دوستان دائماً در مکالمه تلفنی باشند و...

تهیه و اجرای یک جدول زمان بندی با همکاری خود نوجوانان می تواند بسیاری از این مشکلات را رفع کند.

۱۰- مصرف بی رویه:

نوجوان بدون توجه، تصوّر می کند برروی گنج نشسته است و چیزی به نام اسراف

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

و صرفه جویی وجود ندارد. آشنا کردن وی با وضعیت اقتصادی خانواده و مشورت با او و مسئولیت دادن به نوجوان در رابطه با مصرف برخی هزینه های خانواده، می تواند کمک کننده باشد.

مسئولیت پذیر کردن نوجوانان

بارعایت نکات زیر مسئولیت پذیری را (که قائم به ذات بودن را در پی خواهد داشت)، در نوجوان خود ایجاد و تقویت کنید

۱- جواب هیچکدام از سوالات او را به طور کامل و آماده ندهید. سعی کنید بخشی از پاسخ را خودش پیدا کند تا ذهن او فعال و پویا باشد.

۲- محبت های پدرانه و مادرانه رنگ و بوی گذشت و ارفاق نداشته باشد (تسامح در حد اعتدال و منطقی بلامانع است).

۳- نکات مثبت و منفی وظایفی که به عهده می گیرد با همراهی خود او مشخص کنید و در مسیر حل و رفع اصلاح موارد منفی کمی وقت بگذارید.

۴- فرصت بدهید از نتایج مسئولیتی که پذیرفته به صورت کاربردی استفاده کند.

۵- در همکاری با او هیچگاه در نقش ناظر، ایرادگیر و مداخله گر عمل نکنید.

۶- در مسئولیت پذیری، صورت مسأله بایستی با دقت روشن و تفهیم شده باشد.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

۷- در تفویض مسئولیت ها و تقسیم کارها حرف آخر را شما زنید و این نکته را که از نظر سن و سواد و تجربه از او بالاتر هستید فراموش نکنید.

۸- در تفویض مسئولیت سعی کنید از راهنمایی های غیر مستقیم استفاده کنید.

۹- زمانی که او اظهار نظر می کند، مکث توام با تفکر داشته باشید تا به پر ارزش بودن زمینه های ذهنی خودش به راحتی بیندیشد.

۱۰- به عملکرد تصمیم ها و مسئولیت های ناتمام و ناقص او ارزش و نمره کامل ندهید.

۱۱- برای مسئولیت پذیر کردن او سعی کنید الگوی رفتاری و عملی موفق باشید نه کارفرما و آمر.

۱۲- در واگذار کردن مسئولیت ها به نتایجی که مورد نظرتان است تلویحاً اشاره کنید تا وضع مطلوب همواره از وضع موجود فراتر باشد و روش های وصول را شخصاً انتخاب کنید.

۱۳- از بازگو کردن و مطرح کردن مثال های ساده و کودکانه بپرهیزید.

۱۴- تا حد امکان از واگذار کردن مسئولیت های ساده و سطحی که نیاز به تفکر انتزاعی (استدلالی) نداشته باشد اجتناب کنید.

۱۵- از آن چه که توقع در این مقطع سنی از توان او بالاتر است و ممکن است

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب‌ها

به مانع و یا موانعی برخورد نمایید، در قبول مسئولیت سعی کنید راه‌هایی را که برای رفع مانع در پیش می‌گیرد به دقت و فهرست وار یادداشت کنید.

۱۶- مراقب باشید در رسیدن به وضع مطلوب از تکنیک آزمایش و خطا استفاده نکنید.

۱۷- در دادن مسئولیت، هدف را مشخص کنید و متناسب با آن زمان تقریبی را که خود او هم در تعیین این مدت سهمیم خواهد بود، معلوم کنید.

۱۸- در پذیرفتن مسئولیت از عباراتی از قبیل: مواظب باش، از توان تو خارج است، به سن تو نمی‌خورد، فکر نکنم بتوانی انجام بدهی؛ اگر نتیجه بد شد؛ مسئولیت پای خودت و... اجتناب کنید.

۱۹- در صورت اصرار به انجام کاری، با راهنمایی، اجازه دهید نتیجه افکار و اعمال خود را تجربه کند. (مگر این که از پیش معلوم باشد چنین کاری خطرناک و بسیار حیاتی و جبران‌ناپذیر باشد. در این صورت با قدرت جلوی آن بایستید).

۲۰- در صورت شکست در انجام مسئولیتی، دلایل شکست آن را مشخص کنید و از سرزنش کردن خودداری کنید.

۲۱- گاهی‌گاهی خودتان را محتاج راهنمایی‌های او در تقسیم کار و قبول مسئولیت نشان دهید.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

۲۲- سعی کنید اگر نمی تواند به هدف برسد، از هدف چشم نپوشید بلکه مانع را دور بزند و به جای هدف A هدف B را که تقریباً هم سنگ هدف A است انتخاب کنید.

تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه دو مؤلفه ی مهم ابتدایی و انتهایی تربیتی بوده و در رابطه با آن بایستی نکات زیر را مد نظر داشت:

۱- توسل به تنبیه بدنی به طور کامل از دید روانشناختی محکوم بوده و نشانه درماندگی مربی و والدین به حساب می آید.

۲- توجه داشته باشید که حذف تنبیه، تشویق و حذف تشویق و پاداش، تنبیه تلقی می شود.

۳- تنبیه باید با جرم متناسب باشد.

۴- تنبیه و تشویق از عملکرد فاصله طولانی نداشته باشد.

۵- طرف مقابل از دلیل تنبیه و تشویق باخبر باشد.

۶- تنبیه کننده، خود حداقل در آن زمینه خلافکار نباشد. (پلیس راهنمایی که خود قوانین را رعایت نمی کند، شایستگی جریمه کردن را ندارد، یا پدری

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

که سیگار می کشد، نمی تواند فرزند خود را در رابطه با استعمال دخانیات تنبیه و توبیخ کند.)

۷- تنبیه به هنگام خشم نباشد. (تنبیه به هنگام خشم اصلاح نیست، انتقام است.)

۸- به جای اعمال تنبیه بدنی، حداکثر قهر کنید. (آن هم برای مدت کوتاهی.)

۹- بین قهر و آشتی مدت زمانی محدود نسبت به او بی اعتنا باشید.

۱۰- حداقل امکان از تشویق های مادی بعد از ده سالگی اجتناب شود.

۱۱- تنبیه او به هدف ترساندن دیگری نباشد.

۱۲- جهت هدیه های تشویقی وسایلی را تهیه کنید که او مدت ها آرزوی داشتن آن وسیله را داشته است.

۱۳- به نکات مثبت او در حضور جمع اشاره کنید (در نوجوانان این امر بایستی بسیار سنجیده صورت گیرد و افکار او نیز مد نظر باشد.)

۱۴- در بحث های شخصی و خانوادگی، از نکات مهم افکار او استفاده کنید.

۱۵- تشویق در جمع انجام شود ولی تنبیه و تذکرات تند، قطعاً بهتر است در خلوت و تنهایی صورت گیرد.

۱۶- اگر متوجه شدید تنبیه بی موردی انجام داده اید، بدون هیچ خجالتی عذرخواهی کنید.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

۱۷- تنبیه و قول تشویق، باید ممکن و قابل اجرا باشد.

چه کارهایی نباید کرد؟

- عیب جویی و سرزنش نکنید.

کمتر کسی از انگشت گذاشتن روی عیب و نقص هایش ناراحت نمی شود. و می پذیرد تا چه برسد نوجوانان که مغرور و کمال گرا هستند. اگر احساس می کنید فرزند شما رفتار نامناسبی دارد و خودش متوجه آن نیست، هیچگاه کُل هویت و شخصیت او را زیر سوال نبرید، بلکه بهترین روش برای بیان انتقاد این است که ابتدا نکات و ویژگی های مثبت شخص را یاد آوری کنیم و در پایان با اصطلاحات مثبت انتقاد کنیم. مثلاً به جای این کار یا تصمیم، غلط و اشتباه است، می توان گفت: (به نظرم این کار را بهتر می توانستی انجام بدهی.) یا (خارج از انتظارم بود) و امثال آن. اگر احساس می کنید فرزند شما رفتار نامناسبی دارد و خودش متوجه آن نیست، به طور غیر مستقیم به او بفهمانید. از سرکوفت زدن و سرزنش کردن جداً پرهیزید.

توجه: انتقاد نا عادلانه (و حتی نامناسب) می تواند فولاد را هم خرد کند.

- مسخره نکنید.

به دلیل خصوصیات ظاهری و رفتاری، نوجوانان را مورد تمسخر قرار

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب‌ها؛

ندهید (حتی از روی محبت!!) مثلاً از کاربرد کلماتی همچون کوتوله، خپل، لنگ دراز، دست و پا چلفتی، گامبو، خیکی، و... همچنین از یاد آوری وقایع نامطلوب دوران کودکی (خصوصاً در میان جمع) خودداری کنید. (مثلاً در چهار سالگی در فلان مهمانی شلوار خود را خیس کرد! و...)

– مقایسه نکنید.

حتی میان دو قلوهای یکسان نیز تفاوت وجود دارد و هر شخصی دارای توانایی و ضعف‌های خاص خود است. هیچ‌گاه برای تحریک یا استدلال فرزندان‌تان را با دیگری مقایسه نکنید. نظیر این که: بین پسر خاله‌ات چقدر با ادب و با شخصیت؛ اون که نصف تو قد داره چطور از اون کتک خوردی؛ مگه تو از فلانی چی کم داری که اون ریاضی ۱۸ بگیره و تو ۱۲!! و...

– چیزی که خود ندارید از فرزندان نخواهید.

پدری که اراده‌ی ترک سیگار را ندارد، نایستی توقع داشته باشد که فرزندش سیگاری نشود یا ناخن‌هایش را نخورد.

– در زمان عصبانیت نه تصمیم بگیرید و نه تنبیه کنید.

در زمان خشم و عصبانیت، قدرت تفکر منطقی و عقلانیت کاهش می‌یابد و مغز قادر به پردازش صحیح مطالب و تصمیم‌گیری منطقی نیست. تنبیه به

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

هنگام خشم، اصلاح نیست انتقام است.

– با فرزندان بگو مگو نکنید.



هیچگاه خود را در موقعیتی قرار ندهید که با واکنش مقابله به مثل فرزندان همراه باشد. مهمترین علت به وجود آمدن این مسأله ندیده گرفتن شخصیت نوجوان و تنبیه نامناسب با خطا است.

نُه کلید برای پدران و مادران خوب

۱- عزّت و اعتماد به نفس فرزند خود را پرورش دهید.

آگاهی یافتن: درک و شناخت کودک از خود به عنوان یک بچه از زمانی که به چشم های شما نگاه می کند و خود را درون آن می بیند، شروع می شود. تن و لحن صدای شما، حرکات و چهره و هر نوع ابراز احساساتتان به وسیله کودک دریافت می شود و اثر می گذارد. کلمات و اعمال شما به عنوان پدر و مادر بیش از هر چیز دیگری در دنیای کودک به شکل گیری و تکامل تصوّر خود یا خوپنداری فرزندانان اثر گذار و تأثیربخش است. تعریف و ستایش فرزندان در مورد قابلیت و توانایی های هر چند کوچک او باعث غرور و افتخار وی می شود. اجازه دادن به او برای انجام کارها برای خودش باعث تقویت حس توانایی و استقلال وی می شود. در مقابل، تحقیر و مقایسه بدترین وسیله ممکن برای تضعیف (و از بین بردن) اعتماد به نفس افراد است.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

احترام گذاشتن: از به کار بردن کلمات و عبارات به عنوان اسلحه و وسیله تنبیه جدا بپرهیزید. تنبیه بدنی به مراتب بهتر از توهین و بی احترامی است (هرچند هیچ کدام از آن دو مورد قبول نیستند).

دوست داشتن و عشق ورزیدن: بگذارید کودکان دریابد که هر کسی و از جمله او ممکن است اشتباه کند ولی همچنان شما او را دوست دارید، هر چند شما آن رفتار و عمل خاص وی را نمی پسندید.

*** تشویق و تأیید بیش از تضعیف و سرزنش در شکوفایی فرزندان موثر است.

توقع بجا و صحیح: بیش از ظرفیت و توانایی شخص از او چیزی نخواهید. زیرا احتمال شکست افزایش خواهد یافت و آفت اعتماد به نفس، شکست های متعدد است. بیشتر پدران و مادران دوست دارند فرزندان آنها از لحاظ درسی و شغلی و انتخاب مسیر آینده، آن چه را که آنها می خواهند و به آن علاقه مندند، در پیش بگیرند بی آن که به استعداد و علایق فرزند خود توجه کنند. روشن است اگر کسی به مسیری سوق داده شود که استعداد و علاقه لازم را نسبت به آن ندارد، احتمال موفقیتش کم خواهد بود و حتی اگر به موفقیت هم برسد به آن رضایت درونی دست نخواهد یافت.

از این رو باید گفت: گاهی فرزندان قربانی بلند پروازی ها و جاه طلبی های والدین خود می شوند.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

توجه به تفاوت ها: حتی میان شما و فرزندان تفاوت وجود دارد تا چه برسد به سایر هم کلاسی و هم سن و سالها . پس هیچگاه فرزند خود را با دیگران مقایسه نکنید و به توانایی ها و ارزش هایش احترام بگذارید و نقاط ضعف وی را به رخش نکشید و هیچ گاه از تعبیراتی همچون تنبل، کودن ، نفهم، خنگ، دست و پا چلفتی و... استفاده نکنید.

تأمین و فراهم سازی زمینه های موفقیّت و پیشرفت: والدین (و مسئولان) موظف هستند شرایط و امکانات لازم (و نه حتماً کامل و بی عیب) را برای شکوفا شدن استعداد های نوجوانان را فراهم کنند.

نکته: افرادی که اعتماد به نفسشان بسیار پایین است .بهتر است ابتدا با کار های ساده و زود نتیجه بخش شروع کنند و به تدریج مراحل سخت را طی کنند. کسی که می خواهد برای اولین بار به یک کوه بلند صعود کند اگر به نوک قله توجه داشته باشد ،ممکن است از صعود منصرف شود ولی اگر تصمیم بگیرد در هر مرحله قسمتی از مسیر را بالا برود و استراحت کند،به زودی به قله کوه خواهد رسید.

۲-فرزند خود را به طرف خوب بودن سوق دهید.

به جای این که دائماً رفتار و خصایص کودک خود را زیر سوال ببرید و گوشزد کنید، بیشتر اعمال و نکات مثبت او را مورد توجه و تشویق قرار دهید.(فکر

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر محلمان و دیگر کتاب‌ها

نمی‌کردم اون کارو اونقدر خوب انجام بدی، موقع بازی با خواهرت چقدر صبور و شکیبایی، چقدر اتاقت رو خوب و قشنگ مرتب کردی و...

۳- نظم و انضباط برقرار کنید و در اجرای آن با ثبات باشید.

هر جامعه‌ای از جمله خانواده نیازمند قانون و نظم و انضباط است. هدف از قانون کمک به فرزندان برای انتخاب رفتارهای مورد قبول و خویشتن‌داری است. در این رابطه دو نکته بسیار حائز اهمیت است: اولاً قانون‌ها و مجازات سرپیچی از آنها بایستی منصفانه باشند به طور دقیق مشخص شده باشند و ثانیاً در اجرای قوانین با ثبات و قاطع بود. (هراز چند گاهی تسامح و ندیده گرفتن برخی از سهل‌انگاری‌ها و خطاها جایز است).

۴- در برنامه ریزی هایتان زمان‌هایی را به کودکان اختصاص دهید.

بر حسب شغلتان و سن فرزندان‌تان هر ازگاهی برای مدتی با فرزندان باشید. در این رابطه بایستی چند نکته را به خاطر بسپارید:

(۱) در طی این مدت تمام ذهن و حواستان را به با هم بودن بدهید. (وبه کلاس درس و موعظه تبدیل نکنید).

(۲) به فعالیت یا کاری که فرزندان‌تان دوست دارد، بپردازید. (مثلاً رفتن به سینما، یا پیاده روی و دید زدن مغازه‌ها، شطرنج بازی، پارک رفتن و...)

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

۳) در صورت امکان فقط شما و فرزندان باشید.

۵- الگوی خوبی برای او باشید.

یکی از مهمترین الگوهای رفتاری کودکان، والدینشان است. پدری که به راحتی دروغ می گوید و حتی گاهی مجبور می کند که فرزندش نیز دروغ بگوید! (تلفن زنگ میزند و فرزند خانواده گوشی را بر می دارد و می گوید فلانی است و پدر به هر دلیلی می گوید : بگو خونه نیست!!) چگونه انتظار دارد فرزند او دروغگو نشود؛ مادری که برخی از وظایف خود را انجام نداده ولی دائماً جلو آینه و مانیکور کردن و.... است چه انتظاری از دخترش دارد؟ پدر و مادری که....

۶- ارتباط صحیح و منطقی با فرزندان برقرار کنید.

- خواست ها و انتظاراتتان را به وضوح و دقیق مشخص کنید و توضیح لازم را در مورد آنها بدهید.

- در انجام بسیاری از کارها و تصمیمات، نظر فرزندان را جویا باشید و از او کمک بخواهید.

- در بحث ها سعی به متقاعد کردن فرزندان نکنید. فقط نظرات خود را توضیح داده و به نظرات او احترام بگذارید.

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

۷- انتقاد پذیر و انعطاف پذیر باشید .

اگر در مورد خاصی اشتباه کردید، با جرات تمام اقرار کنید و پوزش بخواهید و اگر در اصلاح رفتار فرزندان درمانده شده اید، بی درنگ با یک فرد با تجربه و یا روان شناس مشورت نمایید. یا کتاب هایی در زمینه ی برخورد با نوجوان مطالعه کنید و سی دی های آموزشی تماشا کنید یا گوش کنید و در صورت امکان در کارگاه ها، همایش ها و جلسه هایی که مرتبط با تربیت فرزند است، به صورت فعال شرکت کنید.

۸- نشان دهید که محبت و دوست داشتن شما شرطی نیست.

تحت هیچ شرایطی نبایستی علایق و وابستگی های فرزندی و پدری و مادری خدشه دار شود. (حتی به منظور تنبیه) در قبال خطا و رفتار نادرست فرزند می تواند عصبانی و ناراحت شد و دست به تنبیه زد ولی نمی توان حتی به صورت ظاهری فرزند را از محبت محروم کرد. عباراتی نظیر دیگه دوست ندارم، اگر این کار و بکنی دوست دارم، تو بچه بدی هستی، از دستت خسته شدم، کاشکی بچه نداشتیم و امثال آن، مخرب ترین جملات هستند و ضربه شدیدی به احساسات و عواطف کودک وارد می کند به جای این جمله ها بگویید: «پسرم یا دخترم، خودت را دوست دارم ولی این کارت را دوست ندارم.»

۹- نیازها و محدودیت های خود را نیز مد نظر داشته باشید.

پدران و مادران بایستی بدانند که همانند سایر افراد دارای ضعف و نقص هایی هستند و کامل مطلق نیستند و نیازی به دانستن تمام پاسخ ها ندارند. یکی از بزرگترین اشتباهات پدران و مادران این است که ازدواج و روابط زناشویی خود را در ردیف دوم و ارجحیت پایین تری نسبت به فرزندان خود قرار می دهند. در مطالعات انجام شده بر روی پدر و مادری که فرزندان خوب تربیت کرده و به اجتماع تحویل داده بودند، مشخص شد که علاوه بر شرایط اولیه پدر و مادر خوب و بدن، مانند گوش دادن به فرزندشان، کمک بودن برای آنها، محبت و توجه داشتن به آنها و غیره، عامل موثر دیگر این بوده است که بیشتر برای زوج خود اهمیت قائل بوده اند تا برای بچه ها در خانواده هایی که تمرکز پدر و مادر بیشتر روی بچه ها بوده و رابطه زوجین نادیده گرفته شده است. نه بچه ها خوب از آب درآمدند و نه پدر و مادر رابطه سالمی با هم داشته اند^۱.

اجرای تدریس:

رعایت مراحل و گام های آموزش و توجه به روابط بین مدرس و فراگیر از اهمیت خاصی برخوردار بوده و رعایت نکات زیر مطلوب است:

۱. منبع: کتاب «شناخت بیمار ها و توصیه های پزشکی ۱۴»، بلوغ روحی و روانی در پسران، نوردانش، تهران، ۱۳۸۱، فصل یازده نکات کلیدی برای والدین و مربیان، از صفحه ۹۸ تا ۱۱۳

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

الف- نقش و وظایف معلم در انتقال دانش و یاد دهی و یاد آموزش

ب- نقش و وظیفه فراگیر در یادگیری

ج- چیدمان مطالب از ساده به سخت- از ملموس تا ذهنی - از کم به زیاد

د- مرور درس و ارزشیابی مستمر (فعال نگه داشتن ذهن)

و- پاسخ به سؤالات و رفع اشکال

ز- تمرین فردی - کنترل مهارت آموخته شده و تغییر در نگرش های فردی و گروهی

ح- تغییر در نگرش و حیطه عاطفی فراگیران

ط- جمع بندی درس و مرور مطالب

ارائه تکلیف:

• تکلیف باید با توجه به سطح و میزان یادگیری هر فراگیر مشخص گردد

• با توجه به امکانات و سطح اقتصادی و اجتماعی او برنامه ریزی شود

• ارائه تکلیف خلاقانه و ابتکاری باشد

• ارائه تکلیف بصورت مرور درس، تمرین مهارت، پرورش خلاقیت و... باشد

ارزشیابی پایانی :

• توجه به تفاوت های فردی و زمان یادگیری هر فرد

• توجه به نوع روش تدریس

• توجه به نوع هدف های رفتاری درس

مدرس محترم هنگام تدریس می بایست به موارد ذیل دقت نظر داشته باشد:

سازماندهی کلاس از لحاظ چیدمان صندلی و گروه بندی و ...

کنترل زمان

کنترل فعالیت گروه ها و دانش آموزان

برنامه ریزی و بکار گیری و جمع آوری وسایل و رسانه های آموزشی...

معرفی مختصر حمید علامه

۱- ۲۲ سال سابقه ی خدمت در آموزش و پرورش شهرستان فریمان.

۲- ۱۱ سال سرگروه آموزشی ادبیات فارسی.

۳- چاپ بیش از ۱۸ مقاله در مجلات معتبر علمی کشور.

۴- معلم نمونه در سطح شهرستان و استان در چندین سال متوالی و معلم نمونه ی

کشور در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰

فصل هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر معلمان و دیگر کتاب ها

۵- ارایه ی مقاله و سخنرانی و شرکت در بیش از ۲۴ همایش و سمینار کشوری و بین المللی.

۶- فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی.

۷- کسب مقام برگزیده ی استانی در طرح معلم پژوهنده سال ۱۳۸۳.

۸- تحقیق و مطالعه در زمینه ی تکنولوژی فکر و بهره وری کامل از توانایی های ذهنی. و...

۹- از سال ۱۳۸۸ اجرای طرح «پرورش نخبگان جهانی» برای اولین بار در فریمان (طرح شهاب بنیاد نخبگان)

۱۰- رابط «بنیاد ملی نخبگان» در شهرستان فریمان

۱۱- ثبت اختراع در اداره ی ثبت اختراع و مالیکت های صنعتی ایران.

۱۲- انجام بیش از ۸ طرح ارزنده ی تحقیقاتی و ارائه ی آن به سازمان آموزش و پرورش خراسان رضوی.

۱۳- مدیر عامل موسسه ی فرهنگی و هنری «برگ زندگی پویا»

۱۴- مجری پروژه ی «برگ زندگی» با داشتن بیش از ۳۰ هزار مخاطب خاص و علاقه مند.

۱۵- پیشگام در تلفیق فرهنگ و صنعت برای اولین بار در کشور...

فصل، هفتم / مطالبی برگزیده از دیگر محققان و دیگر کتابها

۱۶- در حال چاپ و انتشار دو جلد کتاب (مهر ماه ۱۳۹۴)

۱۷- ایرانی بهترین است و می تواند.

تلفن دفتر کار: ۳۴۶۳۱۸۶۱ شماره همراه: ۰۹۱۵۳۱۲۲۰۵۶

وب سایت: ir.www.Rw۲۴ رایانامه: ir.info@Rw۲۴

با آرزوی موفقیت و سربلندی برای تمام مردم جهان .

حمید علامه - شهریور ماه ۱۳۹۴

چکیده پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده: انسان، مسائل انسانی، ارزش های اخلاقی و تربیتی ، همواره در داستان های کوتاه معاصر مورد توجه بوده است و پرداختن به این مفاهیم و ارزش ها با توجه به مسائل اجتماعی و اوضاع کنونی لازم و ضروری به نظر می رسد.

هدف از این تحقیق، بررسی میزان موفقیت نویسندگان و هنرمندان در انتقال اخلاق و ارزش های اخلاقی از طریق داستان کوتاه به جامعه ی انسانی و اسلامی است. پس از سال ها کار در این حیطه ، به این نتیجه رسیدیم که : بهترین قالب و ظرف برای انتقال ارزش های اخلاقی و انسانی، داستان و به ویژه داستان کوتاه می باشد. چرا که با توجه به مشغله های زندگی امروزی، مردم فرصت مطالعه ی کتاب های قطور و حجیم را ندارند به همین دلیل داستان های

کوتاه تصویری، خیلی سریعتر و راحت تر می توانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند.

ما در این تحقیق پس از ذکر کلیاتی درباره ی ادبیات، اخلاق و تربیت، به بررسی شیوه های انتقال مفاهیم و مضامین اخلاقی پرداخته و مواردی که مناسب با بستر اجتماعی و فرهنگی جامعه فارسی زبان ایران است، نقد نموده و در نهایت مهم ترین مسائل اخلاقی و اجتماعی را در داستان های متعددی جست و جو کرده و تحلیل نموده ایم.^۱

۱. کلید واژه ها: اخلاق، تربیت، داستان کوتاه، آموزه های اخلاقی

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

۲- مجله موفقیت

۳- کتاب خاطرات معلمان ...

۴- مجموعه کتابهای شما عظیم تر از آنی هستید که می اندیشید. «نوشته آقای مسعود سعلی»

۵- کتاب شناخت بیماری ها و توصیه های پزشکی

۶- کتاب آثار برکات آیه الکرسی نوشته جابر رضوانی

۷- مجله ی «رشد آموزش راهنمایی شماره ۲۷» سال ۱۳۷۹ مقاله ی شیوه ی صحیح تدریس املا در دوره ی راهنمایی ، نوشته ی حمید علامه

۸- مجله ی «رشد آموزش راهنمایی شماره ۳۳» سال ۱۳۸۱ طرح آیا شما شجاع هستید، نوشته ی حمید علامه

۹- کتاب «مجموعه برگزیده اولین فراخوان در جست و جوی فعالیت های خارج از کلاس...» جلد ۴ تابستان ۱۳۸۲ (۷ اثر از حمید علامه)



۱۰- کتاب «مجموعه برگزیده دومین فراخوان در جست و جوی فعالیت های خارج از کلاس» جلد اول بهمن ۱۳۸۳ (۳ اثر از حمید علامه).

۱۱- کتاب یاد ایام (خاطرات معلمان ابتدائی و راهنمایی استان خراسان) در سال ۱۳۸۰ صفحه ۱۱۶ ...

اِکسیری که مس را به طلا تبدیل می کند، خدمت به مردم است.

ب
ج